

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع :

بررسی خسران و آثار
آن در قرآن

تهیه کننده :

بهار ۸۸

فهرست مطالب

فصل اول: طرح تحقیق

4

مقدمه

5

6 اهمیت و ضرورت بحث
پیشینه تحقیق

7

اهداف تحقیق

8

سوالهای تحقیق

9

9 فرضیه ها

روش تحقیق

10

فصل دوم: یافته های تحقیق

۱۱

بخش اول: تعریف خسران، ویژگیها و مصادیق آن

۱۲

الف) بررسی معنای لغوی واژه خسران

۱۲

ب) مصادیق خسران

۱۷

ج) ویژگیهای خاسرین

۲۲

بخش دوم: عوامل خسران و راههای جلوگیری از آن

۳۵

الف) عوامل خسران

۳۵

۱- تکذیب و انکار

۳۵

۲- کفر

۴۴

۳- باز داشتن مردم از راه خدا

۵۲

۴- ظلم کردن

۵۴

۵- شرک ورزیدن به خدا

۵۵

۶- پذیرش ولایت شیطان

۵۷

۷- دروغ و افتراء به خداوند ۶۲

۸- آلوده کردن نفس و اطاعت از آن

۶۲

۹- باطل اندیشی و باطل کاری

۶۴

۱۰- شکستن پیمانها

۶۷

۱۱- قطع پیوندها

۶۶

۱۲- فساد در زمین

۶۶

۱۳- سوء ظن داشتن بخدا

۶۶

۱۴- مشغول شدن به دنیا و غفلت از یاد

خدا ۷۰

۱۵- فرو رفتن در فساد و بهره برداری

از امکانات مادی در مسیر گناهان

۷۲

۱۶- عملکرد ضعیف در مسولیت

۷۳

۱۷- درخواست بدون علم

۷۴

ب: راههای جلوگیری از خسران:

۷۷

۱- ایمان آوردن

۷۹

۲- انجام اعمال شایسته

۸۱

۳- سفارش کردن به حق

۸۲

۴- سفارش کردن به صبر

۸۳

۵- تزکیه نفس

۸۴

۶- هدایت ویژه الهی

۸۶

۷- تسلیم در برابر خدا

۸۶

بخش سوم: آثار و نتایج خسران:

۸۷

الف) آثار خسران در دنیا

۸۷

۱- حسرت کشیدن و مغلوب شدن

۸۷

۲- حبط اعمال

۸۹

۳- ندامت و پشیمانی

۹۰

۴- نازل شدن عذاب الهی

۹۱

۵- گرفتار همنشین بد شدن در دنیا

۹۳

ب) آثار خسران در آخرت:

۹۴

۱- ورود به جهنم

۹۵

۲- عذاب شدید

۹۵

۳- خلود در جهنم

۹۷

- ۴- خوار و ذلیل بودن در آتش جهنم
۹۸
- ۵- فریادهای آنها را پاسخی نیست
۹۹
- ۶- بر دوش کشیدن بار سنگین گناهان
۱۰۰
- ۷- دچار حسرت گردیدن
۱۰۱
- ۸- زشت و بد منظر شدن
۱۰۲
- ۹- درخواست شفاعت و بازگشت به دنیا
۱۰۳
- ۱۰- نابود شدن خدایان و سخنان
دروغین آنها ۱۰۴
- ۱۱- نهایت دوری از رحمت خداوند
۱۰۵
- ۱۲- حبط اعمال
۱۰۶
- نتیجه گیری
۱۰۹
- فهرست منابع و مآخذ
۱۱۰

فصل اول :

طرح تحقیق

مقدمه :

حمد و سپاس خدایی را سزااست که انسان را از خاک آفرید و در او از روح خود دمید ، سپس خود را بر آفریدن او ستود و ملائکه را به سجده بر او امر کرد و بیان کرد که انسان را به هدف عبادت آفرید و او را خلیفه خود در زمین قرار داد .

و درود بر پیامبران الهی که پیوسته برای هدایت انسان مأمور گشتند و او را به نعیم بهشتی بشارت و از عذاب الهی ترساندند .

و درود بر پیامبر خاتم که اشرف پیامبران اوست و درود بر کتاب هدایت الهی قرآن که در بردارنده رطب و یابس است .

انسان طالب هدایت و سعادت ابدی باشد راهی ندارد جزء اینکه پناه ببرد به قرآن مجید که کلام خدای عزیز عالم است و دستورات قرآن مجید را به کار ببندد . زیرا عمیق ترین و زیباترین و فصیح ترین کلام ، کلام خداست و قرآن که معجزه باقی پیغمبر است برای هدایت خلق آمده و تا قیامت کلامی به زیبایی قرآن نخواهد آمد .

اما در راه هدایت ، همواره رهنمائی بوده اند که انسان را از صراط مستقیم بازداشته اند و او را به خسران و زیانکاری کشانده اند و باعث شده اند او تمام سرمایه های وجودی خود را برای حرکتی بی انتها به سوی کمال از دست بدهد .

در آیات متعددی از قرآن کریم به موضوع خسران و مطالب مربوط به آن پرداخته شده است . نگارنده در این تحقیق می کوشد تا با بررسی آیات مربوط به خسران در حد توان خود ، تصویری جامع از این موضوع در دیدگاه قرآن ارائه کند .

تلاش شده است در توضیح آیات از تفاسیر گوناگون استفاده شود و البته از این نکته غفلت نشده است که تحقیق صرفاً به محلی برای نقل اختلافات تبدیل نشود . همچنین در مواردی از کتب اخلاقی استفاده شده است .

اهمیت و ضرورت بحث:

با نگاهی اجمالی به سوره عصر می فهمیم که قرآن همه انسان ها را در خسران و زیانکاری اعلام کرده و در این میان جماعتی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند و توأسی به حق و صبر دارند، از آن مستثنی شده اند.

لذا این خود دلیلی است بر اهمیت و ضرورت مطلب که برای این جانب انگیزه ای گردید که به بررسی و تحقیق در موضوع خسران و آثار آن در قرآن بپردازم. در این تحقیق مفهوم خسران و مصادیق و ویژگی های آن را مورد بررسی قرار داده و عوامل آن را با استفاده از آیات قرآنی بیان کرده ام و همچنین راهکارهای قرآنی از ابتلا به خسران آورده شده تا از نتایج سوء آن در دنیا و آخرت مصون مانده و به رشد و سعادت واقعی برسیم.

ان شاء الله

مروری بر مطالعات انجام شده:

این جانب پس از جستجوی منابع، تنها دو مورد یافتم که در آنها به صورت خاص به موضوع خسران پرداخته شده بود که عبارتند از:

پایان نامه کارشناسی با عنوان «عوامل و پیامدهای خسران در آینه قرآن و حدیث» از خانم اکرم دیانی که در هشت بخش تنظیم شده است:

بخش اول: کلیاتی در باب خسران

بخش دوم: حوزه های خسران

بخش سوم: تعابیر گوناگون خسران در قرآن کریم

بخش چهارم: شناخت خاسرین و ویژگیهای آنان

بخش پنجم: عوامل خسران از دیدگاه قرآن

بخش ششم: آثار و نتایج خسران

بخش هفتم: زمان بروز و ظهور خسران

بخش هشتم: راه های جلوگیری از خسر
و همچنین در کتاب «حدیث هدایت» از علی لطفی که
در باب اول به بررسی معنای خسران و زیانکاران
واقعی می پردازد.

اهداف تحقیق:

هدف کلی تحقیق:
بررسی خسران و آثار آن در قرآن
اهداف جزئی:

- 1- آشنایی با مفهوم خسران و مصادیق آن
- 2- بررسی ویژگی های خاسرین از منظر قرآن
- 3- بررسی عوامل خسران
- 4- بررسی راههای جلوگیری از خسران زدگی
- 5- بررسی آثار دنیوی خسران
- 6- بررسی آثار اخروی خسران

سوالات تحقیق:

سوالات اصلی:

- ۱- آیا از منظر قرآن کریم رابطه ای میان اعمال افراد و خسران وجود دارد؟
 - ۲- آیا از منظر قرآن کریم تفاوتی بین خسران و حبط اعمال وجود دارد؟
- سوالات فرعی:

- 1- ویژگی های خاسرین در قرآن چیست؟
- 2- مصادیق خسران در قرآن چه مواردی است؟
- 3- آیات قرآن چه عوامل را برای خسران نام می برد؟
- 4- قرآن چه راهکارهایی برای پیشگیری از ابتلا به خسران ارائه می دهد؟
- 5- آثار دنیوی خسران چیست؟
- 6- آثار اخروی خسران چیست؟

فرضیه ها:

- 1- از منظر قرآن خسران تحت تاثیر اعمال و رفتار بد انسان شکل می گیرد.
- 2- از منظر قرآن گرچه میان خسران و حبط اعمال رابطه وجود دارد ولی این دو مترادف نیستند.

روش تحقیق:
روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه ای از طریق یادداشت هایی که از منابع و ماخذ مختلف به دست آمده می باشد.
بدین صورت که ابتدا ، آیات مربوطه را مشخص نموده و از طریق تفاسیر مختلف به بررسی آیات پرداخته و روایات و احادیث مرتبط با این بحث را از بین کتب روایی استخراج نمودم ، و از کتاب های اخلاقی نیز استفاده کردم .

فصل دوم :

یافته های تحقیق

بخش اول : تعریف خسران و ویژگیها و مصادیق آن :
با نگاهی به سوره عصر درمی یابیم که قرآن کریم
عموم انسانها را در خسران و زیان اعلام می نماید
مگر کسانی که ایمان و عمل صالح انجام دهند و
یکدیگر را به حق و صبر سفارش کنند . دنیا بازاری
است که انسان در آن سرمایه عمر را از دست می دهد
تا سرمایه ای به دست بیاورد و حال گروهی هستند که
نه تنها سرمایه ای به دست نمی آورند بلکه سرمایه
ای را هم از دست می دهند و اینها هستند که گرفتار
خسران و زیان هستند . همانطور که خداوند می
فرماید

پس گروهی از انسانها هستند که سرمایه های عظیم خود را به بهایی اندک می فروشند و ضلالت را به جای هدایت می خرنند .

و ما در این فصل بر آنیم که با شناخت معنای دقیق خسران در قرآن ، با مصادیق آن و ویژگی های خسران در قرآن نیز آشنا شویم .

الف : بررسی معنای لغوی واژه «خسران»

در معنای اصلی «خسر» نظرات مختلفی وجود دارد و برخی برای آن چندین وجه معنایی در نظر گرفته اند . برخی معنای اصلی خسر را به معنای ضرر و زیان ، ضد سود آورده اند .

مصطفوی در التحقیق می نویسد: «معنای اصلی در این ماده آن چیزی است که مقابل سود قرار می گیرد یعنی کم شدن در مقابل سود کردن و اما نقص و گمراهی و هلاکت و ضرر ، هر یک از این موارد گاهی بر بعضی از موارد این معنا منطبق می شوند و گاهی از آثار این معنا هستند یا از اسباب و مقدمات آن هستند»^۱ برخی معنای اصلی «خسر» را کم شدن ، کم کردن و نقصان دانسته اند .

قرشی در قاموس می نویسد : «باید دانست که خسر ، خسران و خسار یک معنی بیشتر ندارند و آن نقصان و کم شدن است چنانکه صریح آیه «وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن / ۹) و آیه ی «وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطفئین / ۳) است و اینکه ضلالت و هلاکت را از معنای آن شمرده اند بدان جهت است که ضلالت و هلاکت یک نوع نقصان و زیان است»^۲.

برخی از منابع لغوی اصل ماده «خسر» را بر همین معنا گرفته اند و همین نظر را دارند .^۳ در برخی از منابع خسران به معنای کم شدن سرمایه آمده است که گاه به انسان نسبت داده می شود و می

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ۱۴۱۶ ه . ق ، اول ، مصطفوی حسن ۱۲۹۷ ق ص ۵۲

۱. قاموس قرآن ، دار الکتب الاسلامیة ، تهران ، ۱۳۱۸ ش ، نهم ، قرشی ، علی اکبر ص ۲۴۳
۲. معجم مقاییس اللغة ، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی ، قم ، ۱۴۰۴ ق بی تا ج ۲ ، ص ۱۸۲

گویند فلان کس زیان کرد و گاه به خود عمل نسبت داده می شود و می گویند تجارتش زیان کرد . گاه واژه خسران درباره دستاوردهای زندگی یه به عبارتی دیگر درباره سرمایه های برونی مانند مال و مقام دنیایی است و گاه درباره ی سرمایه های درونی یا نتایجی که از حالات نفسانی حاصل می شود مثل از دست دادن صحت و سلامتی و عقل و ایمان و ثواب .^۱ گرچه راغب معتقد است که خسران به معنای زیان در سرمایه های درونی است نه زیان در امور دنیوی و تجارت بشری .^۲ نویسنده الموسوعة القرآنیة هم همین نظر را دارد .^۳

در مجمع البیان ذیل آیه ۲۷ بقره «خسر» را به معنای نابودی تمام سرمایه آورده است و می نویسد : « خاسرون کسانی هستند که نفس خویش را هلاک کردند و به منزله ی کسانی هستند که سرمایه شان نابود شده است» .^۴

در المعجم الوسیط ذیل ماده «خسر» آمده است : «خسر التاجر : تاجر در تجارت خود مغبون شد و کلاه بر سرش رفت . زیان کرد در آن . خسر فلان : فلانی نابود شد . گمراه شد (خسر) الشیء : آن چیزی کم و ناقص کرد . گویند خسر ، المیزان و الکیل : ترازو و پیمانہ را کم داد و ناقص گردانید.»^۵

^۱ شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، مشهد ، ۱۳۸۱ ش ، دوم ، شریعتمداری ، جعفر ، ج ۱ ، ص ۶۸۰ ؛ المفردات فی غریب القرآن ، رضوی ، مشهد ، ۱۳۷۵ ش ، دوم ، راغب اصفهانی (م ۵۰۲) ، مترجم : غلامرضا خسروی حسینی ص ۵۹۹ ؛ الموسوعة القرآنیة ، موسسه سجل العرب ، بی جا ، ۱۴۰۵ ق ، آبیاری ابراهیم ، ج ۸ ، ص ۱۶۶

^۲ المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۹۹

^۳ الموسوعة القرآنیة، ج ۸ ، ص ۱۶۶

^۴ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲

ش، سوم، فضل بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۱۷۰

^۵ . فرهنگ المعجم الوسیط ، انتشارات اسلامی ، تهران ، ۱۳۸۱ ش ، اول ، ابراهیم اینس ، منتصر عبد العظیم ، الصوالحی علمیه ، محمد خلف احمد ، مترجم : محمد بندریگی ، ج ۱ ، ص ۴۹۶

و در لسان العرب آمده است : خسر به معنای نابودی است و الخسار و الخسارة و الخيسرى به معنای گمراهی و هلاکت است .^۱

در وجوه القرآن برای «خسر» چندین وجه معنایی در نظر گرفته اند : غبن ، ضلال ، عقوبت و عجز و نقص

1- به معنای غبن یعنی زیان در آیه : « إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (شوری / ۴۵) . در این آیه خاسر یعنی معجون و زیان دیده .

2- به معنای گمراهی و ضلال در آیه : « فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا » . (نساء / ۱۱۹)

3- به معنای عقوبت در آیه : « لئن أشركت ليحيطنَّ عمَلَك و لتكوننَّ من الخاسرين » (زمر / ۶۵) و همچنين در آیه : « لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لتكوننَّ من الخاسرين » . (اعراف / ۱۴۹)

4- به معنای عجز و ناتوانی در آیه : « لئن أكله الذئب ونحن غضبه إنا لآخسرون » (يوسف / ۱۴) در این آیه خاسرين یعنی ناتوانان .

5- به معنای نقص و کم بودن در آیه : « أوفوا الكيل ولا تكونوا من المخسرين » (شعراء / ۱۸۱)^۲

نتیجه :

در برخی از آیات قران کریم واژه «خسران» در همان مفهوم لغوی آن بکار رفته است . یعنی به معنای نقص و کم گذاشتن است . مانند آیه : « وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ » (رحمن / ۹) و یا آیه : « وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ » (مطففين / ۳)

در مورد این آیه زجاج می گوید : یعنی در پیمانہ و وزن کم می گذارند^۳ و یا در آیه « أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ » (شعراء / ۱۸۱) مخسر کسی است که هنگام دادن پیمانہ در آن کم می گذارد و هنگامی که می خواهد بگیرد اضافه می خواهد .^۴

^۱ . لسان العرب ، دار صادر، بیروت ، ۱۴۱۴ ق، سوم، محمدبن مكرم

ابن منظور، ج ۱ ، ص ۴۹۶

^۲ وجوه القرآن ، مجمع البحوث الاسلامية ، مشهد ، ۱۳۸۰ ش ، اول ، حیدری نیشابوری اسماعیل بن احمد ۴۳۱ ه . ق ، ص ۲۲۷

^۳ لسان العرب ج ۴ ، ص ۲۳۹

^۴ همان

با این حال در قرآن کریم این واژه در اغلب موارد به معنای خسران در سرمایه های درونی است یعنی به معنای از دست دادن صحت و سلامتی و عقل و ایمان و ثواب است .

و این همان است که خداوند متعال از آن به عنوان خسران مبین یعنی زیان آشکار یاد کرده است .^۱ که در این آیه شریفه به آن اشاره کرده است : « إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ » (زمر / ۱۵)
خسران در فارسی به زیان ترجمه شده است .^۲

دو واژه «خسران» و «ضرر» از نظر معنایی صد در صد مترادف نیستند .
در التحقیق آمده است :

« و هذا المعنى (زیان) غير مفهوم الضرر فى مقابل النفع و قلنا ان «الخسر» نقص کلی فى مقابل الربح بخلاف الوضع . ثم ان هذا النوع من النقص قد يكون فى المال و الامور المادية و قد يكون فى الامور النفسية و المعنوية فاما الاول فقد يصدق عليه مفهوم الغبن و النقص و اما الثانى فقد ينطبق عليه مفهوم الضلال و الهلاك»^۳.

«این معنا (زیان) غیر از مفهوم ضرر که در مقابل نفع است ، می باشد و گفتیم که خسران ، نقص در اصل در مقابل سود است به خلاف وضع . این نوع از نقص گاهی در مال و امور مادی است و گاهی در امور نفسانی و معنوی است . نوع اول بر آن مفهوم ضرر و نقص صدق می کند و نوع دوم گاهی مفهوم گمراهی و هلاکت بر آن منطبق می شود».

فخر رازی در تفسیرش می نویسد : «یکی از بزرگان پیشین می گوید : معنی این آیه را من از مرد یخ فروشی آموختم که فریاد می زد و می گفت : رحم کنید

^۱ مفردات راغب ص ۵۹۹ : الموسوعة القرآنية ج ۸ ص ۱۶۶ : شرح و تفسیر لغات قرآن ج ۱ ، ص ۶۸۰

^۲ التحقیق فى کلمات القرآن الکریم ، مصطفى حسن ص ۵۲
^۳ همان

به کسی که سرمایه اش ذوب می شود . رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود»^۱ بسیاری از مفسرین معتقدند که : مفهوم خسران ، تنها این نیست که انسان ضاعی را از دست بدهد بلکه خسران واقعی آن است اصل سرمایه را نیز از کف بدهد .^۲

ب - مصادیق خسران :

خداوند در قرآن افراد یا گروه هایی را به عنوان نمونه و الگو معرفی می کند تا کسانی که در آیات الهی دقت می کنند با این افراد که جزء زیانکاران در دنیا و آخرت هستند آشنا شوند و از سرگذشت آنها عبرت بگیرند و ویژگی های آنان را بر می شمارد تا از این صفات بر حذر باشیم . ما در این بخش مصادیق خسران را نام می بریم و بعد به طور مختصر درباره ویژگی های آنها توضیح می دهیم . مصادیقی که در قرآن مطرح شده است ، عبارتند از :

۱- حزب و گروه شیطان

اسْتَحْوِذْ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ . (مجادله / ۱۹)

«شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند».

اولین و برجسته ترین مصادیق خاسران در قرآن «شیطان» است و کسانی که از شیطان پیروی می کنند و در گروه و حزب شیطان قرار می گیرند نیز خاسر

^۱ . تفسیر مفاتیح الغیب ، دار احیاء التراث العربی بیروت ۱۴۲۰ ق سوم ابو عبدالله محمد بن عمر فخر الدین رازی، ج ۳۲، ص ۲۷۸
^۲ . تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیة ، تهران ، ۱۳۷۴ ش ، اول ، مکارم شیرازی ناصر ، ج ۱۲ ، ص ۵۵۹ ؛ تفسیر اطیب البیان ، انتشارات اسلام ، تهران ۱۳۸۰ ش ، دوم ، طیب سید عبدالحسین ، ج ۱۱ ، ص ۲۹۵

هستند. زیرا آنان کسانی هستند که شیطان را به عنوان سرپرست خود گرفته اند.

2- قابیل

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده / ۳۰)

« پس نفس [اماره] اش او را به قتل برادرش ترغیب کرد، و وی را کشت و از زیانکاران شد». همه مفسرین بر این اتفاق نظر دارند که این آیه درباره قابیل است گرچه که اسمش در آیه نیامده است.^۱

عبارت «فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» به این اشاره دارد که قابیل یکی از مصادیق خاسران در قرآن است که با پیروی از هوای نفس و قتل برادرش از خاسران گشت.

3- مخالفین و منکرین پیامبران

(الف): مخالفین و دشمنان ابراهیم :
وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ. (انبیاء / ۷۰)

«و خواستند به او نیرنگی بزنند و [لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم».

کسانی که تصمیم گرفته بودند که حضرت ابراهیم را با نقشه حساب شده و خطرناکی نابود کنند و او را در شعله های آتش بسوزانند ولی به امر خدا آتش برای ابراهیم سرد و سلامت شد و آنها زیان کار شدند.

(ب): دشمنان و مخالفان شعیب :

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا لَمْ يَخْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (اعراف / ۹۲)

« کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، گویی خود در آن [دیوار] سکونت نداشتند. کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، خود، همان زیانکاران بودند». آیه بیان می کند که کسانی که شعیب را تکذیب می کردند، خودشان زیانکار هستند و مخالفت با شعیب عامل اصلی زیانکاری آنان بود.

4- کافران

^۱ تفسیر نمونه ج ۴، ص ۳۵۰؛ تفسیر اطیب البیان، ج ۴، ص ۳۴۵؛ تفسیر هدایت، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۷ ش اول مترجمان ج ۲، ص ۳۱۲

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (فاطر / ۳۹)

« اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید. پس هر کس کفر ورزد کفرش به زیان اوست، و کافران را کفرشان جز دشمنی نزد پروردگارشان نمی‌افزاید، و کافران را کفرشان غیر از زیان نمی‌افزاید.»

یکی از گروه‌هایی که جزء مصادیق خسران قرار می‌گیرد، کافران هستند. دو جمله اخیر آیه بیان می‌کند که چیزی جزء خشم و غضب الهی و زیانکاری برای کافران نیست.

یکی دیگر از آیاتی که نشان می‌دهد، کافران زیانکارند آیه ۸۵ سوره ی غافر است آیه بیان می‌کند که آنها در زمان رؤیت عذاب زیانکار شدند.

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ. (غافر / ۸۵)

« و [لی] هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد. سنت خداست که از [دیرباز] درباره بندگان چنین جاری شده، و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند.»

پس کافران، زیانکار هستند. آیه ۵ از سوره مائده بیان می‌کند حتی کسانی که ایمان آورده‌اند ولی به آن کافر شده‌اند زیانکار هستند.

مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (مائده / ۵)

« هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است.»

5- پیروان کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (آل عمران / ۱۴۹)

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید، شما را از عقیده‌تان بازمی‌گردانند و زیانکار خواهید گشت.»

کافران خود ، جزء زیانکاران هستند و حال کسانی هم که از آنها پیروی می کنند ، زیانکارند چون خود را به قهقری کشانده اند و آیه هشدار می دهد علاوه بر اینکه خود از کافران نباشید ، از آنها پیروی هم نکنید که عواقب وخیمی دارد .

6- مشرکان

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (زمر / ۱۵)

« پس هر چه را غیر از او می‌خواهید، بپرستید » [ولی به آنان] بگو: « زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند آری، این همان خسران آشکار است.»

عبارت « فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ » نشان می دهد که مشرکان

یعنی کسانی که برای خداوند شریک می گیرند چون علاوه بر اینکه سرمایه ی وجودی خویش را از دست داده اند ، باعث زیانکاری اصل خویش هم شده اند ، چون آنان را وادار به کفر و شرک کرده اند .^۱

7- گمراهان

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَآوَلَيْكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ . (اعراف / ۱۷۸)

« هر که را خدا هدایت کند، او راه‌یافته است و کسانی را که گمراه نماید، آنان خود زیانکارانند.» آیه بیان می کند هرکس را که خداوند گمراه کند ، همان ها خاسران هستند . علامه می نویسد : «صرف ضلالت ضرر قطعی نمی رساند مگر اینکه با اضلال خدای سبحان توأم شود» در این هنگام آدمی حتما زیانکار می گردد .

8- ظالمان

قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری / ۴۵)

^۱ تفسیر المیزان ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قم ۱۳۷۴ ش پنجم سید محمد حسین طباطبایی مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی ج ۱۷ ، ص ۳۹۵

^۲ همان - ج ۸ ، ص ۴۳۶

« کسانی که گرویده اند می‌گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند.» آری، ستمکاران در عذابی پایدارند.»

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلُمُونَ (اعراف : ۹)

« و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند، چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند.»

با توجه به این آیات ظالمان ، زیانکارند .
آیه ۸۲ سوره اسراء قرآن را برای ظالمین مایه زیانکاری می‌داند :

وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء :

۸۲)

« و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم، و [لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.»

قرآن برنامه و اصول زندگی سالم را به ما انسانها یاد می‌دهد. از این برنامه کسانی بهره می‌گیرند که به خدا و آیاتش ایمان بیاورند و از روی فهم و استقامت و اخلاص به قرآن عمل کنند ولی ستمکارانی که معانی آیات قرآن را به مصلحت خود تغییر می‌دهند ، قرآن برایشان شفاء و بدبختی در دنیا و زیان و خسارت در آخرت است .

«قرآن برای ظالمین مایه زیانکاری است چون از قرآن سود نمی‌برد و به آن نظر نمی‌کنند تا هدایت شوند.»

در آیه به صورت خاص از ستمگران یاد شده است چون ستم مایه تاریکی قلب و قیامت است و ظالم از حدود خدا تجاوز می‌کند و به خواسته های خود می‌پردازد ، آیات قرآن را به هوای نفس خود تفسیر می‌کند در نتیجه به جای آنکه قرآن مایه هدایت او باشد مایه

^۱جلاء الاذهان وجلاء الاحزان ، دانشگاه تهران، تهران ، ۱۳۷۷ ش ، اول ، جرجانی ، ابوالمحاسن حسین بن حسن ، ج ۵ ، ص ۳۳۲

ضرر و زیان او می شود چون آیات قرآن را تحریف کرده و معانی آن ها را تغییر می دهد .^۱

9- بنی اسرائیل

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف : ۱۴۹)

« و چون انگشت ندامت گزیدند و دانستند که واقعاً گمراه شده اند گفتند: «اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشاید قطعاً از زیانکاران خواهیم بود».

اشاره به داستان بنی اسرائیل دارد که گوساله پرست شدند و از راه حق منحرف شدند ، وقتی به اشتباه خود پی بردند از عمل خویش پشیمان شدند و خود را در گمراهی دیدند به خداوند گفتند : پروردگارا اگر تو ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی ، ما حتماً از زیانکاران خواهیم بود .

ج - ویژگی های خاسرین

اینکه که با مصادیق خسران آشنا شدیم و افراد و گروه های زیانکار را شناختیم ، برآنیم که ویژگی های آنان را یعنی صفات خاسرین را به طور مختصر بیان کنیم و در فصل بعد در بخش عوامل خسران به طور مفصل درباره ی آنها توضیح می دهیم که این صفات چگونه سبب زیان و خسارت آنها شده است . صفات خاسرین در بعضی موارد همان عوامل ایجاد خسران است که در این فصل به صورت مجمل و کوتاه به آن اشاره می کنیم و تفصیل موارد مشترک را به بخش بعد ارجاع می دهیم .

ویژگی های خاسرین عبارتند از :

1- زیان نفس و اهل

از مهم ترین ویژگی خاسران این است که آنها به خود و کسانشان زیان رسانده اند . آیات ذیل گویای این مطلب هستند .

^۱ تفسیر هدایت ، ج ۶ ، ص ۲۹۵ (با تلخیص)

قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (زمر /

(۱۵)

» بگو زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند آری، این همان خسران آشکار است.»

خاسرین کسانی هستند که نه تنها مایه ی زیانکاری خویش شده اند بلکه مایه ی زیانکاری اهل خود نیز شده اند . و این زیانکاری آشکار است که قرآن با تعبیر «خسران مبین» بیان کرده است . آنها نفس خود را مورد هلاکت و بدبختی قرار داده اند و راه رسیدن به کمال را برای خود بسته اند و در نتیجه سعادت به کلی از آنها دور شده است . آنها خویشاوندان خود را وادار به کفر و شرک کردند و این همان خسران حقیقی است .^۱

برخی مراد از «اهل» را همسران و خدمتکارانی می دانند که برای مومنین در بهشت فراهم شده است . چون در عالم قیامت رابطه خویشاوندی در میان مردم رعایت نمی شود .^۲ علامه معنای اخیر را بهتر می داند .^۳ در نتیجه آنها روز قیامت هم سزای اعمال خویش را می بینند و هم عذاب دیگران را .^۴

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری

/ (۴۵)

» کسانی که گرویده‌اند می‌گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند.» آری، ستمکاران در عذابی پایدارند.»

علامه درباره ی معنای خسران خود و اهل خود می نویسد : «یعنی خود را دوزخی نموده و از حوریان و خدمتگزاران بهشتی خود را محروم ساخته اند.»^۵

^۱ تفسیر المیزان ، ج ۱۷ ، ص ۳۹۵

^۲ انوار درخشان ، کتابفروشی لطفی ، تهران ، ۱۴۰۴ ق ، اول

، حسینی همدانی ، سید محمد حسینی ، ج ۱۴ ، ص ۱۹۸

^۳ تفسیر المیزان ، ج ۱۷ ، ص ۳۹۶

^۴ اطیب البیان ، ج ۱۱ ، ص ۲۹۵

^۵ تفسیر المیزان ، ج ۱۸ ، ص ۹۷

پس مهمترین ویژگی خاسران این است که آنها دچار خسران نفس شده اند و علاوه بر آن دچار خسران اهل هم شده اند .

۲- کفر

یکی از صفاتی که در خاسران دیده می شود ، کفر است . کفر به معنی خلاف ایمان ، ناگرویدن و ناسپاسی کردن آمده است .^۱ که به صورت کافر شدن به خدا و کافر شدن به آیات الهی در خاسرین وجود دارد که آیات ذیل گویای همین مطلب هستند :

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (عنكبوت / ۵۲)

« و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده اند همان زیانکارانند.»

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبَّطُوا أَعْمَالَهُمْ فَلَا يُقِيمُونَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

(کهف / ۱۰۵)

« [آری،] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد.»

همچنین مرتد شدن هم از ویژگی های خاسرین است یعنی کسانی که ابتدا ایمان آورده اند ولی بعد از آن برگشته اند و کافر شدند و همین سبب زیانکاری آنها شد . آیه ذیل همین مطلب را نشان می دهد :

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ

غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ... لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (نحل / ۱۰۶)

- (۱۰۹)

« هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و

^۱ اخلاق از دیدگاه قرآن و چهارده معصوم علیهم السلام ، راز توکل ، مشهد ، ۱۳۸۳ ش ، اول ، امیری پور ، احمد ، ص ۲۳۵

برایشان عذابی بزرگ خواهد بود، شك نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند».

امام علی (علیه السلام) درباره ی اقسام کفر می فرماید: « کفر بر چهار ستون پایدار است: کنجکاوی دروغین، ستیزه جویی و جدل، انحراف از حق و دشمنی کردن. پس آن کس که دنبال توهم و کنجکاوی دروغین رفت به حق نرسید. و آن کس که به ستیزه جویی و نزاع پرداخت از دیدن حق نابینا شد و آن کس که از راه حق منحرف گردید نیکویی را زشت، و زشتی را نیکویی پنداشت و سرمست گمراهی ها گشت و آن کس که دشمنی ورزید پیمودن راه حق بر او دشوار و کارش سخت و نجات او از مشکلات دشوار است.»^۱

3- شرک

یکی دیگر از صفات خاسران، شرک است. مشرک کسی است که برای خدا در خلقت جهان و اداره و تدبیر امور جهان، شریک قرار می دهد. خداوند در سوره زمر آیه ۶۵، خطر شرک را بازگو می کند و می فرماید:

وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (زمر / ۶۵)

« و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است: «اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد».

این آیه گرچه خطاب به انبیای الهی است ولی واضح است که آنها راه شرک را در پیش نمی گیرند و هدف از مخاطب قرار دادن آنها این بوده است که اهمیت خطر شرک را به همگان گوشزد کنند.^۲

امیر المومنین علی علیه السلام در لحظه های شهادتش در ماه رمضان سال ۴۰ هجری اطرافیانشان را وصیت می کردند و فرمودند: «سفارش من به شما، آن که به خدا شرک نورزید و سنت محمد را تباه نکنید، این دو

^۱ نهج البلاغه، انتشارات شاکر، قم، ۱۳۸۶ ش، چهارم، اما علی علیه السلام، مولف: سید رضی، ترجمه ی محمد دشتی، حکمت ۳۱، ص ۴۴۹

^۲ تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۲۸

ستون دین را بر پا دارید و این دو چراغ را روشن نگه دارید . آنگاه سزوار هیچ سرزنی نخواهید بود.»

4- تکذیب و انکار

یکی دیگر از خصوصیات مهم خاسران ، تکذیب و انکار است که شامل تکذیب آیات خدا و پیامبران و سرپیچی از اوامر آنها و تکذیب لقای الهی می شود . در آیات ذیل به این خصوصیات اشاره شده است .

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ (یونس ۹۵)

« و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش، که از زیانکاران خواهی بود.»

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (یونس ۴۵)

« قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به حقیقت] راه نیافتند.»

الَّذِينَ كَذَبُوا شَعِيبًا كَانُوا لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَبُوا شَعِيبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (اعراف ۹۲)

« کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، گویی خود در آن [دیار] سکونت نداشتند. کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، خود، همان زیانکاران بودند.»

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا فَذَاقَتْ وَبَالَ

أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (طلاق ۸ - ۹)

« و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبران سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند، و پایان کارشان زیان بود.»

5- سوء ظن داشتن به خدا

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ

كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (فصلت

۲۲ و ۲۳)

« و [شما] از اینکه مبادا گوش و دیدگان و پوستتان بر ضد شما گواهی دهند [گناهانتان را] پوشیده

^۱ نهج البلاغه ، نامه ۲۳ ، ص ۳۵۷

نمی‌داشتید لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آنچه را که می‌کنید نمی‌داند و همین بود گمانتان که درباره پروردگارتان بردید شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید».

در این آیه به یکی از صفات خاسرین اشاره دارد و آن سوء ظن داشتن به خدا است. در تفسیر نمونه در توضیح آیه شریفه آمده است: «شما اگر گناهانتان را مخفی می‌کردید نه از این جهت بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهایتان بر ضد خودتان بیم داشتید شما اصلاً باور نمی‌کردید روزی اینها به سخن درآیند و بر ضد شما گواهی دهند بلکه مخفی کاری شما به خاطر این بود که گمان می‌کردید خداوند بسیاری از اعمال را که انجام می‌دهید نمی‌داند».

6- عدم ایمان به آخرت

یکی از ویژگی‌های خاسرین این است که به آخرت ایمان ندارند و آیه ی ذیل به خوبی گویای این مطلب است:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي
الْآخِرَةِ هُمُ الْآخَسِرُونَ (نمل ۴-۵)

« کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا هم چنان] سرگشته بمانند. آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود، و در آخرت، خود زیانکارترین [مردم] اند».

7- ظلم

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری ۴۵)

« در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند.» آری، ستمکاران در عذابی پایدارند».

آیه نشان می‌دهد که کسانی که سرمایه وجودی خویش را از دست داده‌اند و به خود و اهلشان زیان وارد

تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۵۱

کرده اند ظالمینی هستند که گرفتار عذاب الهی می شوند . پس ظلم یکی از صفات زیانکاران می باشد .

8- ضعف در ایمان

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ

خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (حج ۱۱)

« و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می‌پرستد. پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد، و چون بلایی بدو رسد روی برتابد. در دنیا و آخرت زیان دیده است. این است همان زیان آشکار.»

این آیه درباره جماعتی است که اسلام آورده بودند. یکی از آنها یا گروهی از آنها وقتی حالشان خوب بود و اسبشان می زایید و زنانشان پسر می آوردند و گوسفندانشان زیاد می شد ، خشنود می شدند و به دین اسلام اطمینان پیدا می کردند ولی هرگاه بیمار می شدند و زنانشان دختر می آوردند می گفتند : خیری از این دین ندیدم .^۱

عبارت‌های «يَعْبُدُ اللَّهَ» و «اطْمَأَنَّ» و «انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ» نشان می دهد که افرادی که در این آیه درباره آن ها صحبت می کند که دارای ایمان ضعیفی هستند .^۲

تعبیر «عَلَى حَرْفٍ» ممکن است اشاره به آن باشد که

ایمان آن ها بیشتر بر زبانشان است و در قلبشان جز نور ضعیف و بسیار کم‌رنگی نتابیده است و یا اشاره به این باشد که آنها در متن ایمان و اسلام قرار ندارند بلکه در کنار و لبه آنند زیرا یکی از معانی «حرف» لبه کوه و کناره اشیاء است و کسی که در لبه چیزی قرار گرفته مستقر و پا برجا نیستند و با تکان مختصری از مسیر خارج می شوند و این حال

^۱ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، فراهانی تهران ۱۳۶۰ اول فضل بن حسن طبرسی ترجمه مترجمان ج ۱۶ ، ص ۱۸۹؛ تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ، ص ۳۴ ؛ تفسیر جامع ، صدر، تهران ، ۱۳۲۶ ش، ششم ، سید محمدابراهیم بروجردی، ج ۴ ، ص ۳۸۳

^۲ تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ، ص ۳۵

افراد ضعیف الایمان است که با کوچکترین چیزی ایمانشان بر باد فنا می رود .^۱ چنین کسانی هر گاه به آنها خیر و نعمتی می رسد آن را دلیل حقانیت اسلام می گیرند و اگر گرفتاری و معصیت به سراغشان بیاید و آنها را مورد آزمایش قرار داد از دین روی گردان می شوند . خداوند در مورد پشت کردن دنیا تعبیر به فتنه می کند برای اینکه این حوادث ناگوار شر و بدی نسبت به کسانی بلکه وسیله ای برای آزمایش است .^۲ برخی می گویند : مقصود از «خسر الدنیا» این است که بی ایمان از دنیا می روند و «الآخره» یعنی به عذاب ابدی گرفتار می شوند .^۳

علامه می نویسد : «خسر الدنیا» اشاره به خسران دنیایی آنان به خاطر دچار شدن به فتنه و «الآخره» اشاره به خسران آخرتی آنان به خاطر روی گردانیدن از دین است .^۴ پس پرستش خدا بر به این صورت یعنی فقط هنگامی که خیر و نعمت به سراغ انسان می آید و روی گردانی در غیر این صورت ، سبب زیانکاری است .

9- ایمن بودن از مکر خدا

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (اعراف/۹۹)

« آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی داند» .

کسانی که خود را از مکر خدا ، ایمن می دانند زیانکار می باشند . برخی می گویند «مکر این است که آنها را به وسیله تندرستی و طول عمر و نعمتهای دیگر سرگرم و غافل سازد .

جبائی می گوید : علت اینکه عذاب را مکر نامیده است این اسن که طوری نازل می شود که ندانند و

^۱ همان ص ۳۳

^۲ همان ص ۳۴

^۳ تفسیر اطیب البیان ، ج ۹ ص ۲۷۲

^۴ تفسیر المیزان ، ج ۱۴ ، ص ۴۹۴

نفهمند چنان که مکر نیز طرف را غافلگیر می سازد
۱. «

در تفسیر هدایت نیز آمده است : «مکر عبارت است از پیچیدن دور چیزی و چیزی به فرد رسد از آن جا که گمانش را نمی برد. آن که برای خدا مکر را به حساب نیاورد زیان می برد زیرا می سازد بی آن که برای سازه خود ضمانتی داشته باشد. او همچنین لشکری است که مرزهای پستی را برای خود استوار نمی سازد و تنها از یک جهت می نگرد و گاه دشمن از پشت به او می تازد ازمیانش می برد» .^۲

پس هر که از مکر خدا خاطرش جمع است یعنی خود را از عذاب الهی ایمن می داند چنین کسی سرانجامش زیانکاری است .

امام علی علیه السلام می فرمایند : «بر بهترین افراد این امت از عذاب الهی ایمن نباشید زیرا که خدای بزرگ فرمود : از کیفر خدا ایمن نیستند جز زیانکاران»^۳

علامه طباطبایی می نویسد :

«ایمن بودن از مکر خدا در حقیقت خود مکر است از خدای تعالی که دنبالش عذاب است پس صحیح است گفته شود مردم ایمن از مکر خدا زیانکارانند زیرا همان ایمنی شان هم مکر خداست».^۴

پس انسان مومن باید در هیچ حال از آزمایش و امتحان الهی غافل نباشد همان طور که انبیاء و ائمه هدی ایمن نبودند و مواخذه و عذاب الهی را فراموش نکردند .

10- گمراه بودن :

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (اعراف / ۱۷۸)

« هر که را خدا هدایت کند، او راه یافته است و کسانی را که گمراه نماید، آنان خود زیانکارانند» .

^۱ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۹ ، ص ۱۹۰

^۲ تفسیر هدایت ، ج ۳ ، ص ۳۳۸

^۳ نهج البلاغه ، حکمت ۳۷۷

^۴ تفسیر المیزان ، ج ۹ ، ص ۲۵۵

آیه بیان می کند هر که را خداوند گمراه کند از زیانکاران است . برخی نوشته اند یعنی هر که را خداوند از راه بهشت و ثواب به کیفر و گناهش گمراه سازد ، زیانکار است و از بهشت و نعمتهای آن محروم .^۱

علامه طباطبایی می نویسد :

«صرف ضلالت ضرر قطعی نمی سازند مگر اینکه با اضلال خدای سبحان توأم شود . در این موقع است که اثرش تمام گشته و با آن، زیانکاری آدمی حتمی می گردد . پس صرف اتصال انسان به اسباب سعادت از قبیل ایمان و تقوی موجب نجات نبوده و صرف اتصال به اسباب ضلالت باعث هلاکت نمی شود مگر اینکه خدا بخواهد و آن کسی را که در صدد به دست آوردن هدایت است ، هدایت نموده و آن را که در طریق ضلالت است اضلال نماید . . . و کلام دلالت می کند بر حصر اضلال واقعی در خدای سبحان»^۲

کسانی که راه غیر خدا را انتخاب می کنند ، مشمول هدایت الهی واقعی نمی شوند و گمراه هستند و کسانی که خدا آن ها را گمراه کند یعنی خداوند وسائل پیروزی و موفقیت را در برابر وسوسه های شیطانی از او بگیرد ، زیانکار هستند .^۳

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

الْخَاسِرِينَ (اعراف / ۱۴۹)

« و چون انگشت ندامت گزیدند و دانستند که واقعاً گمراه شده اند گفتند: «اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشاید قطعاً از زیانکاران خواهیم بود» .

آیه اشاره به قوم بنی اسرائیل است که بعد از اینکه حضرت موسی آن ها را به خداپرستی دعوت کرد آنها گمراه شدند و راه گوساله پرستی را در پیش

^۱ ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن دار التعارف للمطبوعات بیروت ۱۴۱۹ ق اول سید محمود آلوسی ص ۱۷۸ : مجمع البیان فی

تفسیر القرآن ، ج ۱۰ ، ص ۱۱۷

^۲ تفسیر المیزان ، ج ۸ ، ص ۴۳۶

^۳ تفسیر نمونه ، ج ۷ ، ص ۸۸

گرفتند . برخی می گویند : مراد از ضلالت در این جا گوساله پرستی است .^۱
 سقوط در دست کنایه است از پشیمانی از عملی که واقع شده^۲ یعنی آنها از عملشان که گوساله را به جای خدا گرفتند پشیمان شدند و خود را در گمراهی تمام دیدند و از خداوند خواستند که آنها را مورد رحمت و امرزش قرار دهد و گرنه از زیانکاران هستند . پس گمراهی یکی از عوامل زیان و خسران است .
 ۱۱- پیمان شکنی

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
 أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره / ۲۷)

» همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند».

در این آیه به سه صفت خاسرین اشاره شده است : ۱- شکستن پیمانها ۲- قطع پیوندها و ۳- فساد در زمین نویسنده البحر المحيط فی التفسیر می نویسد : «زیانکاران با نقص کردن بهره ها و شرفشان زیان کرده اند و آنان عهد و وفا را شکستند و آنچه را که باید وصل کنند ، قطع کرده اند و به جای اصلاح در زمین ، فساد کردند در نتیجه به جای ثواب ، عذاب می شوند .»^۳

در تفسیر صراط المستقیم آمده است : «زیانکاران کسانی هستند که کفر را به جای ایمان و ضلالت و گمراهی را به جای هدایت و ولایت شیاطین را به جای ولایت امیر المؤمنین علیه السلام آورده اند و عهد را شکستند و صله رحم را قطع کردند و به جای اصلاح

۱ تفسیر روان جاوید ، برهان تهران ۱۳۹۸ ق سوم محمد ثقفی
 تهرانی، ج ۲ ، ص ۴۷۶ ؛ تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن
 المجید ، دارالتعارف للمطبوعات ، بیروت ، ۱۴۰۶ ق ، اول ،
 سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله ، ج ۳ ، ص ۲۱۴
 ۲ تفسیر روشن ، مرکز نشر کتاب ، تهران ، ۱۳۸۰ ش ، اول ،
 مصطفوی حسن ، ج ۹ ، ص ۱۵۳
 ۳ البحر المحيط فی التفسیر ، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰، ابوحیان
 محمد بن یوسف اندلسی، ج ۱ ، ص ۲۰۸

فساد کردند و نیکی را به زشتی و بهشت را به جهنم تبدیل کردند.^۱

پس شکستن پیمانها و قطع پیوندها و فساد کردن در زمین از صفات خاسران است که اکثر مفسرین هم به این سه صفت اشاره کرده اند.

آیه ۶۴ از سوره بقره، به شکستن پیمان توسط قوم بنی اسرائیل اشاره می کند:

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

«سپس شما بعد از آن [پیمان] رویگردان شدید، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً از زیانکاران بودید.»

خداوند می فرماید: که از آنها پیمان محکمی گرفتیم، کوه را بالای سرشان قرار دادیم و گفتیم: که بگیرید آنچه را که به شما داده شده است. ولی جز عده ای که از روی میل و رغبت آن پیمان را پذیرفتند، بقیه از روی ترس افتادن کوه بالای سرشان، ناچار به قبول پیمان شدند ولی بعد از مدت کوتاهی پیمان را شکستند. در تفسیر صافی آمده است که: «پس از قیام به اوامر الهی و در وفای به عهد اعراض و پشت کردید و اگر فضل و رحمت خدا شامل حالتان نمی شد یعنی برای مهلت در توبه و انابه به شما مجال نمی داد همگی دچار خسران و زیان می گشتید.»^۲

بنی اسرائیل، پیمان را شکستند و فضل و رحمت الهی مانع زیانکاری آنان شد و اگر فضل و رحمت خداوند یعنی مهلت دادن برای توبه و انابه، نبود آنها به خاطر شکستن پیمان، حتماً از زیانکاران بودند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «آن کسی که وفای به عهد و پیمان ندارد، دین ندارد.»^۳

^۱ تفسیر الصراط المستقیم، موسسه انصاریان، قم، ۱۴۱۶ق، اول، سید حسین بروجردی، ج ۴، ص ۵۸۰

^۲ تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق، دوم، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۱۳۹؛ تفسیر خسروی، اسلامیة،

تهران، ۱۳۹۰ ق، اول، علی رضا میرزا خسروانی، ج ۱، ص ۱۱۱

^۳ بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان، ص ۲۲۷، به نقل از بحار الانوار

حضرت علی علیه السلام فرمود: «همانا عهد و پیمانها، گردنبندهایی در گردنهای ما تا روز قیامت هستند، کسی که پیوند آنها را نگه دارد (وفای به عهد کند) خداوند او را به مقصود می‌رساند و کسی که آن عهدها را بشکند، خداوند او را به خودش واگذارد.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «وعدده مومن به برادر دینیش هم چون نذر است که کفاره ندارد و کسی که به آن وفا نکند، به مخالفت با وعده خدا برخاسته و خود را در معرض غضب خدا قرار داده است.»^۲

۱۲- قطع پیوندها

۱۳ فساد در زمین

توضیح این دو صفت در ضمن شماره یازده بیان شد.

۱۴- توجه بیش از حد به دنیا:

توجه بیش از حد به دنیا و فضیلت شمردن دنیا گرایی یکی دیگر از صفات خاسرین است.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (کهف/۱۰۳-۱۰۴)

یَحْسَبُونَ صُنْعًا (کهف/۱۰۳-۱۰۴)

« بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟ [آنان] کسانی‌اند که کوشششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند».

ضلال سعی همان خسران و بی‌نتیجگی عمل است.^۳ و مراد از «اخرین اعمالا» زیانکارترین مردم در کردار، می‌باشد.^۴ و اینکه چرا به جای «اخرین عملا» تعبیر به «اخرین اعمالا» شده است؟ در حالی که تمییز معمولاً مفرد است، برای آن است که نشان دهد خسران فقط در یک عمل نیست بلکه تمام کارهای آنها را شامل می‌شود. مثلاً تاجری که در

^۱ همان

^۲ آموزه های اخلاقی- رفتاری امامان شیعه علیهم السلام، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۳ ش، اول، محمد تقی عبدوس و محمد مهدی اشتهاردی، ص ۱۹۱ به نقل از اصول کافی

^۳ تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۵۴۶

^۴ منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶، نوبت چاپ ندارد ملا فتح الله کاشانی، ج ۵، ص ۳۷۲

یک رشته سود می کند و در یک رشته زیان ولی انسان خاسر در تمام رشته ها زیان می کند .^۱ دست بدهد بلکه خسران واقعی آن است که اصل سرمایه را نیز از کف دهد.^۲

انسان وقتی کاری را انجام می هد که از آن سود ببرد ولی از آن نتیجه ای نگیرد و به سودش هم نرسد و شاید حتی منفعتی را هم از دست داده باشد در آن صورت زیان کرده است . انسان هدفش رسیدن به سعادت است و برای آن تلاش می کند اگر از راه های باطل و غیر حق برای رسیدن به هدفش تلاش کند و همان باطل را بپذیرد چنین انسانی خاسر است چون اعمالش را حق می پندارد و سرگشته و مجذوب همان اعمال هستند و هیچ وقت به سعادت نمی رسند .^۳

افرادی که دچار خسران شده اند می پندارند که کار خوب انجام می دهند ولی در حقیقت اعمالشان بی فایده است و هرگز به فکر اصلاح اعمال خود نمی افتند و همان اعمال را انجام می دهند و همین باعث زیانکاریشان می شود . در این آیه به دو عامل خسران اشاره شده است : یکی بی نتیجگی عمل و دیگری مجذوب کارهای خودشان شدن است . امام علی علیه السلام می فرمایند : همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند .^۴

بخش دوم : عوامل خسران و راه های جلوگیری از آن در بخش گذشته با معنای خسران و مصادیق آن در قرآن آشنا شدیم . اینک در این بخش به بررسی این مطلب می پردازیم که قرآن چه عواملی را برای خسران مطرح کرده است و متقابلا چه راه هایی را برای جلوگیری از خسران ارائه کرده است .

الف - عوامل خسران :

^۱ تفسیر نمونه ، ج ۱۲ ، ص ۵۶۰ ؛ تفسیر المیزان ، ج ۱۳ ، ص ۵۴۷

^۲ تفسیر نمونه ، ج ۱۲ ، ص ۵۵۹

^۳ تفسیر المیزان ، ج ۱۳ ف ص ۵۴۶ و ۵۴۷ (با تلخیص)

^۴ نهج البلاغه ، خطبه ۸۶ ، ص ۱۰۳

عده ای از انسانها به دلیل برخی از عقاید و افکار انحرافی و باطل و اعمال نادرست، دچار خسران می گردند که در این بخش به برخی از آنها پرداخته می شود :

1- تکذیب و انکار

یکی از مهمترین عوامل خسران تکذیب و انکار است این عامل در صورتهای مختلفی جلوه می کند که به آنها اشاره می ود :

الف - تکذیب آیات الهی

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ (یونس : ۹۵)

« و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش، که از زیانکاران خواهی بود».

خداوند در آیه قبل همین سوره می فرماید : « و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده ایم در تردیدی، از کسانی که پیش از تو کتاب [آسمانی] می خواندند بپرس. قطعاً حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است. پس زنهار از تردیدکنندگان مباش» پس اکنون که عوامل تردید برطرف شده است، دیگر جایی برای تکذیب آیات الهی باقی نمی ماند. اگر شخصی به خاطر مصالح و امیال نفسانی اش حق را تکذیب کند چنین فردی باید بداند که تکذیب حق سبب زیان نفس و سرنوشت او می شود.

مومن باید به همه عقاید حق و همه انبیاء و ضروریات دین معتقد باشد و انکار یکی موجب زوال دین می شود.

علامه می نویسد : «آری، هیچ آیتی، آیت نمی شود مگر وقتی که دلالتش واضح و بیانش روشن باشد و چیزی که چنین است تکذیبش جز عناد و لجاجت علت و انگیزه دیگری نمی تواند باشد. جمله «فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ» به دلیل

اینکه حرف «فاء» بر سرش آمده نتیجه گیری و تفریع برتکذیب به آیات خداست. می خواهد بفرماید : عاقبت تکذیب به آیات خدا اینست که آدمی از زیانکاران می گردد. پس در حقیقت همین عاقبت وخیم، مورد نهی قرار گشته است. زیانکاری به معنای زایل شدن سرمایه به سبب کم شدن و یا از بین

رفتن آن می باشد و سرمایه آدمی در سعادت زندگی دنیا و آخرتش ایمان به خدا و آیات اوست چون در آیه بعدی خسران را تعلیل می کند به اینکه خاسران ایمان نمی آورند.^۱

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ... أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (مومنون / ۱۰۳-۱۰۵)

« و کسانی که کفّه میزان [اعمال] شان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم میمانند... آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی دادید؟».

کسانی که میزان اعمالشان سبک باشد، همان ها خاسرانند و جهنم، جایگاه همیشگی آنهاست و این عذاب به خاطر آن است آیات الهی را تکذیب می کردند

«با توجه به جمله «تتلی» و «تکذبون» که هر دو فعل مضارع هستند، دلیل بر استمرار روشن می شود، که تلاوت آیات الهی بر آنها تداوم داشته همانگونه که تکذیب آنها در برابر این آیات».^۲ پس اصرار بر تکذیب اساسی ترین رمز رفتن به دوزخ است.^۳

خداوند در آیه با لحن عتاب آمیزی، خاسران را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: «آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما آنها را تکذیب می کردید؟» یعنی آیا دلائل کافی برای حقانیت آیات من نبود؟ آیا دلائل روشن به وسیله پیامبرانم، برای شما نفرستاده بودم و اتمام حجت نکردم؟ ولی شما همواره آیات مرا تکذیب می کردید و اینک

سزای شما، آتش جهنم است و شما زیانکارید. یکی دیگر از آیات، که به تکذیب آیات الهی اشاره می کند و آن را یکی از عوامل زیانکاری می داند، آیه ۹ سوره اعراف است که با تعبیر «ظلم به آیات الهی» آمده است.

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (اعراف/۹)

^۱ تفسیر میزان، ج ۱۰، ص ۱۸۴

^۲ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۳۷

^۳ تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۳۱

« و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند، چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند».

کسانی که به نفس‌های خویش زیان و ضرر زدند و گرفتار خسران شدند به خاطر آن بود که به آیات خدا ظلم کردند یعنی آن را تکذیب کردند و به عبارت دیگر تکذیب را در موضع تصدیق و باطل را به جای حق قرار دادند.^۱

بسیاری از مفسرین مراد از ظلم به آیات را «تکذیب آیات الهی» تفسیر کرده‌اند.^۲

ب - تکذیب لقای الهی

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (يونس : ۴۵)

« و روزی که آنان را گرد می‌آورد، گویی جز به اندازه ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند. با هم اظهار آشنایی می‌کنند. قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به حقیقت] راه نیافتند».

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ (انعام : ۳۱)

« کسانی که لقای الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان دیدند».

آیات فوق به یکی دیگر از عوامل خسران، اشاره دارد و آن تکذیب لقای الهی است. به راستی کسانی که لقای الهی و ملاقات جزای او را، دروغ پنداشتند، زیان می‌بینند ولی این انکار برای همیشه ادامه ندارد بلکه با برپا شدن روز رستاخیز آنها به حقانیت روز رستاخیز ایمان می‌آورند ولی دیگر جای جبران کارهایی که کرده‌اند نیست و نتایج اعمال خویش را می‌بینند پس زیان کار گشته‌اند.

«کسی که قیامت را نپذیرد هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده و این بزرگ‌ترین خسارت است».^۳

^۱ تفسیر اثنا عشری، میقات، تهران، ۱۳۶۳ش، اول ف حسینی

شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ج ۴، ص ۱۶

^۲ تفسیر الصافی، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵ق، دوم،

فیض کاشانی، ملامحسن، ج ۲، ص ۱۸۱

^۳ تفسیر نور، ج ۳، ص ۲۳۸

همچنین در آیه دیگری آمده است:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي
الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسُونَ (نمل / ۴-۵)

«کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا هم چنان] سرگشته بمانند آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود، و در آخرت، خود زیانکارترین [مردم] اند». علامه می‌نویسد: «کسانی که ایمان به آخرت ندارند از آنجایی که آن روز را که غایت مسیر آدمی است قبول ندارند لاجرم می‌مانند آنان و دنیا و بس. و معلوم است که دنیا نمی‌تواند غایت اعمال قرار گیرد، پس این بی‌نوایان که دست به دامان اعمال خود می‌زنند، در راه زندگی متحیر و سرگردانند زیرا هدفی ندارند تا با اعمال خود به سوی آن هدف بروند... و وجه اینکه می‌فرماید در آخرت زیانکارتران هستند این است که سایر گناهکاران نامه اعمالشان مشتمل هم بر گناه است و هم بر ثواب که مطابق آن اعمال جزا داده می‌شوند اما این بیچارگان گناهانشان در نامه‌ها ثبت شده اما ثواب‌هایشان و کارهای نیک‌شان حبط شده و ثبت نگشته است»^۱. آیه بیان می‌کند کسانی که به آخرت ایمان ندارند عذاب بدی برای آنها است و در آخرت زیانکارترین مردمانند. و یکی دیگر از آیاتی که گویای همین مطلب است آیه ذیل می‌باشد:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبَّطُوا أَعْمَالَهُمْ فَلَا
نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (كهف / ۱۰۳-۱۰۵)

« بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟... [آری،] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد».

۱ تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۵۲۳ و ۵۲۴

نویسنده منهج الصادقین هم، مراد از لقاء را رسیدن به جزاء و بحث و حشر که در آن مجازات اعمال واقع می شود، می داند.^۱

ج- تکذیب پیامبران و مخالفت با آنان

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا لَمْ يَخْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (اعراف : ۹۲)

« کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، گویی خود در آن [دیار] سکونت نداشتند. کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، خود، همان زیانکاران بودند».

پس از گفتگوهای شعیب و کافران قوم او معلوم شد که شعیب و مومنان، هرگز به دین سابق باز نخواهند گشت و اگر مجبور شوند از خانه و کاشانه خود بیرون خواهند رفت. کافران وقتی از خود شعیب مایوس شدند خطاب به مومنان گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت قطعاً از زیانکاران خواهید بود. (اعراف / ۹۰)

به نظر آنها پیروی از شعیب، رنجها و زحمتهایی در پی خواهد داشت چرا که آنها مجبور خواهند شد، خانه و کاشانه خویش را ترک کنند و دچار خسارتهای مالی می شوند.

این احتمال در تفسیر آیه نیز هست که منظورشان علاوه بر زیانهای مادی، زیانهای معنوی هم بوده است زیرا راه نجات را در بت پرستی می پنداشتند، نه آئین شعیب.^۲

ولی نمی دانستند که برای مومن زیانی بالاتر از این نیست که ایمان خود را از دست بدهد و هر خطری را برای حفظ آن تحمل می کند.

به هر حال کافران قوم شعیب، پیروان شعیب را زیانکار نامیدند ولی جریان حوادث نشان داد که خود آنها زیانکار بوده اند. و تکرار عبارت «الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا»

از جهت تاکید بر فساد حال آنهاست.^۳

۱ منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ نوبت چاپ ندارد ملا فتح الله کاشانی ج ۵، ص ۳۷۳

۲ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۵۸

۳ تفسیر کوثر، بی نا، بی جا، بی تا، جعفری، یعقوب، ج ۴، ص ۱۵۱

کافران قوم شعیب سرانجامی جز هلاکت و نابودی نداشتند آنها چنان نابود شدند که گویا اصلا در این خانه سکونت نداشتند .

«يَغْنَوُا» از غنی است که وقتی به مکانی نسبت داده می

شود به معنای اقامت طولانی در آن مکان است ۰۰۰ در اینجا منظور این است که آنها چنان نابود شدند که گویا اصلا در آن شهر اقامت نداشتند.^۱

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا

يُؤْمِنُونَ (انعام / ۲۰)

«کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسد، او [پیامبر] را می‌شناسد. کسانی که به خود زیان زده‌اند، ایمان نمی‌آورند».

این آیه به تکذیب رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره دارد . بسیاری از علمای اهل کتاب، پیامبر را مانند پسران خود می‌شناختند یعنی بشاراتی را که از اوصاف رسول خدا سراغ داشتند ، کتمان می کردند و از ایمان به او استنکاف می ورزیدند و خداوند با جمله «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» زیانکاری

آنان را بیان می کند . کسانی که سرمایه وجود خود را در این بازار دنیا ، باختند اند به پیامبران ایمان نمی آوردند . آری ، «کتمان حق سبب زیانکاری است .»^۲

آیه بعد کید و مکر بر علیه انبیاء را عامل خسران می داند:

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (انبیاء / ۷۰)

« و خواستند به او نیرنگی بزنند و [لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم».

«کید» نوعی از حيله گری و چاره جوئی است که به دو معنی ناپسند و پسندیده به کار می رود هر چند

^۱ همان

^۲ تفسیر نور ، ج ۳ ، ص ۲۲۶ ؛ تفسیر کوثر ، ج ۳ ، ص ۳۵۹

که به صورت ناپسند و مذموم بیشتر همان معمول است.

مخالفتان حضرت ابراهیم ، تصمیم گرفتند که او را با نقشه حساب شده ای نابود کنند و قرار شد که او را در آتش بسوزانند . پی آتش عظیمی را بر پا کردند و حضرت ابراهیم را در میان هلهله و شادی و فریاد مردم با منجنیق به میان آتش انداختند ولی خداوند که سوزندگی آتش به اراده ی اوست، اراده کرد که ابراهیم در دریای آتش سالم بماند و به آتش فرمود : که برای ابراهیم سرد و سالم باش و آتش برای ابراهیم سرد شد و اگر تعبیر «سلاما» نبود شاید آنقدر سرد میشد که جان حضرت ابراهیم از سرما به خطر می افتاد. مردم وقتی دیدند که حضرت ابراهیم در میان آتش سالم است ، دهانها از تعجب باز ماند و آنها زیانکارترین از جمیع زیانکاران هستند. چون بر علیه پیامبر ، کید و مکر کردند . و خداوند هم کید و مکر آنها را نقش بر آب کرد» و خداوند بهترین مکرکنندگان است» . (آل عمران / ۵۴)

ابن عباس گوید : «خداوند بر نمرود و سپاهش مگس هایی مسلط کرد که گوشت آنها را خوردند و خون آنها را مکیدند و یکی از آنها به دربار نمرود راه یافت و نابودش کرد. پس آنچه می خواستند درباره ابراهیم کنند به خودشان رسید.»^۲ آری ، این سرانجام زیانکاران است .

د- سرپیچی از امر خدا و پیامبران

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا فَذَاقَتْ وَبَالَ

أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (طلاق / ۸ - ۹)

» و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند، و پایان کارشان زیان بود».

^۱ المفردات فی غریب قرآن ، ، ص ۷۲۸

^۲ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۱۶ ، ص ۱۴۲

«عتت» از ماده (عتو) به معنی سرپیچی از اطاعت است.^۱ و مراد از «امرها» در آیه «همان عتو و تجاوز است. گویی آنها اطاعت خدا را داده و در عوض تجاوز را خریده لذا معامله به ضرر و خسران انجامید.»^۲

کسانی که از اوامر الهی و همچنین از دستورات پیامبران که همان اوامر الهی است، سرپیچی می کنند عاقبتشان چیزی جز زیانکاری نیست. چنین کسانی توشه ای برای جهان ابدیت، فراهم نکرده اند و در آنجا با عذاب الهی روبرو می شوند و زیانکار گشته اند.

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (هود / ۶۳)

«گفت: «ای قوم من، چه بینید، اگر [در این دعوا] بر حجتی روشن از پروردگار خود باشم و او از جانب خود رحمتی به من داده باشد، پس اگر او را نافرمانی کنم چه کسی در برابر خدا مرا یاری می کند؟ در نتیجه، شما جز بر زیان من نمی افزایید.» در این آیه حضرت صالح به قومش می فرماید: اگر من از امر خدا سرپیچی کنم و تبلیغ دین نکنم چه کسی مرا از عذاب الهی نجات می دهد؟ و در این کار که می خواهید من از تبلیغ دست بردارم چیزی جر تباهی و خسران وجود ندارد.

سرپیچی کردن از اوامر الهی که در اینجا امر تبلیغ دین به حضرت صالح است، باعث زیانکاری است. ولی حضرت صالح زیر بار اصرارهای قومش نرفت و جز زیانکاران نشد.

ح - استهزاء آیات و پیامبران

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا... ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي

هُزُواً (كهف : ۱۰۳-۱۰۶)

^۱ تفسیر نمونه ، ج ۲۴ ، ص ۲۵۵

^۲ تفسیر احسن الحدیث ، بنیاد بعثت ، تهران ، ۱۳۷۷ ش ، سوم ، قرشی ، سید علی اکبر ، ج ۱۱ ، ص ۲۱۹

«بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟»... [آری،] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد. این جهنم سزای آنان است، چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند».

«هزوا» یعنی «آن چیزی که به آن افسوس کنند و استهزاء نمایند.»^۱

فخر رازی می‌نویسد: یعنی جزایی که در آیه به آن اشاره شده است دو دلیل دارد: یکی به خاطر کفرشان است و دیگری به این دلیل است که علاوه بر کفر، آیات خدا و پیامبران را به استهزاء گرفتند و به رد و تکذیب آنها اکتفا نکردند و آنها را به مسخره گرفتند.^۲

اینها معتقدات اصلی دین را انکار کردند و بالاتر از آن، آیات خدا و پیامبران را مسخره کردند.^۳ پس کسانی که کافر شدند و آیات خدا و پیامبران را به باد استهزاء و سخریه گرفتند، زیان‌کارترین افرادند و کفرشان جهنم است.

مسخره کردن اهل ایمان نیز یکی از عوامل خسران است چنانکه در آیه شریفه آمده است:

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ

سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (مومنون / ۱۰۹ - ۱۱۰)

«در حقیقت، دسته‌ای از بندگان من بودند که می‌گفتند: «پروردگارا، ایمان آوردیم. بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانانی و شما آنان [مؤمنان] را به ریشخند گرفتید، تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید».

در این آیه خداوند دلیل اینکه آنها را از حضورش راند و به آنها گفت: «[بروید] در آن گم شوید و

^۱ منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی تهران، ۱۳۳۶، نوبت چاپ ندارد، ملا فتح الله کاشانی، ج ۵، ص ۳۷۳

^۲ مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۵۰۲

^۳ تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۶۲؛ تفسیر الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۹، ص ۳۷۹

با من سخن مگویید» (مومنون/۱۰۸) و آنها را از رحمت خودش ناامید کرد ، بیان می کند و می فرماید : شما بهترین بندگان مرا که می گفتند : «پرودگارا ایمان آوردیم ، به ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی» به باد مسخره گرفتید و آن قدر در این کار اصرار کردید که از یاد من غافل شدید .

«سخریا» با کسر سین به معنای استهزاء و مسخره کردن است و زیادی یاء در آن دلیل شدت آن است .^۱ استهزاء نسبت به مومنان در اصل مسخره کردن مبادی و معتقدات ایشان است ولی این مبارزه بعدا به صورت مبارزه ی شخصی در می آید تا آنجا که کافران با شخص مومنان دشمنی می ورزند و هیبت آنان را فرو می افکنند و تمام کارها و اقدامات ایشان را حقیر و ناچیز می شمارند و در نتیجه ، این رفتار مانعی روانی بدون اندیشیدن به مبادی که آنان مردم را به آن می خوانند ، می گردد .^۲

مسخره کردن مومنان سبب غفلت از یاد خدا می شود . و همین سبب زیانکاری آنها و کیفرشان جایگاه جاودانه در جهنم است . خداوند در آیه ۱۰۳ همین سوره می فرماید :

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

۲- کفر

یکی دیگر از عوامل خسران ، کفر است . کفر به معنی خلاف ایمان ، ناگرویدن و ناسپاسی کردن آمده است و در جمع بندی آیات قرآن ، کفر در برابر ایمان بوده و مرزبندی میان مفاهیمی چون الله و طاغوت ، پیامبران و دشمنان ، فلاح و خسران ۰۰۰ است . کافران به سبب کفران نعمتهای خداوند ، خویشتن را به پلیدی و سرکشی آلوده می کنند . بدینسان می توان گفت که فسق و عصیان نمودار اعمال خسران آمیز و ستم آلود کفر پیشگان است .^۳ این عامل به صورت های مختلفی جلوه می کند که به آنها اشاره می شود :

^۱ تفسیر جوامع الجامع ، ج ۴ ، ص ۲۸۰

^۲ تفسیر هدایت ، ج ۸ ، ص ۲۴۱

^۳ اخلاق از دیدگاه قرآن و چهارده معصوم علیهم السلام ، راز توکل ، مشهد ، ۱۳۸۳ ش ، اول ، امیری پور ، احمد ، ص ۲۳۵

الف- کفر به خدا

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خُلَافَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (فاطر : ۳۹)

« اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید. پس هر کس کفر ورزد کفرش به زیان اوست، و کافران را کفرشان جز دشمنی نزد پروردگارشان نمی‌افزاید، و کافران را کفرشان غیر از زیان نمی‌افزاید.»

«مقتا» به معنای شدت دشمنی و نفرت است.^۱ آیه بیان می‌کند که کفر کافران چیزی جز خشم و غضب الهی و زیان بر آنها نمی‌افزاید و بیان می‌کند که کفر، به خود کافر ضرر می‌زند نه غیر او. زیرا خداوند عادل و عالم به کفر کافر و ایمان مومن است.^۲

در تفسیر نمونه آمده است که این زیان دو دلیل دارد :

۱- کفران و بی‌ایمانی چیزی جز خشم و غضب الهی به بار نمی‌آورد. ۲- علاوه بر خشم چیزی جز زیان هم بر آنها نمی‌افزاید، زیرا آنها سرمایه وجودی خویش را از دست داده‌اند و در تاریکی و ظلمت به سر می‌برند.^۳ پس کفر، سبب زیان و خسران است
وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (عنكبوت: ۵۲)

« و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده‌اند همان زیانکارانند.»

عبارت «کفروا بالله» یعنی «چه منکر وجود الله باشند یا منکر توحید مثل طبقات مشرکین یا منکر انبیاء و امامت و ائمه هدی، تمام اینها کفر بالله است.»^۴ و همه اینها زیانکارند.

^۱ تفسیر علیین، اسوه قم، ۱۳۸۲ ش، اول، کریمی حسینی، سید عباس، ص ۴۳۹

^۲ تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، پیام نور تهران، ۱۳۷۲ ش، اول، ترجمه: فانی رضا، حشمت الله ریاضی، ج ۱۲، ۱۵۴

^۳ تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۸۳

^۴ اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۸

علامه می نویسد: «این آیه خسران را در کفار منحصر می کند به خاطر اینکه به خدا ایمان نمی آورند و به کتابش، با اینکه در آن بر رسالت او شهادت داده کفر می ورزند، و به خاطر کفر به خدای حق قهرا به باطل ایمان می آورند در نتیجه در ایمانشان خاسر و بی بهره می شوند». پس کسانی را که راه کفر را در پیش گرفته اند زیانکارند.

ب - کافران به کتاب:

یکی دیگر از صورت های کفر، کفر به کتاب است، که از عوامل خسران ذکر شده است.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ (بقره / ۱۲۱)

« کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، [و] آن را چنان که باید می خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند. و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند، همانانند که زیانکارانند».

مراد از کتاب در این آیه قرآن است. و مراد از تلاوت همان طور که در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب آمده است، عدم تحریف و تدبیر در صفا و عمل به محتوای آن است.^۳

آیه بیان می کند کسانی که به کتاب قرآن کافر گشته اند و حق تلاوت را به جا نیاورده اند، در معنای آن اندیشه نکرده اند و به آن عمل نمی کنند، آیاتش را تحریف می کنند و همان طور که در تفسیر هدایت آمده «کسانی که کتاب را برای آن می خوانند که در آن آیه ای در تایید اندیشه های خود پیدا کنند و سپس آن را همچو شعاری برای حق جلوه دادن تصرفات باطل و ناروای خود به کار می برند و آیات دیگر را کنار می گذارند در واقع به

۱ تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۹۶

۲ تفسیر جامع، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۶۶ ش، ششم، بروجرودی سید محمد ابراهیم، ج ۱، ص ۲۴۹ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش، اول، قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ج ۲، ص ۱۳۲

۳ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تفسیر عاملی، صدوق، تهران، ۱۳۶۰ ش، عاملی، ابراهیم، ج ۱، ص ۱۶۹

صورت کامل نسبت به خدا کافرند^۱، چنین کسانی زیانکارند و سبب زیانشان، کافر شدن به آیات الهی است.

عیاشی به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: «کافر کسی است که به آنچه خداوند فرموده عمل نکرده و به امر خدا راضی نشده است.»^۲
ج- کفر به آیات خداوند:

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (زمر / ۶۳)

«کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست، و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کردند، آنانند که زیانکارانند.»

کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیدند، زیانکارند چون آیه بیان می‌کند که خداوند مالک آسمان و زمین است یعنی هر چه که در آسمان و زمین است، برای خداوند است، کسی که به آیات الهی کافر می‌شود یعنی قدرت بی‌انتها الهی را نادیده گرفته است و به سراغ موجودات ناتوانی رفته است که کاری از آنها بر نمی‌آید.

یکی دیگر از آیاتی که گویای این مطلب است که کفر به آیات خدا سبب خسران می‌شود، آیه ذیل می‌باشد:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبَّطُوا أَعْمَالَهُمْ فَلَا

تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (کهف / ۱۰۳ - ۱۰۵)

«بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟... [آری،] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد.»

برخی از مفسرین مقصود از آیات را در اینجا، آیات انفسی و آفاتی خدای تعالی می‌دانند و هم چنین معجزاتی که انبیاء برای تایید رسالت خود می

^۱ تفسیر هدایت، ج ۱، ص ۲۳۷

^۲ تفسیر جامع، ج ۲، ص ۱۷۳

آورند و کفر به آیات را ، انکار نبوت می دانند علاوه بر اینکه خود پیغمبر از آیات است.^۱ و برخی هم می گویند که مقصود همان آیات قرآن یا دلایل توحید و نبوت است. صاحب تفسیر روح المعانی در توضیح «بآیات» می نویسد: «دلایل دعوت کننده به سوی توحید که شامل سمعی و عقلی می شود».^۲ به هر حال کفر به آیات ، یکی از مهم ترین از اسباب خسران است. چرا که آیات ، می تواند همان آیات قرآن و یا هر نشانه ای که انسانها را به سوی خداوند دعوت می کند، باشد و انکار هر کدام از آنها سبب زیانکاری است.

د- ارتداد و خروج از دین:

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ... لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (نحل: ۱۰۹-۱۰۶)

« هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی کند... شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند».

«اطمینان» به معنای سکون و آرامش است و «شرح صدر» به معنای گشادی و وسعت آن است. در در مفردات آمده است که اصل شرح به معنای بسط گوشت و امثال آن بوده، وقتی می گوید: گوشت را شرح کردم و یا تشریح کردم معنایش این است که آن را ولو کردم. «شرح صدر» در اینجا به معنای باز کردن سینه به نور الهی و سکینه ای از ناحیه خدا و روحی از اوست.

^۱ تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۵۴۸

^۲ منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵، ص ۳۷۳

^۳ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، اول، سید محمود آلوسی ج ۸، ص ۳۶۸

«اکراه» مجبور شدن به گفتن کلمه کفر و تظاهر به آن است.^۱

در شان نزول این آیه آمده است که عمار در زیر شکنجه های مشرکین در مکه، وادار به ناسزا گفتن بر علیه پیامبر شد. او وقتی خود را از دست آنها نجات داد به طرف مدینه راه افتاد. او در حالی که چشمانش پر از اشک بود، خدمت پیامبر رسید و گفت: ای پیامبر من از دست مشرکان رها نشدم تا اینکه مجبور شدم به تو ناسزا بگویم و خدایان آنها را به نیکی یاد کنم. پیامبر فرمود: اگر مشرکین باز هم با تو چنین کردند، تو همان سخنان را بگو تا از شر آنها رها شوی.^۲

آیه بیان می کند که اگر کسی بعد از ایمان آوردن به خدا، قلبا و زبانا به خدا کافر شود به خشم و عذاب الهی گرفتار می شود و از زیانکاران است و از کسانی که زندگی باقی آخرت را به زندگی فانی دنیا فروختند و خداوند چنین کسانی را هدایت نمی کند و در گمراهی غوطه ورنند و همین سبب زیانکاریشان شده است. پس منظور از عبارت «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ»، «کفر ارتداد یعنی مرتد شدن می باشد و شامل کفر زبانی و عملی می گردد.»^۳

کسانی که برای نجات جان خود از دست ظالمان، مجبور می شوند که کلمه کفر را فقط به زبان جاری کند، عذرشان پذیرفته است چنین کسانی قلبا به خداوند مومن هستند و رستگار می شوند. «دنیا گرایی و برتری دان آن بر آخرت، زمینه رها کردن ایمان و ارتداد و گرفتار شدن به قهر الهی است.»^۴

الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ

^۱ تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۵۰۹

^۲ تفسیر آسان، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۸ ق، اول، محمد جواد نجفی خمینی ج ۹، ص ۳۰۴؛ تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۵۹؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۵۷

^۳ تفسیر آسان، ج ۹، ص ۳۰۵

^۴ تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۶۰

مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

الْخَاسِرِينَ (مائده/۵)

«امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است.»

در شان نزول آیه آمده است که بعضی از مسلمانان پس از نزول آیه فوق و حکم حلّیت طعام اهل کتاب و زنان آنها از قبول چنین حکمی اکراه داشتند قرآن به آنها هشدار میدهد که اگر نسبت به چنین حکمی که از طرف خدا نازل شده اعتراض داشته باشند و انکار کنند اعمال آنها بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهند بود^۱

خداوند در ابتدای آیه یک سری از احکام را برای مومنان می آورد که بر همه مومنین، اطاعت و اجرای اوامر الهی واجب است. خداوند بعد از بیان حلّیت طعام زنان عقیف اهل کتاب بیدار باش داده و یا هشدار می دهد که نسبت به اوامر الهی، افراط و بی قیدی به کار نبرد که در این صورت به کفر ایمان و ترک ارکان دینی و اعراض از حق می انجامد.

عیاشی به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: «کمترین چیزی که شخص را از اسلام خارج میکند آن است که رای بر خلاف حق بدهد و در رای خود پایداری نماید و این آیه را تلاوت فرمود و نیز به سند دیگر از آن حضرت روایت کرده که فرمود: کسانی که کافر به ایمان می شوند آنهایی هستند که

^۱ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱ ش، هفتم، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۴، ص ۲۸۴

عمل به اوامر خدا نکند و راضی به احکام الهی نمی باشند.^۱

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا

خاسرین (مائده / ۲۱)

« ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است درآیید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد.»

آیه درباره ی قوم بنی اسرائیل است . حضرت موسی به قوم خود گفت : نعمت خداوند را بر خویشتن به یاد آورید که به شما نعمت های فراوانی داد از جمله اینکه در میان شما پیامبرانی را بر انگیختی دیگر اینکه شما را ملوک قرار داد یعنی مالک سرنوشت خود و خانواده خویش شدید و سومین نعمت اینکه شما را از چنگال فرعون نجات داد و نزول من و سلوی و جاری شدن ۱۲ چشمه که همه از طریق اعجاز بود .

حضرت موسی بعد از یادآوری این نعمت های به آنان گفت : ای قوم من ، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر کرده است وارد شوید و بر پشت سر برنگردید که از زیانکاران خواهید شد . موسی با این فرمان که به سرزمین مقدس داخل شوید در واقع به آنها دستور جنگ داد ، ولی آنها گروهی بهانه جو و تنبل و ترسو بودند و از این دستور موسی سرپیچی کردند و پیامبرشان را آزدند .

نا فرمانی از دستور خداوند سبب زیانکاری آنان شد و باعث شد که آنها چهل سال از سرزمین مقدس محروم شوند . پس محروم شدن از خیری که در سرزمین های مقدس وجود دارد ، باعث خسارت می شود.^۲

هـ- پیروی از کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْدُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (آل عمران

: ۱۴۹)

^۱ تفسیر جامع ، ج ۲ ، ص ۱۷۲

^۲ تفسیر نور ، ج ۳ ، ص ۵۹ ؛ مواهب علیه ، ص ۲۳۵

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید، شما را از عقیده‌تان باز می‌گردانند و زیانکار خواهید گشت».

«مفسرین می‌گویند که این درباره ابوسفیان است و اطاعت در این جمله به معنی موافقت با میل و خواهش است. «ان تطیوا» یعنی اگر گوش فرا دهید به سخنان ابوسفیان و منافقین گفتند: محمد کشته شد.»^۱

در مجمع از امیر المومنین روایت نموده که: «این آیه درباره منافقین در روز جنگ احد است، خطاب به مسلمانانی که فرار می‌کردند می‌گفتند: بدین اصلی خود برگردیده و با برادرهای قدیمی‌تان شوید».^۲ آیه هشدار می‌دهد که از کافران اطاعت نکنید که اگر از آنها اطاعت کنید شما را به عقب بر می‌گردانند. در تفسیر احسن الحدیث آمده که مراد از «رد بر اعقاب» عقب‌گرد به کفر است.^۳ یعنی اطاعت از کافران شما را به شرک و کفر بر می‌گردانند و این سبب زیانکاریتان می‌شود.

انسان باید دقت کند که از چه کسانی پیروی می‌کند، چون در سر نوشت او تاثیر دارد. نه تنها نباید خودش کافر باشد بلکه از کافران هم نباید اطاعت کند. بازگشت به عقب یعنی بازگشت به کفر، موجب زیان دنیا و آخرت است.

۳- باز داشتن مردم از راه خدا

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ... لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
الْأَخْسَرُونَ (هود / ۱۹-۲۲)

« همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود، آخرت را باور ندارند... شك نیست که آنان در آخرت زیانکارترند».

«عوج» به کسر عین و فتح واو به معنای منحرف از حق است.^۴ طبرسی آورده است که به معنی «انحراف در دین و سخن گفتن است.» و به فتح عین برخی آن را

^۱ تفسیر عاملی، صدوق، تهران، ۱۳۶۰ ش، عاملی، ابراهیم، ج ۲، ص ۲۳۴

^۲ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۵۶

^۳ تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، ص ۲۰۸

^۴ تفسیر آسان، ج ۷، ص ۲۵۴

^۵ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۲۵

به معنی کجی و انحراف آورده اند برخی به معنای کج شدن اشیاء مادی، نظیر عصا و امثال آن. آیه بیان می کند که یکی از عوامل خسران، این است که از پیشرفت راه حق یعنی دین خدا جلوگیری می کنند و راه خدا را کج و معوج نشان می دهند و مردم را از آن باز می دارند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (انفال / ۳۶).

«بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند، و آن گاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می‌شوند. و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد.»
روایات مختلفی وارد شده که این آیه درباره جماعتی «ابوسفیان» است. و برخی هم گویند درباره جماعتی از بزرگان اهل مکه است که پس از خروج کفار قریش از مکه برای جنگ بدر، دوازده نفر از آنها مثل ابوجهل بن هشام و عقبه و شیبه و باقی آنها قرار گذاشتند که هر نفر، یک روز لشکر را غذا بدهند. پس هر کدام از آنها روزی دو یا سه شتر می‌کشتند و آنها را تحریص به جنگ می‌کردند و به همین دلیل این آیه درباره آنها نازل شد.^۴

کسانی که کفر پیشه کردند و اموال خود را خرج می‌کنند، شتر می‌خرند و می‌کشند و دیگران را به جنگ با خدا و رسولش دعوت می‌کنند به عبارت دیگر، اموالشان برای بازداشتن مردم از راه خدا و دین مصطفی خرج می‌کنند، همان زیانکاران هستند و اعمالشان سبب زیانکاریشان شده است. اینها نه تنها مالشان را از دست می‌دهند بلکه به هدف خود که

^۱ همان

^۲ تفسیر آسان، ج ۷، ص ۲۵۵

^۳ جلاء الازهان و جلاء الاحزان، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش، اول، جرجانی ابوالمحاسن حسین بن حسن، ج ۳، ص ۳۴۳؛ روض الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق، ابوالفتوح راضی حسین بن علی، ج ۹، ص ۱۱۲

^۴ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، بی‌جا، ۱۳۶۱ش، بانوی اصفهانی سیده نصرت امین، ج ۵، ص ۳۸۳

شکست اسلام است ، نمی رسند و در آخرت هم به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

علامه می نویسد : «اعمال دنیایی آنان از قبیل اجتماع بر شر و خروج برای جنگ با خدا و رسولش در ازاء حشر به سوی جهنم قرار می گیرد».^۱

۴- ظلم کردن

یکی از عوامل خسران ، ظلم است که به معنایی ناقص نمودن حق و یا گذاشتن هر چیز در غیر موضع خودش است . و به چند دسته تقسیم می شود :

۱- ظلم به معنی تجاوز به حدود خداوند یعنی به احکام و دستورات الهی بی اعتنا است و از انجام آن ها سرپیچی می کند . این نوع ظلم در اصل ظلم انسان است به خودش زیرا تحدی و تجاوز به حدود الهی و سرپیچی از فرامین الهی ، انسان خود را از سعادت محروم می کند .

۲- ظلم به خود یعنی زمینه تکامل رشد و سعادت خودش را با دست خودش نابود می کند .

۳- ظلم به دیگران .^۲

امام علی علی علیه السلام در خطبه ۱۷۵ می فرمایند : « ظلم بر سه قسم است ؛ ظلمی که آمرزیده نمی شود و ظلمی که بازخواست می شود و ظلمی که آمرزیده شده بازخواست نمی شود ، اما ظلمی که آمرزیده نمی شود شرک به خدا است ، خداوند سبحان می فرماید : خدا نیامرزد کسی را که به او شرک آورد و اما ظلمی که آمرزیده می شود ظلم بنده است بر نفس خود در به جا آوردن برخی گناهان کوچک و اما ظلمی که بازخواست می شود ظلم بنده است ، بنده دیگر را» .^۳

آیه ی ذیل به این مطلب اشاره دارد که ظلم یکی از عوامل زیان و خسران است .

^۱ تفسیر المیزان ، مترجم : موسوی همدانی سید محمد باقر ، ج ۹ ، ص ۹۶

^۲ از مفاهیم قرآن ، راه کمال ، تهران ، ۱۳۸۶ ش ، دوم ، اسرار ، مصطفی ، ص ۱۹۲

^۳ اخلاق در نهج البلاغه ، موسسه فیض کاشانی ، بی جا ، ۱۳۷۶ ش ، اول ، ج ۳ ، ص ۸

قال الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری / ۴۵)

« و کسانی که گرویده اند می‌گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانی‌شان را دچار زیان کرده‌اند». آیه ۲۳ اعراف به یکی از اقسام ظلم اشاره دارد و آن را به عنوان یکی از عوامل خسران معرفی می‌کند و ان ظلم به خویش است .

قالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

« گفتند: «پروردگارا، ما بر خویشتن ستم کردیم، و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود»

هنگامی که آدم و حوا به نقشه شیطانی ابلیس آگاه شدند و نتیجه کار خلاف خود را دیدند، به فکر جبران افتادند و به ظلم و ستم بر خویش، اعتراف کردند. پس ظلم بر خویش، سبب زیانکاری است. البته حضرت آدم و همسرش، زیانکار نبودند چون جمله شرطیه است و می‌فرماید: اگر ما را مورد رحمت و مغفرت قرار ندهی از زیانکارانیم و خداوند توبه حضرت آدم را پذیرفت. (بقره/۳۷)

در تفسیر نمونه آمده: «شک نیست که هر گناه و نافرمانی پرودگار، ظلم و ستم بر خویشتن است، زیرا برنامه‌ها و دستورات او همه در مسیر خیر و سعادت و پیشرفت انسان است، بنابراین هر گونه مخالفت با آن، مخالفت با تکامل خویشتن و سبب عقب ماندگی و سقوط خواهد بود. آدم و حوا نیز اگر چه گناه کردند اما همین ترک اولی آنها را از مقام والایشان فرود آورد.»^۱

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: برای ستمگر در میان مردم سه نشانه است: به بالا دست خود (یعنی خدای سبحان) ستم کند از راه گناهکاری و با فرودستان به زور آوری و با ستمکاران به یآوری.^۲

^۱ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۲۷

^۲ منتخب الغرر، انتشارات مفید، بی‌جا، ۱۳۸۷ ش، دوم، کمپانی، فضل‌الله، ص ۲۹۱ و ۲۹۲

۵- شرک ورزیدن به خدا

«شرک» با فتحه به معنی شرکت و مشارکت به معنی شریک شدن است و به کسر شین اسم است. یعنی عمل شرک و نیز به معنی شریک و نصیب و بهره آمده است.^۱ مشرک کسی است که برای خدا در خلقت جهان و یا اداره و تدبیر امور جهان، شریک قرار می دهد و به عبارتی دیگر یعنی غیر حق را هم، مصدر امور و منشا اثری داند.^۲

خداوند می فرماید :

إِنَّ الشُّرْكَاءَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان / ۱۳) یعنی شرک ، ظلم بزرگی

است . همان طور که بیان شد ، ظلم سبب خسران است پس شرک که ظلمی بزرگ است نیز موجب ، خسران می شود . آیه ذیل به خوبی این مطلب را نشان می دهند .

وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

(زمر / ۶۵)

« و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است: «اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد».

این آیه خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر پیامبران است، و این روشن است که انبیای بزرگ الهی، راه شرک را پیش نمی گیرند و هدف از این که خداوند آنها را مخاطب کرده این است که:

«اهمیت خطر شرک را به همگان گوشزد کند تا مردم بدانند وقتی خداوند با پیامبران بزرگش این چنین سخن می گوید، تکلیف دیگران روشن است و به تعبیر دیگر: این از قبیل ضرب المثل معروف عرب است : منظورم تویی ولی ای همسایه تو بشنو!»^۳ در آیه سه بار حرف لام مفتوحه که نشانه تاکید است تکرار شده (لئن، لیحبطن، لتکونن) یعنی خطر شرک بسیار جدی است.

اهمیت خطر شرک به اندازه ای است که خداوند در آیه ۱۵ زمر به صورت امر تهدیدی و در این آیه به تاکید

^۱ از مفاهیم قرآن ، ص ۱۶۰

^۲ معراج السعادة ، دهقان ، بی جا ، بی تا ، نراقی ، ملا احمد ، ص ۷۹

^۳ تفسیر نمونه ، ج ۱۹ ، ص ۵۲۸

و خطاب به انبیاء آن را یادآوری می کند و از آن با خسران مبین یعنی زیان آشکار نام می برد. شرک باعث حبط عمل و در نتیجه سبب زیانکاری است.

تفسیر نور الثقلین حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که در آن آمده است: «خداوند همه بندگان را محاسبه می کند مگر کسی که شرک به خدا آورده که بدون حساب به آتش فرستاده می شود.»^۱

۶- پذیرش ولایت شیطان

از بارزترین مصادیق خاسرین، شیطان و یکی از عوامل خاسرین پیروی از شیطان است.

شیطان بر این است که تمام انسانها را از راه خدا، گمراه کند و در بسیاری از آیات الهی به انسانها هشدار می دهد: که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست. (یس/۶۰)

و شیطان با چندین تاکید بیان می کند: «لاغو ینهم اجمعین» (ص/۸۲۰) یعنی حتما و حتما همه انسانها را گمراه می کنم. و خداوند هم با تاکید بیان فرموده که هم شیطان و ذریه شیطان را و هم انسانهایی که از شیطان تبعیت کرده اند همه آنها را وارد جهنم می نمایم. (ص/۸۳)

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (نساء / ۱۱۹)

«و [ولی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.» ولی به معنی صاحب اختیار است.^۲

این آیه یک اصل کلی را بیان می کند و می فرماید هر کس شیطان را به جای خداوند به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کند، زیان آشکاری کرده است. در این آیه خداوند خطر دشمن درونی انسانها را یادآوری می کند که مبادا او را ولی و دوست بگیرند و گرنه دچار زیان می شوند.

آیه بیان می کند که شیطان پیوسته به آنها وعده های دروغین می دهد و به آرزوهای دور و دراز سرگرم

^۱ تفسیر نور نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق، چهارم، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، ج ۴، ص ۴۹۷
^۲ اطیب البیان، ج ۴، ص ۲۱۳

می کند ولی جز فریب و خدعه کاری برای آنها انجام نمی دهد و هر کس که پیرو هوای نفسانی خویش شود و پی در پی به خواسته های هوای نفس پاسخ دهد آنچنان فریفته و دل باختة شیطان می شود که او را به عنوان ولی و سرپرست انتخاب کرده و جزء خاسران می گردد . مقصود آیه از خسران مبین ؛ تبدیل شدن حق به باطل و بهشت به جهنم است .^۱

در تفسیر خسروی آمده : «زیانی آشکاری کرده زیرا چه زیانی بدتر از ترک هدایت قرآن و پیروی از پیروان شیطان و بزرگتر از تبدیل رضای رحمان به رضای شیطان می باشد.»^۲

اَسْتَحُوذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَانْسَاهُمْ ذَكَرَ اللّٰهُ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ اَلَا اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ (مجادله / ۱۹)

«شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند.»

برخی گویند «استحوذ» از «احوذ الشی» آمده یعنی آن را گرد آورد و به یکدیگر پیوست و چون گرد آورد بر آنان چیره می شود و تسلط و توانایی می یابد .^۳ و برخی گویند از «حوذ» یعنی ران شتر می باشد و از آن جا که ساربان به هنگام راندن شترها بر پشت رانهای آنها می زند این واژه به معنی تسلط یافتن و به سرعت راندن آمده است .^۴

پس «شیطان بر آنها استیلا پیدا کرد و راه حق را بر آنها بسته و راه های باطله را در اثر متابعت شیطان بر روی آنها باز کرده است»^۵ و نویسنده ارشاد الاذهان هم همین نظر را دارد وی «استحوذ» را

^۱ الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین ، مکتبه الالفین ، کویت ، ۱۴۰۷ق ، اول ، شبر سید عبد الله ج ۲ ، ص ۱۰۲

^۲ تفسیر خسروی ، اسلامیه ، تهران ، ۱۳۹۰ ق ، اول ، علی رضا میرزا خسروانی ، ج ۲ ، ص ۲۹۲

^۳ تفسیر هدایت ، ج ۱۵ ، ص ۲۱۰

^۴ تفسیر هدایت ، ج ۱۵ ، ص ۲۱۰ ؛ تفسیر نمونه ، ج ۲۳ ، ص ۴۶۱ ؛ تفسیر روح البیان ، دارالفکر ، بیروت ، بی تا ، حتی

بروسوی ، اسماعیل ، ج ۹ ، ص ۴۰۹

^۵ اطیب البیان ، ج ۱۲ ، ص ۴۶۲

به معنای استیلا پیدا کردن و احاطه کردن آنها آورده است.^۱ آیه بیان می کند کسانی که شیطان بر آنها مسلط شده است جز گروه و حزب شیطان هستند، اینها نه تنها خود را از راه حق منحرف شده اند بلکه عاملی برای منحرف کردن دیگران هم هستند. در تفسیر هدایت آمده که: «چیرگی شیطان هنگامی کاملی می شود که انسان نام پرودگارش و گواه بودن او را بر خود و جزا و پاداش و گستردگی رحمتش و سختی عذاب او و دیگر چیزهای همانند اینها را از یاد ببرد.»^۲

وقتی انسان به یاد خدا باشد، و حضور خدا را در لحظه، لحظه های زندگی اش درک کند دیگر به سراغ کارهای زشت نمی رود و اگر هم از او خطایی سز بزند، فوراً توبه می کند و با گریه و زاری به سوی پرودگارش بر می گردد. پس یاد خدا، انسان را از گناه حفظ می کند.

کسانی که از هوای نفسانی پیروی می کنند، راه تسلط شیطان بر آنها باز شده و کم کم خدا را از یاد می برند و شیطان بر آنها چیره می شود و همینها، حزب شیطان هستند و از آن رو در دنیا خاسرند که با خواری و شکست خوردن به دست مومنان (حزب خدا) روبه رو می شوند و خسارت بزرگترشان در آخرت هم این است که همه هواره شیطان برای کشیدن عذاب اخروی وارد جهنم می شوند.^۳

امام حسین سید الشهداء (علیه السلام) وقتی صفوف اهل کوفه را همچون شب تاریک و سیل خروشان در مقابل خود دید فرمود: «عجب بندگان بدی هستید اظهار اطاعت خدا و ایمان به رسول کردید، ولی اکنون آمده اید ذریه پیامبر را به قتل برسانید، شیطان بر شما چیره شده یا خدای بزرگ را از

^۱ ارشاد الاذهان الی تفسر القرآن، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ق، اول، سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ص ۵۴۹

^۲ تفسیر هدایت، ج ۱۵، ص ۲۱۱

^۳ همان، ص ۲۱۲

خاطرتان برده سپس افزود مرگ بر شما و بر آنچه می خواهید.»^۱

شیطان موجودی حسود و لجوج و ناسپاس و متکبر و ضد عقل و تفکر و رانده است او سمبل تمام صفات خلاف اخلاق است و همه بدیها به او برمی گردد. او از طریق شیرین و خوب جلوه دادن گناهان، انسان ها را گمراه می کند و همه رابه سوی عذاب ابدی می کشاند. متکبران و طاغوت ها و کسانی که راه شیطان را دنبال می کنند، خود به نوعی شیطان هستند. شیطان درباره عدم تسلطش برای تبرئه در دادگاه الهی می گوید:

«در حقیقت، خدا به شما وعده داد وعده راست، و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم، و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می دانستید کافر» (ابراهیم/۲۲)

شیطان برای رسیدن به هدف خود که گمراهی تمام انسانهاست از چپ و راست و از تمام جوانب انسان ها را مورد حمله قرا می دهد و از هر حربه ای برای گمراه کردن آنها استفاده می کند. او بر آنها مسلط می شود و آنها را به هر جا می خواهد می کشاند.

همچنین در آیه دیگری می فرماید:

وَ قِضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَرَيْنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (فصلت / ۲۵)

«و برای آنان دمسازانی گذاشتیم، و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در میان امتهایی از جن و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند، بر ایشان واجب آمد، چرا که آنها زیانکاران بودند».

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۶۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۶۶

«قیضنا» از ماده «قیض» بر وزن فیض در اصل به معنی پوست روی تخم مرغ است. سپس در مواردی که افرادی کاملاً بر انسان مسلط می‌شوند، مانند تسلط پوست بر تخم مرغ به کارفته است. اشاره به اینکه این دوستان تبهکار و فاسد آنها را از هر سو احاطه می‌کنند، افکارشان را می‌زدند و چنان بر آنها چیره می‌شوند که حس تشخیص خود را از دست دهند و زشتیها در نظر آنها زیبا می‌گردد. گاه ماده «قیضنا» در مورد تبدیل چیزی به چیزی نیز به کار رفته است. بنابراین معنی و تفسیر آیه چنین می‌شود که دوستان صالح را از آنها می‌گیریم و به جای آنها دوستان فاسد به آنها می‌دهیم.^۱

آیه بیان می‌کند که بر آنها همنشینان بدی گماردیم که آنچه را که جلو رویشان بود و آنچه را که پشتشان بود زینت دادند. همین سبب غفلت آنها شد و آنها مشغول اعمال خویش شدند پس عذاب الهی بر آنها حتمی گردید، همان طور که بر جن و انس که قبل از آنها بودند واجب شد.

دوست و همنشین بد یکی از کیفرهای الهی است، فکر و شخصیت انسان را می‌پوشاند و زشتیهای انسان را زیبا جلوه می‌دهد.^۲

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت «دوست بد مایه ی زیان آدمی است.»^۳

همنشینان بد بر افکار آنها تسلط می‌یابند و آن قدر بر آنها چیره می‌شوند که زشتیها را در نظرشان جلوه می‌دهند و چه بد سرانجامی است وقتی زشتی را زیبا ببینند یعنی اعمال بد خویش را خوب می‌بینند

۷- دروغ و افتراء به خداوند

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۶۱

^۲ تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۳۲

^۳ تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۳۲

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (انعام / ۱۴۰)

« کسانی که از روی بی‌خردی و نادانی، فرزندان خود را کشته‌اند، و آنچه را خدا روزیشان کرده بود- از راه افترا به خدا- حرام شمرده‌اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شده، و هدایت نیافته‌اند.»

کسانی که آنچه را خدا به آنها داده که با عبارت «ما رزقهم الله» آمده تحریم کردند، زیانکارند و این عمل سبب زیانکاریشان شده است و افتراء بر خداوند خوانده شده. آنها زیانکار شده‌اند چون چهارپایان و یا زراعتی را که خداوند به آنها داده است را حرام کردند و این عمل افتراء بر خداوند است.

و همچنین در این آیه کشتن فرزندان از روی بی‌خردی را هم دروغ و افتراء به خداوند می‌داند که سبب زیانکاری است. چون آنها هم از نظر انسانی و هم اخلاقی و هم از نظر عاطفی و هم از نظر اجتماعی گرفتار خسارت و زیان گشتند و از همه بالاتر خسارت معنوی در جهان دیگر است.^۱ برخی از مفسران، جهالت و سفاهت را عامل خسارت می‌دانند.^۲

۸- آلوده کردن نفس و اطاعت از آن
وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس / ۱۰) و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً در باخت.

یکی از عوامل اصلی خسران، پوشاندن نفس با گناهان است.

«خاب» از ماده «خبیبة» است برخی آن را به معنای به مطلوب نرسیدن و محروم شدن و زیانکار گشتن آورده‌اند.^۳ و برخی هم آن را زیانی دور از انتظار و زیانی نامتحمّل که نتیجه خودداری و در خود فرو رفتن و در به روی خود بستن است، تفسیر کرده‌اند.^۴

^۱ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۵۹

^۲ تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۶۵

^۳ نمونه، ج ۲۷، ص ۴۸

^۴ تفسیر هدایت، ج ۱۸، ص ۱۳۱

«دسیسه به کارهای مخفیانه و زیانبار گفته می شود
۰۰۰ (دساها) کنایه ای است از آلودگی به گناه و
معصیت و خوهای شیطانی و درست در نقطه مقابل تزکیه
است.»^۱ لاهیجی «دساها» را به معنای پوشاندن نفس
به ارتکاب فواحش آورده است.^۲

پس کسی که به تزکیه نفس نپردازد یعنی نفس خود را
از آلودگی ها و گناهان، دور نکند، روز به روز،
لحظه به لحظه، گناهان نفس او را می پوشاند و همین
سبب زیانکاری او می شود.

تسلیم در مقابل خواهشهای نفس که زیبا جلوه می کند
نیز خسران آور می باشد چنانکه آیه زیر این مطلب
را تایید می کند:

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده / ۳۰)

«پس نفس [اماره] اش او را به قتل برادرش ترغیب
کرد، و وی را کشت و از زیانکاران شد.»

«طوعت» از ماده «طوع» است که برخی آن را به معنای
رام شدن چیزی^۳ و برخی به معنای آسان کردن و به
انجام کاری کشیده شدن ولی با نوعی تدریج آورده
اند.^۴ و برخی هم به معنای متمایل شدن و رغبت
پیدا کردن آورده اند و معنی آیه را چنین نوشته
اند که متابعت هوای نفس نمود.^۵ ولی می توان گفت
«طوع» تمام این معناها را دربر دارد و همه یک چیز
را می سازند. در قرآن داستان از اینجا شروع می
شود که این دو برادر قربانی کردند و از یکی
پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. و قابیل به
هابیل گفت: تو را خواهم کشت. هابیل گفت: اگر
تو قصد کشتن مرا داری، من قصد کشتن تو را ندارم و
من از پروردگار جهانیان می ترسم. و می خواهم تو
هم گناه من و هم گناه خود را برداری که در این
صورت تو اهل دوزخ می شوی. قاتل علاوه بر گناه خود

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۹

^۲ تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ ش،

اول، محمد بن علی شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۷۹۷

^۳ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۵۰

^۴ تفسیر کوثر، ج ۳، ص ۱۱۵

^۵ اطیب البیان، ج ۴، ص ۳۴۶

، گناه مقتول را هم به گردن دارد و این علاوه بر گناه قتل نفس است .

بعد از این صحبتها ، نفس او را به انتقام جویی دعوت می کرد و سرانجام نفس سرکش ، آهسته آهسته بر عوامل با دارنده چیره شد و او را رام کرد و او را به کشتن برادرش ترغیب می کرد . پس بالاخره قابیل ، برادرش را کشت و با این عمل از زیانکاران گشت . پس در اینجا به دو عامل خسران اشاره دارد : یکی متابعت از هوای نفس و دیگری قتل نفس است . آری بدترین خسارت ، اطاعت کردن از هوای نفس است.^۱

در تفسیر نمونه درباره «طوعت» آمده است : «رام کردن چیزی در یک لحظه صورت نمی گیرد بلکه به طور تدریجی و پس از کشمکش هایی صورت می گیرد.»^۲ از امام صادق علیه السلام روایت شده که : هر کس ، شخصی را از روی عمد به قتل برساند جایگاهش در آتش جهنم جاودان است .^۳

۹- باطل اندیشی و باطل کاری

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئذٍ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ (جاثیه / ۲۷)

« و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، و روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز است که باطلاندیشان زیان خواهند دید.»

مبطلون یعنی «الفاعلون للباطل»^۴ ؛ انجام دهندگان باطل . برخی مبطلون را اهل کفر و بطلان آورده اند .^۵ و برخی گفته اند که مراد کسانی هستند که دین را بیهوده می شمارند .^۶ و برخی گفته اند : کسانی که عمر خود را بیهوده و در غفلت گذرانده اند . و برخی مبطلون را^۷ منکران قیامت

^۱ همان

^۲ تفسیر نمونه ، ج ۴ ، ص ۳۵۱

^۳ النجاة من الذنوب ، نشر الهادی ، قم ، اول ، ۱۶۱۶ق ، حسین الشاکری ، ص ۱۰۴

^۴ الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین ، ج ۵ ، ص ۴۵۸

^۵ تفسیر شریف لاهیجی ، ج ۴ ، ص ۱۲۶

^۶ تفسیر عاملی ، ج ۷ ، ص ۵۰

^۷ مخزن العرفان در تفسیر قرآن ، ج ۱۳ ، ص ۱۱۰

می دانند یعنی کسانی که قیامت را باطل می شمردند .

۱

معنی اول از همه کاملتر است و سایر معانی را در بر می گیرد . راغب در مفرداتش می نویسد : «الباطل نقیض و مقابل حق است یعنی چیزی که به هنگام بحث و تحقیق ، حقیقتی و ثباتی ندارد.»^۲

پس کسانی که به سراغ کارهای باطل می روند ، مبطلان هستند یعنی کسانی که از سرمایه عمر خود بهره ای نبرده اند و هیچ سودی به دست نیاوردند ، قیامت را انکار می کنند و در نتیجه دین را بیهوده می شمارند و اینها همان زیانکارانند .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (غافر/

۷۸)

» و مسلماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم . برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده ایم ، و هیچ فرستاده ای را نرسد که بی اجازه خدا نشانه ای بیاورد . پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می شود ، و آنجاست که باطلکاران زیان می کنند» .

مشرکان بهانه جو ، هر روز معجزه دلخواه تازه ای از پیامبر می خواستند به همین دلیل آیه می فرماید : هیچ پیامبری حق ندارد معجزه ای بیاورد مگر با اذن الهی . آیه با لحن تهدید آمیزی به کسانی که به پیامبر می گفتند : «چرا عذابی را که وعده دادی ، نمی آید» ، هشدار می دهد هنگامی که وعده الهی محقق شود خداوند میان آنها و پیامبران به حق قضاوت می کند و در آن هنگام پیروان باطل زیان خواهند کرد . به همین دلیل برخی از مفسرین می گویند : مراد از مبطلون ؛ معاندانی هستند که بعد

۱ تفسیر نور ، ج ۱۰ ، ص ۱۸۲

۲ المفردات ، ج ۱ ، ص ۲۸۰

از آمدن آنچه از معجزات که برای آنها کفایت می کرد ، باز هم معجزه می خواستند .^۱
 در تفسیر نور آمده است : «کسانی که در برابر تاریخ و معجزات انبیاء بی تفاوت اند ، خسارت می بیند و قضاوت نهایی میان انبیاء و مخالفان، مربوط به جهان آخرت است. آن روز روز شرمندگی باطل گرایان است ۰۰۰ بدتر از اهل باطل ، کسانی هستند که علاوه بر رفتن در راه باطل ، هدفشان ابطال و خنثی کردن تلاش انبیاء است. مخالفان انبیاء اهل باطل اند .»^۲

۱۰- شکستن پیمانها

۱۱- قطع پیوندها

۱۲- فساد در زمین

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
 أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره / ۲۷)

« همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند.»
 توضیحات مربوط به این سه عامل در بخش ویژگیهای خاسرین بیان شد.

۱۳- سوء ظن داشتن به خدا

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ
 كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (فصلت / ۲۲-۲۳)

« و [شما] از اینکه مبادا گوش و دیدگان و پوستتان بر ضد شما گواهی دهند [گناهانتان را] پوشیده نمی‌داشتید لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آنچه را که می‌کنید نمی‌داند و همین بود گمانتان که درباره پروردگارتان بردید شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید.»

۱ الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین ، ج ۵ ، ص ۳۶۲

۲ تفسیر نور ، ج ۱۰ ، ص ۲۹۹

سوء ظن دو نوع است : ۱- به خدا ۲- به دیگران و این آیه به بدترین نوع گمان یعنی سوء ظن به خدا می پردازد .^۱

«ظن به معنی احتمال قوی است چنانکه «وهم» احتمال ضعیف و «شک» تساوی طرفین است . پس وقتی نسبت به چیزی یا واقعه ای ظن داریم یعنی احتمال قوی به وقوع یا عدم وقوع آن داریم ، به عبارت دیگر «ظن» بین علم و شک قرار دارد ، زیرا شک وقتی است که ما نسبت به وقوع چیزی احتمال ۵۰٪ بدهیم و علم وقتی است که تقریباً احتمال ۱۰۰٪ باشد و ظن وقتی است که بیش از ۵۰٪ تا زیر صد درصد احتمال بدهیم.»^۲

سوء ظن به خدا راجع به صفات و افعال اوست مانند کفاری که میگویند خدا عالم نیست یا آنهایی که میگویند به امور جزئی دانا نیست. یا کارهایی که بشر در نهانی انجام می دهد ، خدا نمی بیند ۰۰۰ و نیز مانند مسلمانانی که به زبان می گویند خدا به همه چیز دانا است لکن در کردارش مانند کافر هاست مثلاً در نهانی خدا را حاضر و ناظر دانسته و بر گناه جرات می کنند ۰۰۰ سوء ظن به خدا گناه کبیره است.^۳ در شان نزول این آیه آمده است که : «سه نفر از کفار قریش و طایفه بنی ثقیف که جمجمه هایی کوچک و شکمی بزرگ داشتند در کنار خانه کعبه اجتماع کرده بودند ، یکی از آنها به دیگران گفت آیا شما فکر می کنید خداوند سخنان ما را می شنود . دیگری افزود آهسته ! اگر بلند بگوئیم می شنود و اگر آهسته تکلم کنیم نمی شنود . دیگری اضافه کرد : من فکر می کنم اگر صدای بلند را بشنود حتما صدای آهسته را هم می شنود . اینجا بود که آیه فوق نازل شد.»^۴

مرحوم طبرسی با اندکی تفاوت ، همین شان نزول را از ابن مسعود بیان می کند که آن سه نفر سخنان سری

^۱ خطوط کلی اخلاق در قرآن ، اسوه ، بی جا ، ۱۳۷۳ ش ، اول ، مکارم شیرازی ، ناصر ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۲

^۲ از مفاهیم قرآن ، ص ۱۹۸

^۳ قلب سلیم ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۷۰ ش ، یازدهم ، سید عبد الحسین دستغیب شیرازی ، ص ۵۶۸

^۴ تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۷۴ ش ، اول ، مکارم شیرازی ، ناصر ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۲

باهم گفتند و با خود می گفتند : آیا خدا از سخنان
سری ما آگاه است ؟^۱

«ارادکم» از مصدر «ارداء» باب افعال از «ردی» به
معنای هلاکت است .^۲ آیه بیان می کند که این
پندار شما به پرودگارتان، شما را به هلاکت کشاند و
از زیانکاران گشتید و درباره ی اینکه چه سوء ظنی
آن ها را به زیانکاری کشید دو احتمال وجود دارد :
به احتمال اول اگر «ذکم» مبتدا و «ظنکم» خبر اول
و «ارداکم» خبر دوم باشد . در این صورت یعنی ظنی
که شما را به هیچ میزان از حق بی نیاز نمی کرد و
جلو علم و شهادت خدا را نگرفت و همین ظن مایه
هلاکت شما شد . و در احتمال دوم اگر «ظنکم» بدل از
«ظن» در آیه قبل باشد و «ارداکم» خبر برای
«ذکم» باشد در این صورت ظنی که مایه هلاکت آنها شد
این بود که گمان می کردند که خدا از بیشتر
کارهایشان اطلاعی ندارد .^۳

خداوند در آیه قبل می فرماید : گمان کردید که
خدای تعالی بیشتر کارهای شما را نمی داند . علامه
درباره اینکه چرا کلمه «کثیرا» آمده می نویسد :
«شاید جهتش این بوده که مشرکین اعتقاد به خدا و
صفات علیای او که یکی از آنها علم است داشتند و
معتقد بودند که تا اندازه ای علم دارد، ولی
حالشان در ارتکاب گناهان حال کسی بود که معتقد
است خدا به بیشتر کارهایش اطلاع ندارد.»^۴

شیخ طوسی می نویسد : توصیف کفاری است که گمان می
کردند که اسرارشان بر خدای تعالی مخفی است و ان
را نمی داند و خداوند به دلیل این توصیف ، جهلشان
را به خداوند آشکار کرد . و اینکه آن ها اگر چه
از یک جهت می دانند که خدا قادر و توانا است و
علم به آنچه انجام می دهند دارد ولی هنگامی که

^۱ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۲۲ ، ص ۴۳

^۲ تفسیر المیزان ، ج ۱۷ ، ص ۵۸۲

^۳ المیزان ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۳۷۴ ش ، پنجم ، طباطبائی محمد حسین ، ترجمه ی موسوی همدانی ، محمد
باقر ، ج ۱۷ ، ص ۵۸۳

^۴ همان

گمان کردند که چیزی بر خدا مخفی است در حقیقت جاehl هستند^۱.

کسانی که به خداوند سوء ظن دارند و می پندارند که خداوند کارهای آنها را نمی بیند ، دست به هر گناه و نافرمانی می زنند و گناه کردن در نظرشان آسان می شود ، پس با همین سوء ظن زمینه ی ، زیانکار شدن آنها فراهم می شود و خود را به هلاکت می کشانند . آنها اعمال و کارها را با همین اعضای بدنشان انجام می دهند و اعضای بدن ، یکی از گواهان روز قیامت است پس هنگامی که روز رستاخیز بر پا می شود . در روز حساب ، همان اعضاء بر علیه آنها گواه می دهند .

در تفسیر نمونه در توضیح آیه شریفه آمده است : «شما اگر گناهانتان را مخفی می کردید نه از این جهت بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهایتان برضد خودتان بیم داشتید، شما اصلا باور نمی کردید روزی اینها به سخن درآیند و برضد شما گواهی دهند بلکه مخفی کاری شما به خاطر این بود که گمان می کردید خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند.»^۲

در بسیاری از آیات قرآن به صفت علیم بودن خداوند اشاره شده است . آری ، خداوند عالم است و به همه اسرار ما آگاه است ، در حدیث قدسی می فرماید : اگر گمان خوب به من دارد و امیدوار به رحمت و تفضلات من و قضاء حوائج و اجابه دعوات ، من هم به گمان او با او رفتار می کنم و اگر گمان بد دارد ، مایوس از رحمت و نامید از اجابت دعوات و قضای حوائج، من هم طبق گمانش با او رفتار می کنم .^۳

حضرت صادق علیه السلام می فرمایند : «برای مومن شایسته است که از خدا طوری بترسد که گویا به آتش خواهد افتاد و چنان امیدوار باشد که گویا از اهل بهشت است ، خداوند می فرماید : توجه به گمان بنده خود دارد اگر بنده به خدا خوش گمان بود خدا نیز

۱. التبیان فی تفسیر القرآن ، دارالحیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا ، طوسی ، محمد بن حسن ، ج ۹ ، ص ۱۱۹

۲ نمونه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۱

۳ اطیب البیان ، ج ۱۱ ، ص ۴۲۷

به او نیکی خواهد فرمود و اگر بنده به خدا بد گمان باشد خدا درباره اش بدی خواهد فرمود.^۱
پیامبر گرامی اسلام صل الله علیه و آله می فرماید :
«بدترین گناهان بزرگ ، بد گمانی به خداست.»^۲

۱۴- مشغول شدن به دنیا و غفلت از یاد خدا
مال دوستی و حب به مال از شاخه های دنیا دوستی است . خاصیت زینت دنیا همین است که آدمی را از توجه به خدای تعالی باز می دارد . یکی از عوامل مهم خنثی کردن وسوسه های شیطان ، توجه به خداوند است . آیات زیر به یکی دیگر از عوامل خسران اشاره می کند و آن علاقه ی افراطی به مال و فرزند و در نتیجه غافل شدن از یاد خداست .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ (منافقون / ۹)

« ای کسانی که ایمان آورده اید، [زنهار] اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نگردانند، و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند.»
اشتغال به این زینت آن قدر انسان را سرگرم می کند که دیگر جایی برای یاد خدا نمی ماند . در این آیه شریفه هم انسان را از علاقه افراطی به مال و اولاد نهی می کند و هشدار می دهد که مال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند . علامه می نویسد :
«فراموشی پرودگار از ناحیه عبد ، باعث ان می شود که پرودگارش هم او را از یاد ببرد هم چنان که فرمود : و این خود خسرانی است آشکار.»^۳ خداوند در آیه ی بعدی هم ، علاقه افراطی به مال و فرزند را نهی می کند .

در آیه دیگر غفلت از یاد خدا سبب زیان و خسران معرفی می کند :

^۱ مجمع البیان ، ج ۲۲ ، ص ۴۳ ؛ تفسیر خسروی ، ج ۷ ، ص ۳۳۲
^۲ نهج الفصاحه ، فرائض ، قم ۱۳۸۵ ش ، اول ، ابوالقاسم پاینده ، حدیث ۴۳۹ ، ص ۸۲
^۳ تفسیر المیزان ج ۱۹ ، ص ۴۹۰

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ

الْخَاسِرُونَ (مجادله/۱۹)

« شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند.»

آیه بیان می کند که شیطان ، ذکر خدا را از یاد انسانها می برد . ذکر خداوند ، انسان را از وسوسه های شیطان باز می دارد و کسی که از ذکر خدا غافل شود و خدا را فراموش کرد مزرعه دلش را برای شیطان آماده می کند تا تخم بدی ها و زشتی ها را در آن بکارد و کم کم خود در آن لانه کند . غفلت از یاد خداوند ، زمینه بسیاری از گناهان را فراهم می کند و همین سبب زیان و خسران می شود .

بروسوی در توضیح آیه شریفه می نویسد : «هرگز خدا را نه به قلبهایشان و نه به زبانهایشان یاد نمی کنند.»^۱

گاه حب مال چنان انسان را سرگرم می سازد که تمام سرمایه های وجودی خویش را در برابر لذات ناپایدار دنیا ، از دست می دهد و با دست خالی از دنیا می رود ، چنین فردی زیانکار است .

احادیث و روایتهای زیادی درباره دنیا دوستی و غفلت از یاد خدا وارده شده است که برخی از آن ذکر می کنیم :

حماد بن بشیر گوید : «از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمودند : اگر دو گرگ درنده هر کدام از هر سو به گله ای هجوم کنند ، زیانشان به گله گوسفندان کمتر از این خواهد بود که مال و ثروت به دین مسلمانان زیان وارد می کنند.»^۲

^۱ روح البیان ، ج ۹ ، ص ۴۹

^۲ ایمان و کفر - ترجمه الایمان و الکفر بحار الانوار ، انتشار ادعطار ، بی جا ، ۱۳۷۸ ش ، اول ، عطاردی ، عزیز الله ، ج ۲ ، ص ۵۰۶ ؛ اصول کافی ، کتابفروشی علیمه اسلامیة ، تهران ، بی تا ، اول ، مصطفوی ، جواد ، ج ۴ ، ص ۳ ؛ طرائف الحکم یا اندرزه های ممتاز ، کتابخانه صدوق ف تهران ، ۱۳۶۲ ش ، سوم ، آشتیانی ، احمد ، ج ۱ ، ص ۱۷۵ ، الحیاة ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، تهران ، ۱۳۸۰ش ، مکرر ، آرام ، احمد ف ج ۴ ، ص ۵۵

محمد بن مسلم همین روایت را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.^۱ و در جای دیگر همین روایت از پیامبر اسلام صل الله علیه و آله آورده شده.^۲ امام علی علیه السلام درباره یاد خدا به فرزندش چنین وصیت می کند: «دوری کن از اهل شر و از هر که تو را از یاد خدا و یاد مرگ باز میدارد به وسیله گفتارهای فریبنده و بی سر و ته خود (و اگر از آنها دور نشدی) از آنها می شوی.»^۳

۱۵- فرو رفتن در فساد و بهره برداری از امکانات مادی در مسیر گناهان

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (توبه / ۶۹)

«[حال شما منافقان] چون کسانی است که پیش از شما بودند: آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتر بودند، پس، از نصیب خویش [در دنیا] برخوردار شدند، و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید همان گونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند، و شما [در باطل] فرو رفتید همان گونه که آنان فرو رفتند. آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند.»

خلاق به معنای نصیب، بهره، قسمت و آنچه برای انسان مقدر شده است می باشد.^۴

راغب در مفردات می نویسد: «الخوض، با دست آب نوشیدن و در آب درآمدن و عبور کردن در آب و در کارهای دیگر به طور استعاره به کار رفته است. بیشترین مواردی که در قرآن به کار رفته درباره

^۱ ایمان و کفر، ج ۲، ص ۲۸۲

^۲ (تربیت، روشها، اخلاق)، طراحان نشر، بی جا، ۱۳۷۸ ش، دوم ف فایخی، علی، ص ۱۸۶

^۳ قلب سلیم، ص ۲۸۲

^۴ تفسیر جوامع الجامع، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۷ ش، دوم، فضل بن حسن طبرسی، مترجم: مترجمان، ج ۲، ص ۵۶۷

چیزهایی است که پرداختن به آنها مذمت شده است.^۱ در تفسیر اثناء عشری «خوض» را به معنای شروع کردن و فرو رفتن در باطل که آن کفر و استهزاء به آیات الهی است، آورده است.^۲

نویسنده تفسیر آسان می نویسد: عبارت «فاستمتعوا بخلاقهم» به بهره برداری و لذت نا مشروع بردن از اموال دنیوی اشاره دارد.^۳

آیه بیان می کند که شما هم مانند گروه قبلی به اموال دنیوی مشغول شدید و حداکثر لذت نامشروع و زود گذر را از آن بردید و همان طور که آنها در وادی باطل فرورفتند و راه کفر و نفاق پیش گرفتند، شما هم فرو رفتید. گروهی که قبل از شما بودند از حیث قدرت بدنی از شما قوی تر بودند، همچنین اولاد و اموالشان هم از شما بیشتر بود. آن گروه با وجود کثرت مال و فرزند گرفتار عذاب الهی شدند و اعمالشان حبط شد و جزء زیانکاران بودند پس شما که مال و فرزندانان از آنها کمتر است و از حیث نیرو هم از آنها پایین تر هستید پس در عقاب الهی سزاوارترید و مانند آنها جزء زیانکاران هستید.

۱۶- عملکرد ضعیف در مسئولیت

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذُّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ (یوسف/۱۴)

«گفتند: اگر گرگ او را بخورد با اینکه ما گروهی نیرومند هستیم، در آن صورت ما قطعاً [مردمی] بی مقدار خواهیم بود».

برادران یوسف به اتفاق آراء تصمیم گرفتند که او را در چاه بیندازند پس نزد پدر آمدند و از او خواستند که یوسف را با آنها به صحرا بفرستد. یعقوب در ابتدا چنین اجازه ای را به آنها نداد. برادران گفتند: چرا به ما اطمینان نمی کنی در حالی که ما خیر خواه او هستیم، او را با ما به صحرا بفرست تا هم از میوه های صحرا بخورد و هم بازی کند و ما نهبان او هستیم. حضرت یعقوب گفت: «می ترسم که شما از او غافل شوید و گرگ او را

۱ مفردات، ج ۱، ص ۶۴۵

۲ تفسیر اثناء عشری، ج ۵، ص ۱۴۱

۳ تفسیر آیات، ج ۶، ص ۳۳۷

بخورد» برادران گفتند : «ما گروه نیرومندی هستیم اگر با این حال ، گرگ او را بخورد ما از زیانکاران خواهیم بود» یعنی با قدرت و توانی که داریم هرگز امکان آن وجود ندارد که گرگ او را بخورد . «

برادران با تکیه بر قدرتشان و اینکه تعدادشان زیاد است ، محافظت از یوسف را به عهده گرفتند که به او صدمه ای نرسد و قول دادند که او را از خطر گرگ هم محافظت کنند . در واقع برادران از آبروی خود ترسیدند و گفتند چگونه ممکن است برادرمان را گرگ بخورد و ما ده مرد به تماشا بایستیم که در این صورت زیانکار هستیم .

عده ای برای رسیدن به اهداف شوم خود حاضرند حتی از آبرو و شخصیت خود صرف نظر کنند. مانند برادران یوسف که پیرهن یوسف را به خونی دروغین آلوده کردند و نزد پدر بردند و گفتند او را گرگ خورده است .

نتیجه «اگر کسی مسئولیتی را بپذیرد و خوب انجام ندهد ، سرمایه ، شخصیت آبرو و وجدان خود را در معرض خطر قرار داده و زیانکار خواهد بود.»^۲
۱۷- درخواست بدون علم

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (هود / ۴۷)

«گفت: پروردگارا، من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم، و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم».

این آیات جریان پسر نوح است که نوح او را ندا داد که سوار کشتی شود و او سوار نشد و موجی آمد و او را غرق کرد . نوح وقتی دید که پسرش سوار کشتی نمی‌شود و غرق خواهد شد ، خدا را ندا داد که پروردگارا پسرم از خاندان من است و وعده ی تو حق است و تو بهترین داورانی . نوح در اینجا اشاره به سخن خدا می‌کند که فرمود : خاندانت را سوار کشتی کن .

^۱ تفسیر کوثر ، ج ۵ ص ۳۵۱ (با تلخیص)

^۲ تفسیر نور ، ج ۶ ، ص ۴۴

البته در همانجا گفته شده بود که غیر از کسانی که محکوم به عذاب هستند . نوح گمان می کرد که منظور همسر اوست که کافر است و پسرش کنعان را که به ظاهر ایمان آورده بود داخل در تحت خاندان صالح خود می دانست و لذا پسرش را ندا داد که سوار شود . در اینجا نیز به خدا عرضه می دارد که پسر من از خاندان من است و تو وعده داده بودی که خاندان صالح من هلاک نشوند . در عین حال ادب سخن گفتن با خدا را رعایت می کند و می گوید : تو بهترین داوران هستی ، یعنی هر چه تو حکم کنی ، من تسلیم آن خواهم بود . در پاسخ نوح از سوی خداوند خطاب شد که ای نوح ، پس تو از خاندان تو نیستی . . خداوند می فرماید : چیزی را که به آن علم نداری از من مخواه من تو را موعظه می کنم مبادا از جاهلان باشی . از آیه چنین فهمیده می شود که نوح از کفر باطنی پسرش بی اطلاع بوده و او را مومن می دانست و لذا اصرار داشت که او نجات پیدا کند و در اینجا خداوند نوح را راهنمایی می کند که آنچه را به آن آگاه نیستی از من مخواه . نوح با همان ادب توحیدی که داشت در پاسخ عرض کرد که پرودگارا به تو پناه می برم از اینکه چیزی را که به آن آگاهی ندارم ، از تو بخواهم . البته طبق این آیات نوح صراحتاً از خدا نخواستہ بود که پسرش را نجات بدهد ، بلکه فقط عرض حال کرده بود که پسر من از خاندان من است و اینکه خداوند او را از چنین درخواستی نهی می کند ، عنوان پیشگیری دارد و خدا می خواهد که او چنین درخواستی نکند . نوح با گفتن این سخن ، راهنمایی و موعظه خداوند را به گوش جان می شنود و از اینکه غفلتی رخ داده از درگاه خدا معذرت می خواهد و از آن به عنوان یک گناه توبه می کند و می گوید : اگر تو مرا نیامرزی و رحم نکنی من از زیانکاران خواهم بود .^۱

نوح از زیانکاران نیست زیرا اولاً جمله شرطیه است و نوح می گوید : پرودگارا اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی من از زیانکاران هستم .

^۱ تفسیر کوثر ، ج ۵ ، ص ۲۴۲

ثانیا نهی خداوند ، نهی قبل از عمل است نه بعد از عمل . همان طور که علامه در توضیح آیه شریفه می نویسد : «نهی از عملی مستلزم این نیست که مخاطب به نهی ، آن عمل را قبلا مرتکب شده باشد.»^۱ پس نوح عملی انجام نداده که به خاطر آن زیانکار شود و در حقیقت عنایت الهی مانع زیانکاری وی شد . پس نتیجه می گیریم که اگر کسی درخواست از روی جهل از خداوند داشته باشد ، زیانکار است و از این کلام نوح همه باید درس بگیرند که در مقدرات الهی تکلم نکنند.^۲

نتیجه :

گرچه عوامل موثر در خسران بسیار زیاد مفصل است و آنچه فهرست شد شامل همه موارد نمی شود اما اساسی ترین عوامل مطرح شده است . آنچه اهمیت بیشتری دارد این است که آیا قرآن درمان و راه علاجی برای این عوامل معرفی کرده و در این رابطه به راهنمایی و دستگیری انسان پرداخته یا خیر که در بخش آینده مورد بحث قرار می گیرد .

(ب) راه های جلوگیری از خسران در بخش قبل با عوامل و اسباب خسران که از دست دادن سرمایه های وجودی انسان است ، آشنا شدیم .

^۱ تفسیر المیزان ، ج ۱۰ ، ص ۳۵۴

^۲ اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۷ ، ص ۶۲

قرآن کریم چنانکه عوامل خسران را بیان می کند ، برای جلوگیری از آن نیز راه حل هایی ارائه می کند . خسران برای حرکت در صراط مستقیم به سوی هدف نهایی خلقت مانعی بزرگ است . بنابراین ضروری می نماید به بررسی راه های جلوگیری از خسران پردازیم . در این بخش به بررسی راه های ارائه شده در قرآن برای این منظور ، اشاره می کنیم تا با توجه به آنها خود را از خسران و زیان رهایی دهیم و دچار آن نگردیم .

دوری از عوامل خسران که در بخش قبل گذشت سبب جلوگیری از خسران زدگی می شود. خداوند تبارک و تعالی راه های جلوگیری انسان از خسران را با بیانی کوتاه در سوره عصر بازگو نموده است . سوره مبارکه والعصر سیستم و نظام فکری و عملی ، اعتقادی و دنیوی و اخروی دین مبین اسلام یعنی طرحی برای اینکه فرد و جامعه انسانی چگونه باید باشد و آنچه که نباید باشد را بیان کرده است :

وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَّوْا بِالْحَقِّ ۖ وَ تَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ ۖ (عصر / ۱ تا ۳)

« سوگند به عصر (غلبه حق علیه باطل) ، که واقعا انسان دستخوش زیان است ، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند» .

خداوند متعال در این سوره به «عصر» سوگند یاد نموده که تمام افراد انسان در جمیع زمانها و مکانها در خسران و زیان خواهند بود ، مگر آنانکه شناخت ، معرفت ، بینش ، آگاهی و علمشان عمیق و اصولی باشد و اینکه تکامل در تعالی که خود حکمت وجودی انسان در نظام هستی می باشد ، باید بر اساس چهار پایه استوار باشد:

ایمان ، عمل صالح ، توصیه به حق ، سفارش به صبر . انسان پس از شناخت نفس خود در صورتی می تواند بر وفق تکامل و تعالی قرار گیرد که هر چهار اصل بیان شده را دارا باشد . اینک به توضیح تفسیری هر یک از آیات سوره ی عصر می پردازیم .

خداوند در این سوره پس از قسم به عصر که به نظر برخی مفسرین منظور دوره و عصر چيامبر و ظهور حق می باشد. می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» این آیه در حقیقت جواب سوگند است. در این آیه خداوند باچندین تاکید می خواهد مطلب مهمی را بیان کند. «إِنَّ» از حروف تاکید است، جمله اسمیه هم برای تاکید است و الف و لام در «الانسان» نیز برای تاکید است، لام مفتوحه در «لفی» هم برای تاکید است، و نکره آوردن «خسر» تاکید را می رساند. در تفسیر پرتوی از قرآن آمده است که: «الف و لام استغراق یا جنس الانسان و تاکیدات به إِنَّ و لام و ظرفیت و استیعاب «فی» و نکره آمدن «خسر» همه دلالت و اشعار به این واقعیت دارد که انسان به طبیعت خود، یکسر و سراپا غرق در زیان و زیانکاری بس عظیم و جبران نشدنی است.^۲»

مطلب مهمی که پس از این تاکید های پی در پی بیان می شود این است که: انسان حتما و حتما در خسران و زیانکاری است. انسانها چه بخواهند و چه نخواهند با گذشت عمر، سرمایه های وجودی خود را از دست می دهند و ساعات و ایام و ماهها و سالهای عمر را پشت سر گذاشته و نیروهای معنوی و مادیشان تحلیل رفته و توان و قدرتشان کاهش می یابد. انسان همانند کسی است که سرمایه عظیمی در اختیار داشته باشد و بی آنکه بخواهد، هر روز بخشی از آن سرمایه عمر و حیاتی که از دست می دهد.

«إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ ۖ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۖ»

در این آیه شریفه به چهار راه اساسی برای جلوگیری از خسران اشاره شده است، که در ذیل به توضیح آنها می پردازیم:

۱- ایمان آوردن

^۱ تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۸
^۲ پرتوی از قرآن، ج ۴ ربیال ص ۲۴۷

در آیه شریفه ایمان به عنوان اولین راه جلوگیری از خسران بیان شده است .
حضرت علی (ع) در تعریف ایمان می فرمایند : «ایمان بر شناخت با قلب ، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح استوار است»^۱. همچنین ایشان ارکان ایمان را صبر ، یقین ، عدل و جهاد ذکر می کنند .^۲
ایمان زیر بنای همه فعالیت های انسان را تشکیل می دهد چرا که تلاشهای عملی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می گیرد نه همچون حیوانات که حرکاتشان به خاطر انگیزه های غریزی است . از آن جا که در آیه شریفه برای ایمان متعلقی ذکر نشده است مفسرین منظور از ایمان را اعم از ایمان به خدا دانسته اند .

به عنوان مثال در تفسیر نمونه آمده است :
«مراد از ایمان ، ایمان به خدا و مراد از ایمان به خدا ایمان به همه رسولان او و مراد از ایمان به رسولان او اطاعت و پیروی ایشان است و نیز ایمان به روز جزاست هم چنان که قرآن در جای دیگر تصریح کرده به اینکه کسانی که به بعضی از رسولان خدا ایمان دادند و به بعضی ایمان ندادند مومن به خدا نیستند.»^۳

چنانکه گذشت کفر و شرک به خدا عامل خسران است . پی ایمان بر او از راه های جلوگیری از خسران می باشد که در آیات متعددی از قرآن به این مطلب اشاره شده است.^۴

همچنین کفر و تکذیب لقای الهی از مهم ترین اسباب خسران است ولی ایمان به آخرت و روز جزاء مانع از خسران است چنانکه خداوند متعال کسانی که یقین به آخرت دارند را از جمله متقین می شمارد (بقره/ ۲-۴) و برای آنها اجر عظیم در نظر می گیرد (نساء/ ۱۶۲) .

^۱ نهج البلاغه ، حکمت ۲۲۷

^۲ همان ، حکمت ۳۱

^۳ تفسیر المیزان ، ج ۲۰ ، ص ۶۱۱

^۴ به عنوان مثال : نساء/ ۱۵۲ و ۱۷۵ ، حدید/ ۱۹ و ۲۱ و ۲۸

از طرفی همان طور که تکذیب و ظلم و کفر به آیات الهی سبب خسران بود ایمان به آیات الهی سبب رستگاری می شود (اعراف/ ۱۵۶).

و در مقابل خاسران که شیطان را ولی و سرپرست خویش قرار دادند و حزب شیطان شدند مومنان خداوند را ولی خود می دانند و جزء حزب الهی هستند: (مائده / ۵۶).

ایمان باعث می شود که فرد مومن همواره به یاد خدا باشد و ذکر خدا سبب دوری از بسیاری از گناهان میشود، همانطور که غفلت از یاد خدا زمینه انجام بسیاری از گناهان را فراهم می کرد، لذا خداوند به مومنان دستور می دهد که بسیار به یاد خدا باشند (احزاب/ ۴۱) و بیان می کند که ذکر و یاد خداوند موجب رستگاری می شود (جمعه / ۱۰).

ایمان حقیقی به خداوند موجب حسن ظن به او است. مومنون حقیقی جز به خداوند امید ندارد و فقط به درگاه او دست نیاز بلند می کند. حسن ظن به خداوند در روایات جزء عبادات شمرده شده است، پیامبر اکرم می فرماید: خوش گمانی به خدا از عبادات نیکویی خداوند است.^۱

در بخش عوامل گذشت که اعمال زشت سبب سبکی میزان اعمال می شود و این باعث خسران است. امام علی (ع) بیان می کند که ایمان به خدا و پیامبر سبب سنگینی میزان عمل می شود. ایشان می فرمایند:

«به خدا ایمان داریم ایمان کسی که غیب ها را به چشم خود دیده و بر آنچه وعده داده اند آگاه است ایمانی که اخلاص آن، شرک را زدوده و یقین آن شک را نابود کرده است و گواهی می دهیم که خدایی نیست جز خدای یکتا نه شریکی دارد و نه همتایی و گواهی می دهیم که محمد بنده و فرستاده اوست که درود خدا بر او و خاندانش باد. این دو گواهی گفتار را بالا می برند و کردار و عمل را پیشگاه خدا می رسانند. ترازویی که این دو گواهی را در آن نهند سبک

^۱ نهج الفحاسة، ش ۲۴۱۶، ص ۴۹۱

نباشد و اگر بردارند با چیز دیگری سنگین نخواهد شد.^۱

پس ایمان به خدا و پیامبر موجب سنگینی میزان عمل می شود و خداوند بیان می کند که سنگینی میزان عمل سبب رستگاری است (مومنون / ۱۰۲).

۲- انجام اعمال شایسته

دومین راه جلوگیری از خسران که بلافاصله بعد از ایمان بیان شده است، انجام اعمال شایسته است. در موارد متعدد دیگری نیز انجام اعمال صالح پس از ایمان و بدون فاصله ذکر شده است^۲ که از پیوستگی ایمان و عمل صالح در اینگونه آیات می توان نتیجه گرفت که ایمان بدون عمل کافی نیست. کلمه «صالحات» در این آیات و آیه سوم سوره عصر به صورت عام و با «ال» آمده است. لذا در تفسیر نمونه آمده است:

«صالحات همان اعمال شایسته نه فقط عبادات؛ نه تنها انفاق فی سبیل الله، نه فقط جهاد در راه خدا، نه تنها کسب علم و دانش، بلکه هر کارت شایسته ای که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه ها شود. قرآن در این جا «صالحات» را مخصوصا به صورت جمع آورده، جمعی که با لف و لام همراه است و معنی عموم دارد و بیانگر این حقیقت است که راه جلوگیری از آن خسران طبیعی و قهری بعد از ایمان انجام همه اعمال صالحه است، نه تنها قناعت به یک یا چند عمل صالح، و به راستی اگر ایمان عمیقا در جان انسان جای گیرد چنین آثاری را از خود ظاهر می سازد.»^۳

علی (ع) نیز در فرمایشان خود به انجان اعمال نیکو سفارش می کند و می فرماید:

«مردم! عمل کنید، که عمل نیکو به سوی خدا بالا می رود و توبه سودمند است و دعا به اجابت می رسد و آرامش برقرار، و قلمهای فرشتگان در جریان است. به سوی اعمال نیکو بشتابید بیش از آنکه عمرتان

^۱ نهج البلاغه، خ ۱۱۴

^۲ به عنوان نمونه بقره/۲۵ و ۸۲، آل عمران/۵۷، نساء/۵۷

^۳ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۹۹

پایان پذیرد یا بیماری مانع شود و یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد.»^۱

۳- سفارش کردن به حق

ایمان و اعمال هرگز تداوم نمی یابد مگر اینکه حرکتی در اجتماع برای دعوت به سوی حق و شناخت و معرفت آن از یکسو، و دعوت به استقامت و صبر در طریق انجام این دعوت از سوی دیگر صورت پذیرد. به دنبال این دو اصل به دو اصل دیگر اشاره می فرماید، که در حقیقت ضامن اجرای دو اصل اساسی ایمان و عمل صالح است.

در اصل سوم به مساله توأسی به حق یعنی دعوت همگانی و عمومی به سوی حق اشاره می کند، تا همگان حق را از باطل به خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند، در مسیر زندگی از آن منحرف نگردند.^۲

«تواصوا» از جهت وزن «تفاعل» به تکثیر و از هر جانب بودن توصیه دلالت دارد.^۳

مرحوم راغب اصفهانی در مفردات در توضیح واژه «حق» می گوید:

«حق اصل مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است، مثل مطابقت پایه درب در حالی که در پاشنه خود با استواری و درستی می چرخد و می گردد.»^۴

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می فرمایند:

«تواصی به معنای سفارش کردن این به آن و آن به این است و تواصی به حق این است که یکدیگر را به حق سفارش کنند، سفارش کنند به اینکه از حق پیروی نموده و در راه حق استقامت و مداومت کنند، پس دین حق چیزی جز پیروی اعتقادی و عملی از حق و تواصی بر حق نیست.»^۵

^۱ نهج البلاغه، خ ۲۳۰

^۲ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۱

^۳ پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۲۴۷

^۴ مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۵۱۸

^۵ تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۱۱

یکی از مصادیق توأسی به حق ، امر به معروف و نهی از منکر است که در آیات متعددی از قرآن به آن اشاره شده است.^۱

توأسی به حق خود یکی از اعمال صالح است و با اینکه قبلاً عنوان کلی «عملوا الصالحات» را ذکر کرده بود چه نکته ای باعث شد که خصوص توأسی به حق را نام ببرد ؟

این از قبیل ذکر خاص بعد از عام است که در مواردی به کار می رود که گویند نسبت به خاص عنایت بیشتری داشته باشد . و شاهد بر اینکه خدای تعالی از میان اعمال صالح به توأسی به حق عنایت بیشتر داشته و بدین منظور خصوص آن را بعد از عموم اعمال صالح ذکر نموده این است که همین توأسی را در مورد صبر تکرار کرد و با اینکه می توانست بفرماید « توأصوا بالحق و بالصبر» در حالیکه فرمود و توأصوا بالحق و توأصوا بالصبر .^۲

چنانکه گذشت یکی از عوامل خسران از داشتن مردم از راه خدا بود . در مقابل آن در این آیه شریفه سفارش به حق را از موانع خسران ذکر می کند .
۴- سفارش کردن به صبر :

چهارمین راه جلوگیری از خسران که تکمیل کننده سه راه قبلی است ، سفارش به صبر و شکیبایی و استقامت است .

«صبر» را به خویشتن داری و در سختی و تنگی معنا کرده اند .^۳

لازمه احقاق حق و جانبداری از آن استقامت و صبر در برابر سختی ها و موانع است .
صبر در این جا معنی وسیع و گسترده ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می شود و هم صبر در برابر انگیزه های معصیت و هم صبر در برابر مصائب و ناگواری ها را .^۴ چنانکه در حدیثی از علی (ع) صبر

^۱ به عنوان نمونه آل عمران/۱۰۴ و ۱۱۰، اعراف/۱۹۹، لقمان/۱۷

^۲ تفسیر المیزان ، ج ۲۰ ، ص ۶۱۲

^۳ مفردات الفاظ قرآن ، ج ۲ ، ص ۳۷۱

^۴ تفسیر نمونه ، ج ۲۷ ، ص ۳۰۲

به سه دسته تقسیم شده است ، صبر بر معصیت ، صبر بر طاعت و صبر از ارتکاب معصیت .^۱ خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم مومنان را توصیه به صبر می کند از جمله ایشان را بر صبرشان تمجید می کند (رعد / ۲۴) و به ایشان وعده مغفرت می دهد (هود / ۹ تا ۱۱) .

در روایات و فرمایشات بزرگان دین نیز بر صبر تاکید و توجه بسیار شده است . از جمله علی (ع) می فرماید : بر شما باد به شکیبایی ، که شکیبایی ، ایمان را چون سراسر بردن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر ارزشی ندارد .^۲

و از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است : به هیچ کس روزی ای گسترده تر از شکیبایی نداده اند .^۳

۵- تزکیه نفس :

راه دیگری که در قرآن کریم برای جلوگیری از خسران بیان شده است تزکیه نفس است . خداوند متعال در سوره مبارکه شمس می فرماید :

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس/۱-۱۰)

سوگند به خورشید و تابندگی اش ، ۰۰۰ که هر کس آن را پاک گردانید قطعا رستگارشد، و هر که آلوده اش ساخت قطعا در باخت .

قسم نشان دهنده اهمیت مطلبی است که بیان می شود . در این سوره خداوند پس از چندین قسم و تاکید بیان می کند که تنها کسانی رستگارند که نفس خود را تزکیه کنند و در مقابل (همچنان که در بخش عوامل گذشت) پوشاندن نفس به سبب گناهان زیانکاری و خسران است .

در تفسیر انوار درخشان در توضیح آیه شریفه آمده است:

هر که در مقام تزکیه روح و روان خود برآید و هر لحظه به الهام غیبی گوش فرا دهد و از الهام به فجور عملی که از درون خود می شنود عبرت گیرد و اجتناب نماید و بر حسب الهام غیبی به اعمال صالحه

^۱ اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۹۱

^۲ نهج البلاغه ، ج ۸۲

^۳ نهج الفصاحه ، ش ۲۳۲۷ ، ص ۴۶۹

اقدام نماید آن گاه مژده سعادت و شعار عبودیت خود را نیز ضمن الهام غیبی می شنود و رستگاری خود را به طور شهود می یابد .

فطرت خداشناسی که نهفته در روح انسان است اقتضاء ذاتی آن شنیدن الهامات و سروشهای غیبی فجور و تقوی و خیر و شر و صالح و فساد است. آیه ، فلاح و رستگاری را که غرض و منهی حرکت جوهری انسانی است را بر تزکیه روح و پاکیزگی آن از فجور و فسق و انحراف نهاده است .^۱

گفته شده است در زبان فارسی لفظ واحدی که دقیقاً معنای تزکیه را برساند نداریم و برای بیان معنای دقیق این واژه باید مفاهیم «شکوفایی استعدادها ، باغلندگی و رشد کامل یافتن را در کنار هم قرار داد»^۲

در علم اخلاق برای تزکیه نفس مراحل متعددی را بیان کرده اند . این مراحل به ترتیب عبارتند از :

1) تخلیه : از بین بردن زنگارها ، رسوبات شرک ، ریا و نفاق از اندیشه خویش.

2) تجلیه : جلا دادن و زینت دادن نفس به وسیله اعمال عبادی .

3) تحلیه : روان ساختن جویبار هدایت به قلب و اندیشه و جذب فضیلت ها و آراسته شدن به اخلاق

الله .^۳

۶- هدایت ویژه الهی :

اگرچه اعمال صالح و تزکیه نفس در جلوگیری از خسران و زیان انسان نقش مهمی دارند و سبب هدایت انسان به هدف نهایی خلقت می شود اما این ها وقتی مفیدند که با هدایت ویژه الهی توأم باشند . هدایت ویژه ای که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است:

^۱ انوار درخشان ، ج ۱۸ ، ص ۱۶۴
^۲ به سوی او ، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ، قم ، ۱۳۸۲ ش ، چاپ اول ، محمد تقی مصباح یزدی ، ص ۲۲
^۳ تربیت روش ها ، اخلاق ، طراحان نشر، بی جا ۱۳۷۸ ش، اول، علی فایضی، ص ۱۶۸

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (اعراف / ۱۷۸)

«هر که را خدا هدایت کند ، او راه یافته است ، و کسانی را که گمراه نماید ، آنان خود زیانکارانند»

حضرت علامه طباطبایی می فرماید :
«مفاد آیه این است که صرف راه یافتن به چیزی نافع نیست و اثر راه یافتن را ندارد مگر وقتی که هدایت خدای سبحان با آن توأم باشد و این هدایت است که موجب کمال راه یافتن گشته و با آن سعادت آدمی حتمی می شود .»^۱

۷- تسلیم در برابر خداوند

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران/ ۸۵)

و هر که جز اسلام ، دینی [دیگر] جوید ، هرگز از وی پذیرفته نشود ، و وی در آخرت از زیانکاران است .
نتیجه گیری فصل :

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم راه های متعددی برای جلوگیری از خسران و زیان ارائه کرده است که اهم آن در سوره مبارکه «عصر» بیان شده است

در این سوره اگر چه خداوند ابتداء بیان می کند که تمام انسانها در زیان و خسران هستند اما ایمان آورندگان ، انجام دهندگان عمل صالح و سفارش کنندگان به حق و صبر را استثناء می کند .
هم چنین به آیات دیگری از قرآن مجید تزکیه نفس و هدایت ویژه الهی را می توان از دیگر موانع خسران بیان کرد .

بخش سوم : آثار و نتایج خسران

بی شک خسران آثار و تبعاتی به همراه دارد و انسان خسارت زده ، هم در دنیا و هم در آخرت با نتایج و تبعات خسران روبه رو خواهد بود . در این قسمت به آثار و نتایج خسران در دنیا و آخرت می پردازیم :

الف) آثار خسران در دنیا :

انسان خاسر و زیانکار در دنیا با آثار و تبعاتی روبه رو می گردد که عبارتند از :

^۱ تفسیر المیزان ، ج ۸ ، ص ۴۳۶

۱- حسرت کشیدن و مغلوب شدن

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ
فِيَرُكِّمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (انفال / ۳۶ و ۳۷) .

« بی گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا باز دارند . پس به زودی [همه] آنها را خرج می کنند و آنگاه حسرتی بر آنها خواهد گشت پس مغلوب می شوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد ۰۰۰ اینان همان زیانکارانند» .

«حسرت» از ماده «حسر» به معنی کشف و انکشاف است . حسرت به معنی اندوه و غم خوردن بر آنچه از دست رفته است می باشد : گویی نادانی و جهالتی که بر انجام عمل زشت و ادا رایش کرده بود از بین رفته یا نیرویش از فرط غصه تباه شده ، و یا از یافتن چیز مفقود خسته شده است .^۱

عبارت «تكون عليهم حسرة ثم يغلبون» اشاره به یکی از نتایج دنیوی خسران دارد . این آیه بیان می کند کسانی که مال خود را انفاق می کنند تا مردمان را از راه خدای تعالی باز دارند ، اینان تمام اموال خود را خرج می کنند و به مقصود خود نمی رسند در نتیجه برایشان چیزی جز حسرت از دادن مال و به مقصود نرسیدن باقی نمی ماند و سپس شکست می خورند . یعنی آن خرج مایه پریشانی و غم برای ایشان می شود .^۲

مشرکان هزینه های سنگینی برای مقابله با اسلام در جنگهای مختلف متحمل شدند ولی هر بار از مسلمانان شکست خوردند و پیروزی با مسلمانان بود ، تا اینکه در سال هشتم هجری مکه به دست مسلمانان فتح شد و مرکزیت آنها از بین رفت و چیزی جز حسرت و اندوه و

^۱ از مفاهیم قرآن برای همه ، ص ۸۷

^۲ حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر ، بلاغی سید عبدالحجت ، انتشارات حکمت ، قم ، ۱۳۸۶ ق ، چاپ اول ، ج ۳ ، ص ۴۲

شکست و خواری نصیب آنها نشد، تازه این سرنوشت آنها در این دنیا بود.^۱

این افراد علاوه بر خسران در دنیا دچار خسران اخروی هم می شوند که دو قسمت مربوط به آن پرداخته خواهد شد.

بانوی اصفهانی در بیان منظور از مغلوب شدن می نویسد: «بالاخره در روز بدر یا در جنگ احد مغلوب گردیدند.»^۲

از حضرت علی (ع) پرسیده شد: حسرت چیست؟ فرمود: کسی که (روز قیامت) مال و ثروتش را در ترازو و میزان دیگری مشاهده کند و خداوند او را به خاطر آن به آتش داخل کند (زیرا از راه حرام به دست آورده) و دیگری را (وارثش را) به بهشت داخل کند (زیرا او آن مال را در راه خدا مصرف کرده است). و پیامبر اسلام می فرماید: شدیدترین ندامت و افسوس روز قیامت از آن کسی است که آخرت خودش را برای دنیای دیگران فروخته است. (یعنی برای رسیدن دیگران به ظواهر دنیوی به نافرمانی خدا پرداخته است). اموال و انصار طاغوتها و نوکران حلقه به گوش استکبار در زمره این افراد هستند.^۳

حضرت علی (ع) در توضیح آیه شریفه می فرمایند: «و خداوند در کتاب کریم خود می فرماید: و بیابند آنچه را به جای آورند حاضر و پروردگار تو با احدی ظلم نخواهد کرد، ای مردم در این آن و در این آن خود را دریابید قبل از ندامت و پشیمانی، پیش از آنکه نفس بگویند و حسرت برد بر آنچه تقصیر و کوتاهی نموده در مقام فرمانبرداری خدا، و احسرتا بر من که تقصیر کردم و بودم از مسخره کنندگان یا آنکه بگویند اگر خدا مرا هدایت می کرد من از پرهیزگاران بودم یا آنکه بگویند هنگامی که عذاب را ببینند اگر مرا باز گردانند به دنیا من نیکوکار خواهم شد پس خداوند جلیل او را جواب گویند: بلی آیات ما به سوی تو آمد اما تو تکذیب کردی و تکبر نمودی و به آن آیات کافر شدی، به خدا قسم

^۱ تفسیر کوثر، ج ۴، ص ۳۶۵

^۲ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۵، ص ۳۸۳

^۳ از مفاهیم قرآن، ص ۸۸

نمی خواهد بازگشت به دنیا را مگر برای اینکه کردار نیک به جای آورد و در بندگی برای خدا احدی را شریک نیاورد»^۱.

(۲) حبط اعمال:

...أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (توبه / ۶۹)

« ۰۰۰ آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند ».

حبط به معنای محو شدن آثار و پاداش عمل است^۲. چون شرط قبولی اعمال این است که با نیت و شرایط صحیح انجام شود، در غیر این صورت آن عمل قبول نمی شود.

از نظر متکلمین حبط عبارت است از باطل شدن اعمال حسنه انسان به این معنا که آن اثر و فائده ای که از آن اعمال مورد توقع است بر آن مترتب نمی شود.

۳

حبط اعمال شامل تمام امور مادی و معنوی می شود. امور مادی مانند اموال و اسم و رسم و امور معنوی مثل طاعات و عبادات^۴.

در این آیه حبط اعمال را مربوط به دنیا و آخرت می داند. در این که منظور از حبط اعمال در دنیا چیست نظرات متفاوتی وجود دارد:

برخی منظور از حبط عمل در دنیا را این دانسته اند که در مقابل آن عمل ستایش نمی شوند. برخی دیگر گفته اند منظور آن است که آن اعمال بر ذایشان عزت و سعادت به بار نمی آورد^۵.

عده ای نیز گفته اند که مقصود این است که مال و اولاد به ایشان وفا نکرد.

۷

^۱ نهج الخطابة، کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۷۴ش، چاپ دوم، علم الهدی خراسانی، ج ۲، ص ۲۳۳

^۲ تفسیر نمونه، ج ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۰۷

^۳ بحار الانوار، ترجمه ج ۶۷ و ۶۸، کتابخانه مسجد ولی عصر تهران، بی تا، اول، سید ابوالحسن موسوی همدانی، ج ۲، ص ۲۰۷

^۴ تفسیر روشن، ج ۱۰، ص ۱۸۸

^۵ التفسیر القرانی للقرآن، بی تا، بی جا، بی تا، خطیب عبدالکریم، ج ۵، ص ۸۴۰

^۶ تفسیر احسن الحدیث، ج ۴، ص ۲۶۸

^۷ تفسیر اثنا عشری، ج ۵، ص ۱۴۱

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (مائده / ۵۳)

« و کسانی که ایمان آورده اند می گویند آیا اینان بودند که به خداوند سوگندهای سخت می خورند که جدا با شما هستند؟ اعمالشان تباه شد و زیانکار گردیدند» .

در این آیه اگر چه مانند آیه قبل تعبیر «فی الدنيا و الآخرة» نیامده است ولی اغلب مفسرین بر این اعتقادند که منظور از حبط در این آیه اعم از دنیا و آخرت است و بیان می کنند آنها در هر دو دنیا خاسر هستند .^۱
۳- ندامت و پشیمانی:

خاسران پس از گناهان خود از اعمال خود پشیمان می شوند می شوند چنان که خداوند در بیان داستان هابیل و قابیل ندامت و پشیمانی قابیل را نقل می کند:

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ (مائده / ۳۰ و ۳۱)

پس نفس [اماره] اش او را به قتل برادرش ترغیب کرد و وی را کشت و از زیانکاران شد. پس خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می کاوید تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند. [قابیل] گفت: وای بر من آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟ پس از زمره پشیمانان گردید.
۴- نازل شدن عذاب الهی:

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (طلاق / ۸ و ۹)

^۱ تفسیر بحر العلوم ، بی نا ، بی تا ، بی جا ، سمزقندی نصر بن محمد بن احمد ، ج ۱ ، ص ۳۹۸ ؛ تبیین القرآن ، دارالعلوم ، بیروت ، ۱۴۲۳ ق ، حسنی شیرازی ، سید محمد ، تفسیر جوامع الجامع ، ج ۲ ، ص ۸۸ ؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۷ ، ص ۷۵

« و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبران سر پیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند و پایان کارشان زیان بود». برخی عبارت «عذبنها عذابا نکرا» را اشاره به عذاب دنیوی گرفته اند و استناد کرده اند به اینکه در آیه بعد می فرماید که آنها وبال کارشان (سرپیچی از اوامر الهی) را چشیدند. ابو حفص نسفی نیز منظور از عذاب را عذاب هولناک دنیوی می داند.^۲

خلاصه آنکه آیه شریفه بیان می کند کسانی که سرمایه های خدادادی را از دست دادند و در بازار دنیا توشه ای برای خود فراهم نکردند زیانکارند و با عذاب الهی نابود می شوند .

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (نمل / ۵)

«آنان کسانی اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود و در آخرت خود زیانکارترین [نردم] اند». علامه سید محمد حسین طباطبایی منظور از عذاب در آیه شریفه را اعم از عذاب دنیوی و اخروی می داند.^۳

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ وَإِ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ تَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ (يونس / ۴۵ و ۴۶)

« قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به حقیقت] راه نیافتند و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو بنماییم یا تو را بمرانیم [در هر دو صورت] بازگشتشان به سوی ماست . پس خدا بر آنچه می کنند گواه است». این آیه هم اشاره به نازل شدن عذاب در دنیا برای خاسران دارد ، و به پیامبر گفته می شود که مطمئن باش که یا مقداری از عذاب آنها را در دنیا به تو نشان می دهیم یا تمام عذاب خود را بعد از وفات تو

^۱ تفسیر نمونه، ج، ص ۲۵۵

^۲ تفسیر نسفی ، انتشارات سروش ، ۱۳۶۷ ش ، تهران ، چاپ سوم ، سنفی ابوحفص نجم الدین محمد ، ج ۲ ، ص ۱۰۷۰

^۳ تفسیرالمیزان ، ج ۱۵ ، ص ۵۲۳

بازگشت آنها به سوی ما در عالم آخرت نشان می دهیم و آنها را به سزای اعمالشان می رسانیم .
قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا... مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (نوح / ۲۱ - ۲۵)

« نوح گفت : «پرودگارا آنان نافرمانی من کردند و کسی را پیروی نمودند که مال و فرزندش جز بر زیان وی نیفزود ۰۰۰ تا به سبب گناهانشان غرقه گشتند و [پس از مرگ] در آتشی درآورده شدند و برای خود در برابر خدا یارانی نیافتند . در این آیه به یکی از مصداق های عذاب دنیوی خاسران اشاره کرده و آن غرق شدن آنها در آب است .»

حتی خداوند متعال بیان می کند خاسران در رسیدن و مشاهده عذاب الهی تعجیل می کنند : وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا

أَجَلٌ مُّسَمًّى لِّجَاءِهِمُ الْعَذَابُ وَلِيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (عنكبوت / ۵۳)

« و از تو به شتاب درخواست عذاب [الهی را] دارند، و اگر سرآمدی معین نبود، قطعاً عذاب به آنان می رسد و بی آنکه خبردار شوند غافلگیرشان می کرد.»

در تفسیر نمونه در توضیح آیه شریفه آمده است :
«آنها در مورد عذاب ، عجله می کنند و با سرعت ان را از تو می طلبند ، آنها می گویند اگر عذاب الهی حق است و دامن کفار را می گیرد پس چرا به سراغ ما نمی آید ؟»

قرآن در پاسخ این سخن سه جواب می دهد؛ نخست می گوید: اگر موعد مقرری تعیین نشده بود عذاب الهی فوراً به سراغشان می آمد. دیگر اینکه آنها چه اطمینانی دارند که هر لحظه عذاب الهی دامنشان را بگیرد چرا که این عذاب ناگهانی و بدون مقدمه و در حالی که آنها نمی دانند و توجه ندارند به سراغشان می آید. پاسخ سوم آن است که اگر عذاب دنیا به تاخیر بیفتد عذاب آخرت صد در صد قطعی است.^۱

در آیه ای دیگر خطاب به ایشان می فرماید:

فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (غافر / ، ۷۸)

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۲۲، [با تلخیص]

« پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می شود و آنجاست که باطل کاران زیان می کنند». در این آیه با لحنی جدی و تهدید آمیز به کسانی که می گفتند اگر راست می گویی چرا عذاب الهی به سراغ ما نمی آید هشدار می دهد که هنگامی که فرمان الهی برای مجازات این منکران لجوج صادر شود در میان آنها به حق داوری خواهد شد و پیروان باطل در آن هنگام زیان خواهند کرد.^۱

۵- گرفتار همنشین بد شدن در دنیا:
وَ قِضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَرَيْنَا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (فصلت / ۲۵)

« و برای آنان دمسازانی گذاشتیم و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در میان امتهایی از جن و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند بر ایشان واجب آمده چرا که آنان زیانکاران بودند». در این آیه به یکی از مجازاتهای خاسرین در دنیا اشاره کرده که برای آنها دوستان و همنشینان بداندیش و زشت سیرت قرار دادیم که آنچه را که جلوی رویشان و پشتشان بود زینت دادند.^۲ مرحوم علامه طباطبایی در توضیح آیه شریفه می نویسد:

«کفار استعداد این را داشتند که ایمان بیاورند و خداوند قرین هایی بر ایشان بگمارد که آنها را هدایت کند ولی چون کفر ورزیدند پس خداوند به جای آن قرین ها، قرین هایی دیگر از شیطان قرار داد تا ملازم آنها شود و مجازات کفر و فسوقشان».^۳

(ب) آثار خسران در آخرت:
آثار و نتایج خسران در اغلب موارد در قیامت است. یعنی اغلب افرادی که دچار خسران شده اند نتیجه اعمالشان را در قیامت می بینند و قیامت روز ظهور نتایج خسران است.

^۱ تفسیر نمونه، ج، ص ۱۸۱

^۲ تفسیر نمونه، ج، ص ۲۶۰

^۳ تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۵۸۴

برخی از آیاتی که نشان دهنده این است که قیامت روز ظهور نتایج خسران است عبارتند از :
لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (هود / ۲۲) شک نیست که آنان در آخرت زیانکارترند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَ هُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (نمل / ۵) آنان کسانی اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود و در آخرت خود زیانکارترین [مردم] اند .
عبارت «فی الاخرة» نشان دهنده این است که نتایج خسران در اغلب موارد در قیامت است .
این گروه [خاسران] در جهان دیگر به طور حتم ضرر و زیان خود را بیشتر و به غیر قیاس مشاهده خواهند نمود . زیرا ضرر آنان در این جهان تدریجی و قابل تدارک و جبران پذیر است و هنگام مرگ نیز آغاز ظهور سیرت نکبت بار آنان خواهد بود ولی در صحنه قیامت که به نهایت ظهور رسیده و سرایر اندیشه و اعمال آنان ظهور نموده عقوبت آنان به نصاب رسیده ، همیشگی خواهد بود .^۱
در این بخش به بررسی آثار اخروی خسران می پردازیم :

1) ورود به جهنم

قال نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَ اتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَ وُلْدُهُ إِلَّا خَسَارًا... فَأَدْخِلُونَا نَارًا (نوح / ۲۱ - ۲۵)

« نوح گفت : «پروردگارا ، آنان نافرمانی من کرده اند و کسی را پیروی نموده اند که مال و فرزندش جز برزیان وی نیفزود ۰۰۰ [پس از مرگ] در آتشی در آورده شدند ۰۰۰»

در مورد نحوه ورود ایشان به جهنم خداوند متعال می فرماید : لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ يَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (انفال / ۳۷) .

« تا خدا ، ناپاک را از پاک جدا کند و ناپاک ها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند آنگاه در جهنم قرار دهد . اینان همان زیان کارانند» .

^۱تفسیر انوار درخشان ، ج ۸ ، ص ۳۷۳

«رکم» به معنی جمع کردن و قرار دادن چیزی است بر روی چیز دیگر. خاسران به سوی جهنم رهسپار می شوند تا خداوند پلید را از ناپاک جدا کند. بعد از آن ناپاک ها را روی هم انباشته می کند و همگی را یکجا در جهنم می اندازد.^۲

(2) عذاب شدید:

خاسران در قیامت عذابی دردناک را تجربه می کنند. خداوند متعال می فرماید:

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا (طلاق/ ۹ و ۱۰)

«تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند و پایان کارشان زیان بود. خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است.»

برخی از مفسرین منظور از عذاب شدید را عذاب اخروی دانسته اند. چنان که در آیه دیگر از این عذاب شدید به عذاب سوء تعبیر می کند:

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسُونَ (نمل/ ۵)

«آنان کسانی اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود و در آخرت خود زیانکارترین [مردم] اند.»
مرحوم طبرسی مقصود از سوء عذاب را عذاب دردناک اخروی می داند. خداوند متعال بیان می کند عذاب در قیامت خاسران را کاملاً در بر می گیرد و می فرماید:

...أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ

عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (زمر/ ۱۵ و ۱۶)

«... آری، این همان خسران آشکار است. آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان [نیز] طبق هایی [آتشین است] این [کیفری] است که خدا بندگان را به آن بیم می دهد، ای بندگان من از من بترسید.»

^۱ تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۹۷

^۲ تفسیر کوثر، ج ۴، ص ۳۶۲

^۳ تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۱۹؛ تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۵۴

^۴ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۷۹

«ظله» به معنای ساتر در بالای سر است و مراد از این آیه که می فرماید: خاسرین، ساتری از آتش در بالای سر و ساتری دیگر در زیر پا دارند این است که آتش از همه جهات به ایشان احاطه دارد. ذر این آیه شریفه خداوند وضعیت خاسران در قیامت را این گونه ترسیم می کند که آتش از جمیع اطراف آنها را احاطه کرده و آنها در وسط آتش می سوزند و خدا بندگان را از چنین روزی می ترساند.

در تفسیر نمونه در توضیح آیه شریفه آمده است: «این عذاب در حقیقت تجسمی از حالات دنیای آنهاست که جهل و کفر و ظلم به تمام وجودشان احاطه کرده بود و از هر سو آنها را می پوشانید.» ذر مورد دیگر خداوند از احاطه جهنم نسبت به کافرین سخن می گوید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ... يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (عنكبوت/ ۵۲ تا ۵۴).

« و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده اند همان زیانکارانند... و وشتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد.»

3) خلود در جهنم:

در آیات متعددی از قرآن کریم عاقبت کار خاسران خلود در جهنم دانسته شده است که برای نمونه به تعدادی از آنها اشاره می شود:

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (مؤمنون / ۱۰۳)

« و کسانی که کفر میزان [اعمال] شان سبک باشد، آنان به خویشتن ضرر زده [و] همیشه در جهنم می مانند.»

آنها که بر اثر نداشتن ایمان و عمل صالح میزان اعمالشان سبک (یا بی وزن) است کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده و زیان کردند و

^۱ تفسیر المیزان ، ج ۱۷ ، ص ۲۶۴

^۲ برگزیده تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ش، چاپ سیزدهم، بابایی احمد علی، چاپ سیزدهم، ج ۴، ص ۲۷۷

در جهنم جاودانه خواهند بود. تعبیر بر «خسروا انفسهم» (جان و سرمایه وجودشان را زیان کرده اند) اشاره لطیفی است به این واقعیت که آنها بزرگترین سرمایه یعنی هستی خویش را در این بازار تجارت دنیا از دست دادند بی آنکه در برابر آن چیز ارزشمندی به دست آورند.^۱

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا... أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (نساء / ۱۱۹-۱۲۱)

«هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است... آنان جایگاهشان جهنم است و از آن راه گریزی ندارند». محیص به معنای گریزگاه و راه فرار است. خاسران جایگاهشان جهنم است و از آن هیچ راه فراری ندارند و برای همیشه در آن می مانند. تمام درها بر روی آنها بسته می شود؛ درب مغفرت، درب رحمت، درب شفاعت، دربهای بهشت، درب سعادت و رستگاری و سایر دربهای خیر.^۳

وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری / ۴۵)

«و کسانی که گرویده اند می گویند: در حقیقت زیانکاران کسانی اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده اند». آری ستمکاران در عذابی پایدارند».

مقیم یعنی امر دائمی که پایانی ندارد.^۴

4) خوار و ذلیل بودن در آتش جهنم

قرآن بیان می کند خاسران در قیامت با حالت خفت و خواری در جهنم باقی خواهند ماند:

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری / ۴۵)

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۲۹

^۲ کشف الاسرار و عدة الابرار، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش،

رشید الدین میبدی احمد بن ابی سعد، ج ۲، ص ۷۰۰

^۳ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۱۴

^۴ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۴

«آنان را می بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می شوند از [شدت] زبونی، فروتن شده اند زیر چشمی می نگرند و کسانی که گرویده اند می گویند: در حقیقت زیانکاران کسانی اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده اند. آری ستمکاران در عذابی پایدارند.»

«خاشعین من الذل» یعنی به خاطر ذلت و خواری که به آنها رسیده فروتن و حقیر شده اند و به خشوع افتاده اند ولی خشوع ناشی از ذلت فایده ای ندارد، بر خلاف خشوع ناشی از حب که هر وقت که پدید آید نافع و مفید است.^۱

«طرف» به معنای چشم یا حرکت پلکهای آن است. پس اگر به معنای چشم باشد (در واقع) شامل نگاه کردن مخفی است و اگر به معنای حرکت پلکها باشد شامل نگاه کردن ناشی از حرکت پنهانی پلکها است و مقصود این است که آنها از شدت خوف و وحشت نمی توانند نظر کامل به آتش بیندازند.^۲

هنگامی که ظالمین بر آتش عرضه می شوند در حالی هستند که از ذلت و زبونی فروتن شده اند و یا به عبارت دیگر پست و حقیر شده اند، حالت وحشت و اضطراب شدیدی بر تمام وجودشان حاکم است و ذلت و تسلیم سر تا پای آنها را فرا گرفته و دیگر خبری از آن همه گردنکشی نیست و زیر چشمی به آتش دوزخ می نگرند.

(5) فریادهای آنها را پاسخی نیست:

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَأَيْتُمْ أَنَّى تُصْبِحُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا لَهُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ (فصلت / ۲۳-۲۴).

« و همین بود گمانتان که درباره پروردگارتان بردید شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید. پس اگر شکیبایی نمایند جایشان در آتش است و اگر از در پوزش درآیند مورد اجابت قرار نمی گیرند.»

صبر بر دو قسمت است: «صبر از روی اختیار بسیار ممدوح است مثل صبر در بلیات که ناشکری نکند و

^۱ تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۱۳، ص ۸۶
^۲ همان

صبر بر مشقت عبادت و بر ترک معاصی و صبر از روی اضطراب مثل کسانی که در حبس و زندان و شکنجه می باشند. صبر نکنند چه کنند؟! و همین نحوه است صبر اهل جهنم در جهنم.^۱

در مجمع البیان آمده است که منظور از این صبر آن است که سکوت کنند و شکایت ننمایند... و تقدیر آیه چنین است: اینان اگر صبر کنند و ساکت بمانند یا آنکه ناراحتی کنند به هر حال جایگاهشان آتش است.^۲

نتیجه که خاسران چه بر عذاب صبر کنند و چه جزع و فریاد کنند نتیجه ای ندارد و فریادهای آنها را پاسخی نیست و اگر طلب رضایت و خشنودی از خداوند بکنند هم قبول نمی شود.

چنان که در جای دیگر می فرماید: «به آن در آید خواه بشکاید یا نشکاید به حال شما یکسان است». (طور / ۱۶)

6) بر دوش کشیدن بار سنگین گناهان:

گناهان خاسران در قیامت وزر و وبالی خواهد بود بر ایشان که همواره با آنها ملازم است. قرآن در توصیف ایشان می فرماید:

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَ

هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ (انعام / ۳۱)

«کسانی که لقاء الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان دیدند. تا آنگاه که قیامت به ناگاه بر آنان در رسد، می گویند: ای دریغ بر ما آنچه در باره آن کوتاهی کردیم. و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می کشند. چه بد باری است که می کشند».

در توضیح آیه شریفه آورده اند:

«اساس شرک بر آن است که زندگی بشر منحصر به حیات دنیوی اوست و بشر به مرگ نابود می شود و اعمال و کردار نیک و بد او یکسان، و پاداش و کیفر نخواهد داشت».

^۱ اطیب البیان، ج ۱۱، ص ۴۲۷

^۲ ترجمه مجمع البیان، ج ۲۲، ص ۴۴

با این اندیشه پلید ناگهان مرگ فرا می رسد، به سیرت شرک و کفر خود آگاه می شوند. فریاد برآورند افسوس در پیرو حق و حقیقت برنیامده و از عواقب وخیم شرک و عقوبت روز قیامت بر حذر نبودیم.

در حالی که صورت نفسانی آنان بر شرک تیره و تباه گشته، جنایتها و اعمال قبیح آنان تجسم یافته مانند بارهای گران بر دوش نهاده سنگینی و مسئولیت آن را به عهده گرفته اند و هرگز از حسرت و عقوبت دردناک رهایی نخواهند یافت»^۱

بنابراین تکذیب روز قیامت وزر و وبال انسان می گردد و گناهان به صورت بار سنگینی است که گناهکار آن را به دوش می کشد. جرجانی در تفسیرش روایتی نقل می کند:

«چون مومن از گور برخیزد شخصی پیش او آید با صورتی زشت ناخوش. او را گوید: مرا می شناسی؟ گوید: نه جز آنکه خدای تعالی صورت تو را کریه آفریده است و بوی تو ناخوش است. گوید: من عمل بد توام، دیرست تا تو بر من نشسته ای، امروز من بر تو خواهم نشست. و این بر وجه تشبیه و توسع باشد برای آنکه گناه ماننده باشد به بار گران از آن جا که از او رنج و مشقت باشد صاحبش را و بار بر پشت کنند.»^۲

(7) دچار حسرت گردیدن:

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا

(انعام / ۳۱)

« کسانی که لقاء الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان دیدند. تا آن گاه که قیامت به ناگاه بر آنان در رسد می گویند: ای دریغ بر ما بر آنچه درباره آن کوتاهی کردیم.»

روز قیامت روز حسرت خاسران است روز افسوس خوردن است ولی دیگر این حسرت ها بی نتیجه است.^۳ چون عمل و کشت کردن به پایان رسیده و روز قیامت روز برداشت محصول است.

^۱ انوار درخشان، ج ۵، ص ۲۸۱

^۲ جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، ج ۳، ص ۵۰

^۳ تفسیر نور، ج ۳، ص ۲۳۸

زیانکاران وقتی در آن روز پرده ها از جلوی چشمانشان برداشته می شود و حقیقت را مشاهده می کنند افسوس می خورند که چرا پیرو حق و حقیقت نبودند و در آن روز از نعمت های بهشتی که نصیب مومنان می شود بی بهره هستند و نصیب آنها آتش سوزان جهنم است سپس فریاد و احسرتا بلند می کنند .

در وجه تفاوت ندامت و حسرت گفته اند :
«ندامت پشیمانیست از اعمال زشت و اخلاق ذیله و عقاید باطله و حسرت تاسف از فوت ایمان و عمل صالح و اخلاق حمیده است . به عبارت ساده حسرت از داست دادن منافع است و ندامت از ارتکاب مضار»^۱

۸- زشت و بد منظر شدن :

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحُوجُنَّ (مومنون / ۱۰۳ و ۱۰۴)

« و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد ، آنان به خویشتن زیان زده [و] تا همیشه در جهنم می مانند . آتش چهره آنان را می سوزاند و آنان در آن جا ترش رویند» .

«تلفح وجوه النار» را به این صورت معنی کرده اند : «آتش به صورتهای آنها ضربه می زند و آن را می سوزاند.»^۲

برخی نیز گفته اند شعله های آتش دوزخ آن چنان بر رخسار کفار اثر گذارده و هیات آن تغییر یافته ، پوست سر و چهره آنان سوخته و دندانهای آنان آشکار می شود .^۳

علامه طباطبایی نیز می فرماید :

«معنای آیه این است که لهیب و هرم آتش آن چنان به صورتهایشان می خورد که لبهایشان را می خشکاند به طوری که دندانهایشان نمایان می شود مانند سر گوسفندی که روی آتش گرفته باشند.»^۴

^۱ اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۵ ، ص ۴۹
^۲ تفسیر القرآن الکریم ، دارالبلاغه للطباعة ، بیروت ، ۱۴۱۲ ق ، چاپ اول ، بشیر سید عبد الله ، ص ۳۳۶
^۳ انوار درخشان ، ج ۱۱ ، ص ۳۱۲
^۴ تفسیر المیزان ، ج ۱۵ ، ص ۹۹

نتیجه آن که چهره خاسران در قیامت بر اثر شعله های آتش می سوزد و چهره ای وحشتناک و زشت پیدا می کنند و این عذاب نتیجه اعمال سوء و زشت و آلود آنها در دنیا است .

۹- درخواست شفاعت و بازگشت به دنیا :

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (اعراف / ۵۳)

« آیا [آنان] جز در انتظار تاویل آنند ؟ روزی که تاویلش فرا رسد ، کسانی که آن را از پیش از آن به فراموشی سپرده اند می گویند : «حقا فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند . پس آیا [امروز] ما را شفا عتگری هست که برای ما شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] باز گرده شویم تا غیر از آنچه انجام می دادیم انجام دهیم ؟» به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند و آنچه را به دروغ می ساختند از کف دادند .

وقتی حقیقت امر برای خاسران روشن شد ، وقتی می بینند که توشه ای از دنیا برای خود فراهم نیاورده اند و دستشان خالی است از خداوند درخواست می کنند که ما را به دنیا برگردانید تا این بار عمل صالح انجام دهیم . در تفسیر نمونه در توضیح این آیه شریفه آمده است :

«هنگامی که نتایج و سرانجام این وعده های الهی را مشاهده کنند ، کار از کار گذشته و راهی برای بازگشت باقی نمانده است . در آن هنگام آنها که کتاب خدا و برنامه های آسمانی او را به دست فراموشی سپرده اند اعتراف می کنند که فرستادگان پروردگار به حق مبعوث شده بودند و گفتار آنها نیز همه حق بود اما در این هنگام در وحشت و اظطراب فرو می روند و به فکر چاره جویی می افتند و می گویند : «آیا شفیعانی یافت میشود که برای ما شفاعت کنند ؟ و یا اگر شفیعانی برای ما در کار نیست و اصولاً شایسته شفاعت نیستیم آیا ممکن است به عقب باز گردیم و اعمالی غیر از آنچه

انجام دادیم انجام دهیم و تسلیم حق و حقیقت باشیم
« ولی افسوس این بیداری بسیار دیر است نه راه
برگشتی وجود دارد و نه شایستگی شفاعت دارند زیرا
آنها سرمایه های وجود خود را از دست دادند و
گرفتار خسران و زیانی شده اند که تمام وجود شان
را در بر می گیرد. »^۱

۱۰- نابود شدن خدایان و سخنان دروغین آنها
خداوند متعالی در آیاتی بیان می دارد که خاسران
در قیامت خدایان دروغینشان نابود می شود ، و
پشتوانه های ساختگی خود را از دست می دهند :
أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (هود / ۲۱)

اینانند که به خویشتن زیان زده و آنچه را به دروغ
برساخته بودند از دست دادند .
قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (اعراف / ۵۳)

» ۰۰۰ به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند و
آنچه را به دروغ می ساختند از کف دادند»
«ضل» به معنای گم شدن و مفغود شدن و از دست دادن
است .^۲ «ما كانوا يفترون» یعنی آن دروغ هایی که
ساخته بودند . سخنان باطلی که مردم را بدان فریب
داده بودند از میا رفت نه آن اندیشه های تباه
ماند و نه گول خوردگان ماندند .^۳
حضرت علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱ سوره هود می
فرمایند :

این آیه شریفه مشتمل بر دو نکته است : یکی اینکه
می فرماید : کفار نفس خود را خاسر کردند . دوم
اینکه می فرماید افترایی که یک عمر مرتکب آن شدند
در آخرت اثری از آن نمی یابند . اما خاسران آنان
دلیلش این است که آدمی مالک نیست مگر نفس خود را
که البته مالکیتش نسبت به نفس خودش استقلال نیست
بلکه به تملیک خدای تعالی است و وقتی آدمی چیزی
را برای نفس خود بخرد که مایه هلاکتش باشد و
سرمایه عمر و مال و هر چیز دیگر را بدهد و در
مقابل کفر و معصیت را بخرد در این معامله ضرر

^۱ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۹۶

^۲ اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۷ ، ص ۳۰

^۳ تفسیر هدایت ، ج ۵ ، ص ۳۳

کرده ۰۰۰ و اما ضلالت در لفتراپی که بستند علتش این است که عقاید خرافی که داشتند دروغ بود یعنی وهمی بود که در خارج واقعیت نداشت و در روز قیامت هر کسی می فهمد که حق مبین تنها خدای تعالی بوده و آنچه را حق می پنداشتند چیزی جز خیال نبوده است .^۱

۱۱-نهایت دوری از رحمت خداوند :

وَمَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ... رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا

فَأِنَّا ظَالِمُونَ قَالَ أَخْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (مومنون / ۱۰۳ تا ۱۰۸)

» و کسانی که کفر میزان [اعمال] شان سبک باشد آنان به خویشتن زیان زده ۰۰۰ پروردگارا ما را از این جا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم در ان صورت ستمگر خواهیم بود.»

مرحوم راغب اصفهانی در توضیح ماده «خسا» می نویسد : سگ را از روی اهانت چغ کردم رفت و در گوشه ای نشست.^۲ در این صورت در این آیه استعاره کنایه ای به کار رفته و مراد از این کلام زجر و جیغ کردن اهل جهنم و قطع کلام ایشان است.^۳

این فعل هر گاه در مورد انسانی گفته می شود به معنی پستی او و مستعق مجازات بودن است .^۴ مرحوم محمد حسین حسین همدانی در تفسیر انوار درخشان به زیبایی معنای آیه را چنین تفسیر می کند :

«ندائی شرف صدور یابد و از هر غضب و شعله آتشین سخت تر باشد و بشریت آنان نادیده گرفته می شود ؛ چست ترین درنده ای را که اساس رذالت و درندگی است معرفی نموده است هم چه فریادی که برای راندن درنده به کار می رود و دیگر به آنان عقاب می شود یخن نگوید و بدرخواست خود پایان دهید»^۵

استفاده از چنین جوابی نشانه دوری کامل انها از رحمت حق تعالی و غضب فوق العاده او بر خاسران است

^۱ تفسیر المیزان ، ج ۱۰ ، ص ۲۸۵

^۲ المفردات فی غریب القرآن ، ص ۲۸۳

^۳ ترجمه تفسیر المیزان ، ج ۱۵ ، ص ۱۰۱

^۴ تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ، ص ۳۳۹

^۵ انوار درخشان ، ج ۱۱ ، ص ۳۱۳

۱۲- حبط اعمال :

از جمله مهترین آثار اخروی خسران حبط اعمال است که در آیات متعددی به آن اشاره شده است :

أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (توبه / ۶۹)

«آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند.»

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده / ۵)

« و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.»

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (کهف / ۱۰۳)

« بگو : آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم ۰۰۰ [آری] آنان کسانی اند که آیات پرودگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آنها [قد و [ارزشی نخواهیم نهاد .

وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (زمر / ۶۵)

« و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است . اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد.»

قاموس قرآن حبط را بطلان و بی اثر شدن آن ترجمه می کند . زاغب می گوید : «اصل حبط از حبط است و آن این است که چهار پا علف بسیار خورد تا شکمش باد کند.»^۲ در تفسیر نور آمده است :

«حبط در لغت آن است که شکم حیوان به خاطر خوردن گیاه سمی باد کند و ان را در معرض مرگ قرار دهد که هر کس می بیند می پندارد حیوانی سالم و پر گوشت است در حالی که در آن شکم باد و خودش مسموم است . تباه شدن عمل انسان را نیز از این رو حبط

^۱ قاموس قرآن ، ج ۲ ، ص ۹۶

^۲ المفردات فی غریب القرآن ، ص ۲۱۶ ماده حبط

می گویند که آنان توسط گناهان مسموم و توخالی و در معرض نابودی قرار گرفته اند.^۱ «دفع شدن عذاب»^۲ ماده نرسانده به رحمت خدا^۳ متربت نشدن ثواب بر آنها^۴ تفسیر نموده اند.

حبط اعمال سبب سبک بودن میزان های عمل می شود چنانکه خداوند متعال می فرماید: وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (مومنون / ۱۰۳)

«و کسانی که کفر میزان [اعمال] شان سبک باشد آنان به خویشتن زیان زده اند».

سبکی میزان را به معنای بی ارزشی و اعتنا نکردن به آن دانسته اند. حبط اعمال سبب آن می شود که در قیامت هیچ میزانی برای اعمال خاسران بر پا نشود:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا.. أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ

لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (کهف / ۱۰۳ تا ۱۰۵)

«بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟... [آری،] آنان کسانی اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد».

عبارت «فلا نقيم لهم يوم القيامة وزنا» تفریعی است بر حبط اعمال زیرا سنجش و وزن در روز قیامت به سنگینی حسنات است به دلیل اینکه می فرماید:

«وَالْوِزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ» (اعراف / ۸ و ۹)

۱ تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۳۳

۲ التفسیر القرآنی للقرآن، خطیب عبد الکریم، ج ۵، ص ۸۴۰

۳ تفسیر احسن الحدیث، ج ۴، ص ۲۶۸

۴ تفسیر اثنی عشری، ج ۵، ص ۱۴۱

۵ تفسیر ابن عربی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق، اول، ابو عبدالله محیی الدین محمد ابن عربی، ج ۱، ص ۲۲۸

« و در آن روز، سنجش [اعمال] درست است. پس هر کس میزانهای [عمل] او گران باشد، آنان خود رستگارانند و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند، چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند».

و نیز به دلیل اینکه با حبط عمل دیگر سنگینی باقی نمی‌ماند و در نتیجه دیگر وزن معنا ندارد.^۱ خاسران چون عملی که قابل سنجش و ارزش باشد ندارند لذا روز قیامت وزن و میزانی برای آنان بر پا نخواهیم کرد چرا که توزین و سنجش مربوط به جایی است که چیزی بر بساط باشد، آنها که چیزی در بساط ندارند چگونه توزین و سنجش داشته باشند.^۲ نتیجه گیری فصل:

خسران دارای آثار منفی و ناشایست متعددی در زندگی دنیا و آخرت است.

لذ جمله آثار دنیوی خسران می‌توان به: حسرت کشیدن و مغلوب شدن، حبط اعمال، هدایت نیافتن و ایمان نیاوردن، ندامت و پشیمانی، نازل شدن عذاب الهی و گرفتار هم‌نشینان بد شدن را نام برد.

دامنه عواقب خسران به دنیا محدود نمی‌شود بلکه در آخرت نیز دامنگیر انسان می‌شود. بلکه اساساً روز قیامت هنگامه ظهور و بروز خسران است. آثاری همچون: ورود به جهنم، عذاب‌های شدید، خلود در جهنم، خوار و ذلیل بودن در آتش جهنم، بی‌نتیجه بودن فریادها، بر دوش کشیدن بار گناهان، حسرت، زشت و بد منظر شدن، درخواست شفاعت و بازگشت به دنیا، نابود شدن خدایان و سخنان دروغین، نهایت دوری از رحمت خدا و حبط اعمال را می‌توان از جمله آثار اخروی خسران دانست.

نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از مطالعات انجام شده به شرح ذیل می‌باشد:

1- همه انسانها در خسران و زیانکاری نیستند و خداوند در سوره عصر مومنانی که عمل صالح

۱ المیزان، ج ۱۳، ص ۵۴۸
۲ تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۶۲

- انجام می دهد و توأصی به حث و صبر می کنند
را استثناء می کند .
- 2- کافران ، مشرکان و تکذیب کنندگان آیات و
لقای الهی از مهم ترین مصادیق خسران هستند .
- 3- قرآن خاسران را این گونه معرفی می کند ، که
آنها کسانی هستند که نه تنها سرمایه وجودی
خویش را از دست داده اند بلکه به اهلشان هم
زیان و خسارت وارد کرده اند و از آن با
تعبیر «زیان آشکار» یاد می کند .
- 4- در قرآن عوامل بسیاری زیادی را برای خسران
بیان می کند ، مانند : کفر و شرک به خدا ،
ظلم کردن ، تکذیب و انکار آیات خدا و
پسامبران و لقای الهی و پوشاندن نفس با
گناهان و ...
- 5- سوره عصر با بیانی کوتاه ، بهترین راهکارها
برای جلوگیری از خسران زدگی ارائه می کند که
عبارتند از : ۱- ایمان آوردن ۲- عمل شایسته
انجام دادن ۳- سفارش به حق ۴- سفارش به صبر
- 6- از آثار خسران در دنیا می توان به حبط اعمال
، حسرت کشیدن و مغلوب شدن و نازل شدن عذاب
الهی و ... اشاره کرد .
- 7- از آثار اخروی خسران می توان به حبط اعمال ،
جایگاه جاودانه در جهنم ، آتش فراگیر که سر
تا پای آنها را فرا می گیرد ، بر دوش کشیدن
بار سنگین گناهان و حسرت کشیدن و زشت و بد
منظر بودن و ... اشاره کرد .

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن، ترجمه فولادوند محمد مهدی دار القرآن
الکریم تهران ۱۴۱۵ ق چاپ اول
- ۲- نهج البلاغه، انتشارات شاکر، قم، ۱۳۸۶
- ش، چهارم، (امیر المومنین علی علیه السلام) سید
رضی، ترجمه محمد دشتی

- ۳- اخلاق از دیدگاه قرآن و چهارده معصوم علیهم السلام راز توکل مشهد ۱۳۸۳ ش اول احمد امیری پور
- ۴- اخلاق در نهج البلاغه موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی بی جا ۱۳۷۶ ش اول سید کاظم ارفع
- ۵- ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن دار التعارف للمطبوعات بیروت ۱۴۱۹ ق اول سید محمود آلوسی
- ۶- از مفاهیم قرآن راه کمال بی جا ۱۳۸۵ ش دوم مصطفی اسرار
- ۷- اصول کافی اسوه قم ۱۳۷۵ ش سوم ترجمه کمره ای کتابفروشی علمیه اسلام تهران بی تا اول ترجمه مصطفوی
- ۸- اطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، تهران، ۱۳۸۷ ش دوم سید عبدالحسین طیب
- ۹- الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل مدرسه امام علی بن ابی طالب قم ۱۴۲۱ ق اول ناصر مکارم شیرازی
- ۱۰- ایمان و کفر ترجمه ایمان و کفر بحار الانوار انتشارات عطار تهران ۱۳۷۸ ش اول عزیز الله عطاردی
- ۱۱- بحار الانوار ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ کتابخانه مسجد ولی عصر تهران بی تا اول سید ابوالحسن موسوی همدانی
- ۱۲- بحرالمحیط فی التفسیر، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق، ابوحنان محمد بن یوسف اندلسی
- ۱۳- برگزیده تفسیر نمونه درالکتب الاسلامیه تهران ۱۳۸۲ ش سیزدهم احمد علی بابایی
- ۱۴- به سوی او موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قم ۱۳۸۲ ش اول محمد تقی مصباح یزدی
- ۱۵- تفسیر ابن عربی دار احیاء التراث العربی بیروت ۱۴۲۲ ق اول ابو عبدالله محیی الدین محمد ابن عربی
- ۱۶- تفسیر اثنا عشری میقات تهران ۱۳۶۳ ش اول حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی
- ۱۷- تفسیر احسن الحدیث بنیاد بعثت بی جا ۱۳۷۷ ش سوم سید علی اکبر قرشی

- ۱۸- تفسیر آسان اسلامیة تهران ۱۳۹۸ ق اول محمد جواد نجفی خمینی
- ۱۹- تفسیر انوار درخشان کتابفروشی لطفی تهران ۱۴۰۴ ق سید محمد حسین همدانی
- ۲۰- تفسیر بحرالعلوم بی نا بی جا بی تا نصر بن محمد بن احمد سمرقندی
- ۲۱- تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور تهران ۱۳۷۲ ش اول سلطان محمد گنابادی مترجم خانی رضا حشمت الله ریاضی
- ۲۲- تفسیر پرتوی از قرآن شرکت سهامی انتشار تهران ۱۳۶۲ ش چهارم سید محمود طالقانی
- ۲۳- التبیان فی تفسیر القرآن داراحیاء التراث العربی بیروت بی تا محمدبن حسن طوسی
- ۲۴- تبیین القرآن دار العلوم بیروت ۱۴۲۳ ق دوم سید محمد حسینی شیرازی
- ۲۵- تحف العقول عن آل الرسول آل علی علیه السلام بی جا ۱۳۸۲ ش اول ابو محمد حرانی
- ۲۶- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران ۱۳۷۴ ش اول حسن المصطفوی
- ۲۷- تربیت روشها اخلاق طراحان نشر بی جا ۱۳۷۸ ش اوم علی فایضی
- ۲۸- تفسیر جامع، صدر، تهران، ۱۳۲۶ ش، ششم، سید محمد ابراهیم بروجردی
- ۲۹- تفسیر جوامع الجامع بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۷ ش دوم فضل بن حسن طبرسی مترجم مترجمان
- ۳۰- تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان دانشگاه تهران تهران ۱۳۷۷ ش اول ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی
- ۳۱- تفسیر خسروی اسلامیة تهران ۱۳۹۰ ق اول علی رضا میرزا خسروانی
- ۳۲- تفسیر روان جاوید برهان تهران ۱۳۹۸ ق سوم محمد ثقفی تهرانی

- ۳۳- تفسیر روح البیان دارالفکر بیروت ۱۴۲۳ ق دوم
سید محمد حسین شیرازی
- ۳۴- تفسیر روشن مرکز نشر کتاب تهران ۱۳۸۰ ش اول
مصطفی حسن
- ۳۵- تفسیر رهنما کیهان تهران ۱۳۶۴ ش چاپ ندارد زین
العابدین رهنما
- ۳۶- تفسیر سور آبادی فرهنگ نشر نو تهران ۱۳۸۰ ش
اول سور آبادی ابوبکر عتیق بن محمد
- ۳۷- تفسیر شریف لاهیجی دفتر نشر داد تهران ۱۳۷۳ ش
اول محمد بن علی شیرف لاهیجی
- ۳۸- تفسیر الصافی انتشارات الصدر تهران ۱۴۱۵ ق
دوم ملامحسن فیض کاشانی
- ۳۹- تفسیر صراط
- المستقیم، انصاریان، قم، ۱۴۱۶ق، اول، سید حسین بروجردی
- ۴۰- تفسیر عاملی صدوق تهران ۱۳۶۰ ش ابراهیم عاملی
- ۴۱- تفسیر علیین اسوه قم ۱۳۸۲ اول سید عباس
کریمی حسینی
- ۴۲- تفسیر القرآن الکریم دار البلاغه للطباعه
بیروت ۱۴۱۲ ق اول سید عبدالله شبر
- ۴۳- تفسیر القرآنی للقرآن بی نا بی جا بی تا عبد
الکریم خطیب
- ۴۴- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب وزارت ارشاد
اسلامی تهران ۱۳۶۸ ش اول محمد بن محمد رضا قمی
مشهدی
- ۴۵- تفسیر کوثر بی نا بی جا بی تا یعقوب جعفری
- ۴۶- تفسیر مفاتیح الغیب دار احیاء التراث العربی
بیروت ۱۴۲۰ ق سوم ابو عبدالله محمد بن عمر فخر الدین
رازی
- ۴۷- تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین
کتابفروشی محمد حسن علمی تهران ۱۳۳۶ نوبت چاپ
ندارد ملا فتح الله کاشانی
- ۴۸- تفسیر مواهب علیه اقبال تهران ۱۳۶۹ ش چاپ
ندارد حسین بن علی کاشفی سبزواری

- ۴۹- تفسیر المیزان دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قم ۱۳۷۴ ش پنجم سید محمد حسین طباطبایی مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی
- ۵۰- تفسیر نمونه دار الکتب الاسلامیه تهران ۱۳۷۴ ش اول مکارم شیرازی ناصر
- ۵۱- تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق، چهارم، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی
- ۵۲- تفسیر نور مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن تهران ۱۳۸۳ ش یازدهم قرائتی محسن
- ۵۳- تفسیر هدایت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۷ ش اول مترجمان
- ۵۴- الجدید فی تفسیر القرآن المجید دار التعارف للمطبوعات بیروت ۱۴۰۶ ق اول سبزواری نجفی محمدبن حبیب الله
- ۵۵- الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین مکتبه الالفین کویت ۱۴۰۷ ق اول شبر سید عبد الله
- ۵۶- الحدیث دفتر نشر فرهنگ اسلامی بی جا ۱۳۷۰ ش اول مرتضی فرید تنکابنی
- ۵۷- الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش، مکرر، احمد آرام .
- ۵۸- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم دار الکتب العلمیه بیروت ۱۴۱۵ ق اول سید محمود آلوسی
- ۵۹- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشهد ۱۴۰۸ ق حسین بن علی ابوالفتوح رازی
- ۶۰- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد ۱۳۸۱ ش اوم جعفر شریعتمداری
- ۶۱- طرائف الحکم یا اندرزه‌های ممتاز کتابخانه صدوق تهران ۱۳۶۲ ش سوم میرزا احمد آشتیانی
- ۶۲- فرهنگ المعجم الوسیط انتشارات اسلامی تهران ۱۳۸۱ ش اول ابراهیم انیس و دیگران
- ۶۳- قاموس قرآن دار الکتب الاسلامیه تهران ۱۳۸۱ ش نهم سید علی اکبر قرشی

- ۶۴- قلب سليم دارالکتب الاسلاميه تهران ۱۳۷۰ ش
يازدهم سيد عبد الحسين دستغيب شيرازى
- ۶۵- كشف الاسرار و عده الابرار امير كبير تهران
۱۳۷۱ ش پنجم احمد بن ابى سعد رشيد الدين ميبدى
- ۶۶- لسان العرب دار صادر بيروت ۱۴۱۴ ق سوم محمد
بن مكرم ابن منظور
- ۶۷- مجمع البيان فى تفسير القرآن ،فراهانى تهران
۱۳۶۰ اول فضل بن حسن طبرى ترجمه مترجمان
- ۶۸- _____ ناصر خسرو تهران ۱۳۷۲ ش سوم فضل
بن حسن طبرى
- ۶۹- مخزن العرفان در تفسير قرآن نهضت زنان مسلمان
بى جا ۱۳۶۱ ش سيده نصرت امين بانوى اصفهانى
- ۷۰- معجم مقاييس اللغه مركز نشر مكتب الاعلام
السلامى قم ۱۴۰۴ ق ابوالحسين احمدبن فارس بن زكريا
- ۷۱- معراج السعاده دهقان بى جا بى تا ملا احمد
نراقى
- ۷۲- المفردات فى غريب القرآن رضوى مشهد ۱۳۷۵ ش
ذوم ابوالقاسم حسين بن محمدبن فضل معروف به راغب
اصفهانى مترجم سيد غلامرضا خسروى حسيني
- ۷۳- منتخب الغرر انتشارات مفيد بى جا ۱۳۸۷ ش دوم
فضل الله كمپانى
- ۷۴- الموسوعه القرآنيه موسسه سجل العرب بى جا
۱۴۰۵ ق ابراهيم آبيارى
- ۷۵- النجاه من الذنوب نشر الهادى قم ۱۴۱۶ ق اول
حسين شاكرى
- ۷۶- نهج الخطابه كتابخانه صدر تهران ۱۳۷۴ ش دوم
علم الهدى خراسانى
- ۷۷- نهج الفصاحه فرايض قم ۱۳۸۵ ش اول ابوالقاسم
پاينده
- ۷۸- وجوه القرآن مجمع البحوث الاسلاميه مشهد ۱۳۸۰ ش
اول اسماعيل بن احمد ميرى نيشابورى